

توسط هیات نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی صلاحیت ده ها کاندیدای نمایندگی انتخابات مجلس رد شد

● هیات نظارت معروف ترین کاندیداهای طرفدار خاتمی را حذف کرد
● شورای نگهبان در روز یازدهم اسفند ماه تصمیم نهایی را خواهد گرفت
● کاندیداهای نهضت آزادی ایران توسط وزارت کشور حذف شدند

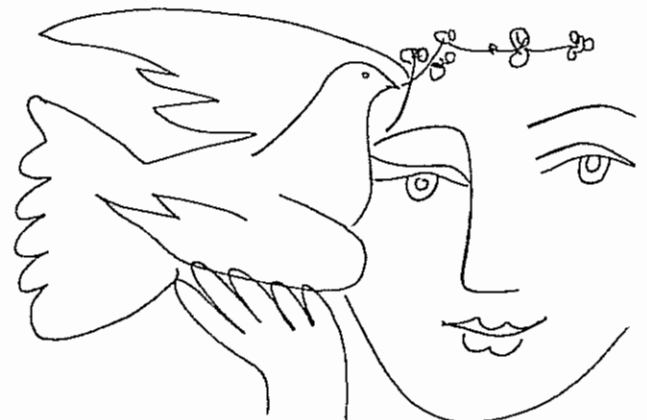
اصغر زاده از «دانشجویان خط امام» و کاندیدای دفتر انجمن های اسلامی دانشجویان، مزروعی و صلواتی از چهره های «جناح چپ» در اصفهان و صدیقی از افراد همین جناح از سلماس، و نیز محمود علیزاده طباطبایی، حسن شجاعی کیاسری، قاضی زاده هاشمی، کریم ملک آسا و محمدباقر نژادپایان فرد رد شده است. پیش از این فرمانداری تهران کاندیداتوری ابراهیم یزدی، هاشم صباغیان و گروه دیگری از نزدیکان نهضت آزادی ایران را رد کرده بود.

هیات نظارت بر انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی صلاحیت شماری از نامزدهای انتخاباتی را که نام چهره های برجسته ای از جناح طرفدار خاتمی رئیس جمهور نیز در میان آنها دیده می شود، رد کرد. این انتخابات قرار است روز ۲۲ اسفند ماه برگزار شود. از جمله صلاحیت بهزاد نبوی از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که داوطلب احراز یکی از دو کرسی خالی نمایندگی از حوزه تهران، ری، شمیرانات و اسلام شهر است، ابراهیم

لاجوردی از ریاست کل زندان ها کنار گذاشته شد

روزنامه کیهان در شماره یکشنبه گذشته خود خبر داد که آیت الله یزدی، رئیس قوه قضائیه اسدالله لاجوردی رئیس کل زندان های کشور را کنار گذاشته و به جای او فردی به نام مرتضی بختیاری را منصوب کرده است. یزدی در عین حال از «خدمات» لاجوردی قدر دانی کرده است. لاجوردی به جز دوره کوتاهی، از نخستین سال های انقلاب، رئیس زندان ها بود و هزاران زندانی به فرمان او اعدام شده اند.

روز جهانی زن بر زنان ایرانی گرامی باد!



ویژه ۸ مارس، روز جهانی زن:

- اطلاعیه شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- زنان نیروی اصلی هر تحول دموکراتیک
- جنگ با فمینیسم با نام خدا: جنسیت و اسلام بنیادگرا
- نام کفش های ورزشی NIKE را شنیده اید؟...
- صفحات ۵ تا ۸



بیست و هفتمین

سالگرد

بنیان گذاری جنبش

فدائیان خلق

بخوان به نام گل سرخ

در صحاری شب

که باغ ها همه بیدار

و بارور گردند...

جنبش مرکزی بیست و هفتمین سالگرد بنیان گذاری جنبش فدائیان خلق، دوم اسفند ماه در شهر بن آلمان برگزار شد. گزارش های ما به مناسبت سالگرد جنبش فدائیان را در صفحات ۹ تا ۱۱ ببینید.

مشکلات دانشجویان هم چنان باقی است اما خامنه ای دستور اسلامی شدن بیشتر دانشگاه ها را داده است



۷ جوان دانشجو در یک اتاق. چگونه می توان درس خواند و یا استراحت کرد؟ دانشجویان در ایران با مشکلات بسیاری مواجهند. اعتصابات پر دامنه اخیر دانشجویان، همه کس را متوجه این مشکلات که یورش دسته های چاقوکار به دانشگاه یکی از اصلی ترین آنهاست کرده است، اما قدمی در جهت حل این مشکلات برداشته نمی شود. هفته گذشته خامنه ای به جای این که به مسئولین دستور دهد به خواست های دانشجویان رسیدگی و مشکلات آنان را حل کنند، به آنان دستور داد که دانشگاه ها را اسلامی تر کنند و به دانشجویان هشدار داد که معنای تحرک سیاسی را مقابله با حکومت ننهیند. سخنان هفته گذشته خامنه ای در مورد دانشگاه ها و دانشجویان، واکنشی بود به تظاهرات دانشجویان و اعتراض آنان به نابسامانی در دانشگاه ها و به وجود استبداد در دانشگاه ها و در همه کشور. خامنه ای به جای شنیدن این پیام ها را خود را ادامه می دهد و نمی خواهد بشنوند که دانشجویان چه می گویند و چه می خواهند.

جان پناهجویان در ترکیه در خطر جدی قرار دارد

بسیاری از پناهجویان ایرانی در ترکیه، در خطر بازگشت به ایران قرار دارند. گروهی از کانون های دموکراتیک با انتشار اطلاعیه ای، نسبت به سرنوشته پناهجویان ایرانی در ترکیه هشدار داده اند. بنا بر اطلاعیه ای که کانون حمایت از مبارزات مردم ایران در کلن (تلاش)، کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران در آخن و کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران در یُن منتشر کرده اند، آمده است که بسیاری از پناهجویان ایرانی توسط دولت ترکیه به عراق بازگردانده شده و یا به دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شده اند. بنا بر این اطلاعیه ۴۱ نفر از پناهجویان توسط دولت ترکیه محاکمه شده اند. جمعی از پناهجویان ایرانی در برابر قرارگاه مرکزی پلیس ترکیه، اقدام به اعتراض نموده و خواهان رسیدگی به وضعیت خود شده اند.

علیرغم اعلام برائت از سوی هیئت منصفه مطبوعات مدیر مسئول ماهنامه «ایران فردا» دوباره محاکمه خواهد شد

کرد و طی نامه ای به اعضای این هیئت نوشت: که اعضای علی البدل نیز در رای گیری شرکت داشته اند و به همین دلیل حکم اعلام شده مخدوش است. در هیئت منصفه مطبوعات ۷ عضو اصلی و ۷ عضو علی البدل حضور دارند و به همان تعداد از اعضای اصلی که غایب باشند، اعضای علی البدل حق رای دارند. به نوشته روزنامه رسالت ۷ نفر له و ۵ نفر علیه سحابی رای داده اند و رئیس دادگاه تعداد آرا را ۱۱ ادامه در صفحه ۳

آن سادگی کردیم ولی چه مانعی وجود دارد که شما با هر لحن و مضمونی که صلاح می دانید، مطلب را تکذیب کنید و ما هم عذرخواهی می کنیم که ایشان این کار را نکردند». هیئت منصفه مطبوعات پس از شنیدن اظهارات سحابی و هم چنین دلایل وکیل مهدوی کتی، به برائت سحابی رای داد. اما این رای از سوی دادگاه پذیرفته نشد. یک روز بعد رئیس شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران رای هیئت منصفه دادگاه مطبوعات را «مخدوش» اعلام

شناخته شد. بر اساس شکایت مهدوی کتی ماهنامه «ایران فردا» خبری منتشر کرده بود که در جریان انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری وی (مهدوی کتی) فتوایی در باره تقلب در انتخابات به نفع ناطق نوری داده بود. به نوشته روزنامه رسالت، سحابی در جلسه دادگاه اصل شکایت را رد نکرد اما گفت: «وقتی از شکایت ایشان اطلاع پیدا کردم طی نامه ای از ایشان درخواست کردم که مطلب منتشر شده شاید به اعتقاد ما شیاع بود و در چاپ

دادگاه عمومی تهران، حکم هیئت منصفه مطبوعات در مورد اتهامات عزت الله سحابی، مدیر مسئول ماهنامه «ایران فردا» را رد کرد و اعلام کرد وی مجدداً محاکمه خواهد شد. دلیل محاکمه مجدد سحابی آن است که گفته شده اعضای علی البدل هیئت منصفه مطبوعات نیز در رای گیری شرکت داشته اند و رای آنان فاقد اعتبار است. عزت الله سحابی در تاریخ ۲۸ بهمن گذشته از اتهاماتی که آیت الله مهدوی کتی به او وارد کرده بود، مبرا

آنها که نمی آموزند!

هیات نظارت بر انتخابات که منتخب شورای شورای نگهبان است و تحت فرمان آن قرار دارد، به روال معمول گروه کثیری از داوطلبین شرکت در انتخابات میان دوره ای مجلس را، که از جوان وزارت کشور به سلامت گذشته بودند حذف کرد و در میان آن ها که صلاحیتشان از سوی این هیات رد شد، برخی از چهره های معروف وابسته به جناح رئیس جمهور نیز به چشم می خوردند.

روش هیات نظارت بر انتخابات، دست کم در رد صلاحیت طرفداران رئیس جمهور این بار با شگفتی در میان برخی از محافل، به ویژه محافل وابسته به جناح چپ حکومت تلقی شد. بسیاری انتظار نداشتند که طرفداران خامنه ای به این صورت زخم و آشکار در برابر رئیس جمهور قرار گیرند و طرفداران او را حذف کنند.

هر چند شورای نگهبان نظر قطعی خود را روز دوشنبه این هفته اعلام خواهد کرد، اما بسیاری تصمیم هیات نظارت را از مایه های دانسته اند که عکس العمل حذف شده را پسندند و اگر با مقاومت جدی و بیرو نشدند، شورای نگهبان به حذف آنان قطعیت ببخشد. چه شورای نگهبان بر تصمیم هیات نظارت صحنه بگذارد و چه صلاحیت گروهی از رزندگان را دوباره تایید کند، تغییر چندانی در این واقعیت داده نخواهد شد که گروه بزرگی از کاندیداها بار دیگر حذف خواهند شد و شورای نگهبان و وابستگان به خامنه ای با برخورداری از حق «نظارت استصوابی» که برای خود قابل شده اند، همچنان خواست و اراده مردم را زیر پا می گذارند. تصمیمات طرفداران خامنه ای حاوی چند پیام است: آنان قصد ندارند از کنترل مردم و تصمیم گیری به جای آنان دست بردارند، آنان قصد دارند که اجازه ندهند حادثه دوم خرداد حتی در ابعادی کوچک تر و بی اهمیت تر تکرار شود و از همین رو در صدد امکان رقابت را در چارچوب حکومت و نظام نیز، پیشاپیش از بین ببرند. تصمیمات هیات نظارت همچنین حاوی این پیام چند باره نیز هست که تیغ سانسور شورای نگهبان، حکومتی و غیر حکومتی هم نمی شناسد و هر جا که بتواند می برد و حتی هواداران رئیس جمهور را نیز در زمره «خودی ها» نمی شناسد.

اما تصمیم هیات نظارت و نقشه های شورای نگهبان برای طرفداران رئیس جمهور هر پیام و معنی که داشته باشد، برای مردم ایران یک معنا بیشتر ندارد و آن این که این آقایان نمی خواهند از آن چه در پیرامونشان می گذرد، درسی و پندی بگیرند. آنان درست به همان سیاستی وفادار مانده اند که مردم در دوم خرداد و از دوم خرداد به بعد علیه آن قیام کرده اند. فقهای شورای نگهبان آن قدر بی اطلاع نیستند که ندانند تصمیمات آنان و نهادهای دست نشانده شان در برابر رای است که مردم در دوم خرداد داده اند و چیزی است که در آن روز خواسته اند. هواداران خامنه ای که آشکارا و در هر فرصت با روندی که از دوم خرداد آغاز شد، به مخالفت برخاسته اند، اکنون فرصت را مناسب دیده اند تا به همه کس بفهمانند که قصد آنان نه اجازه دادن به تکرار روی دادهایی نظیر آن چه در دوم خرداد روی داد، بلکه پایان دادن به روندهایی است که از آن حادثه سرچشمه گرفته است.

یادداشت

آزادی فعالیت احزاب سیاسی

یعنی آزادی فعالیت احزاب مخالف

موضوع تاسیس و تشکیل احزاب سیاسی و اعلام فعالیت رسمی تعدادی از تشکلات سیاسی به مثابه حزب در ایران، اکنون موضوع روز و از مسائل مورد توجه است. در این باره توجه به چند نکته ضروری است:

سلطه سیاه و دیرپای استبداد در کشور ما، برخی امور بدیهی و ابتدایی و تغییرات جزئی را در جایگاه یک تحول می‌نشانند. طرح برخی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، آن‌گاه که با اغراض سیاسی هم‌سو می‌شود، حتی اگر ایتر و تحریف شده نیز باشد، در بوق و کرنا رفته و حول آن تبلیغات ویژه و عموماً واهی صورت می‌پذیرد. از آن جمله است، میزان کاهش فشارهای اجتماعی و سیاسی و هم چنین تشکیل و آزادی احزاب سیاسی.

حزب سیاسی، تشکل اقشار و گروه‌هایی از مردم است برای اعمال اراده و تأثیر گذاری سیاسی. در یک جامعه مدنی، حزب عالی‌ترین شکل تشکل شهروندان برای تأثیر گذاری بر روندهای سیاسی است. ابزار دفاع از حقوق شهروندی است در برابر قدرت دولتی و یا اساساً وسیله تقابل با دولت حاکم و کسب قدرت سیاسی است. بنابر این در اساس آزادی فعالیت احزاب سیاسی یعنی آزادی فعالیت احزاب اپوزیسیون مخالف با حکومت و متفاوت از احزاب و نهادهای حکومتی. بدون حضور و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی مخالف نه از دموکراسی و مردم‌سالاری می‌توان سخن گفت و نه از وجود جامعه مدنی.

احزاب سیاسی تأثیرگذار و با پایه اجتماعی، تاسیس نمی‌شوند، شکل می‌گیرند، تاریخاً شکل می‌گیرند. شکل‌گیری یک جنبش و حزب سیاسی تأثیرگذار با پایه اجتماعی قابل توجه نیز شاید برای هر نسل و هر جریان اجتماعی یک بار اتفاق بیفتد. بنابراین موضوع در اساس بیش از آن که تحت عنوان و در چارچوب تاسیس و تشکیل احزاب سیاسی جدی گرفته شود و اهمیت داشته باشد، باید در چارچوب ضرورت آزادی فعالیت احزاب سیاسی مطرح گردد. اظهارات ناطق نوری وزیر کشور دولت خاتمی به هنگام رد صلاحیت کاندیداتوری دکتر یزدی به عنوان کاندیدای نیضت آزادی، در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی که بر ولایت فقیه و رهبری فردی متکی است و کوشش می‌شود مناسبات مرجع تقلید و مقلد به عرصه سیاست و در سطح جامعه تعمیم داده شود، شاید سخن از حزب و آزادی احزاب سیاسی گامی به جلو باشد و پیش‌در مبارزه جناحی و اصلاحات از بالا را تسهیل کند. اما «تاسیس احزاب» بدینگونه را به جای ضرورت آزادی فعالیت احزاب سیاسی نشانند، جز فریب و مقابله با یک خواست جدی و آزادی خواهانه مردم نیست. این تبلیغات و اقدامات با هدف حفظ مجموعه نظام و عدم تخطی از مرزهای ممنوعه و «خط سرخ» کذابی صورت می‌گیرد.

همان‌گونه که آزادی به معنای ضرورت آزادی دگراندیش تعریف شده است، در این مورد نیز آزادی فعالیت احزاب سیاسی نمی‌تواند مفهومی جامع و واقعی به جز آزادی فعالیت احزاب مخالف به خود بگیرد.

صلاحیت ده‌ها کاندیدای نمایندگی...

ادامه از صفحه ۱

شکسته شدن اکثریت طرفداران پر و پاقرص خامنه‌ای در مجلس است.

تطعماً تلاش‌های جناح خامنه‌ای برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات اصفهان، جو این شهر را که از چند ماه پیش متشنج است، حادث خواهد کرد. اخیراً باندهای چماق‌دار این جناح بار دیگر مراکز رقیب در اصفهان را مورد حمله قرار داده‌اند. در حالی که محمد یزدی رئیس قوه قضاییه در کنفرانس مطبوعاتی ۲۷ بهمن‌ماه خود مدعی شد

که به «حوزه علمیه اصفهان حمله نشده است» ناصر خالقی نماینده اصفهان در مجلس گفت حوزه علمیه صدر در این شهر بار دیگر مورد حمله چماق‌داران جناح راست قرار گرفته است. خالقی این حمله را در ردیف حمله به سینماها، حمله به منازل اشخاص، دفاتر روزنامه‌ها و نماز جمعه اصفهان و بخش شب‌نامه علیه «جناح چپ» در این شهر دانست. خالقی افزود آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان در برابر این حملات «بر آشفته است» و خود را «با تمام توان در برابر این عناصر قرار داده است». در چنین شرایطی، حذف صلواتی و مزروعی بر ناآرامی‌ها خواهد افزود.

مجمع روحانیون مبارز و کارگزاران

به توافق نرسیدند

مجمع روحانیون مبارز و گروه کارگزاران سازندگی که طرف‌دار رفسنجانی هستند، نتوانستند در مورد آرایه کاندیدهای مشترک به توافق برسند. به نوشته هفته نامه بین چاپ تهران کارگزاران سازندگی با معرفی یبزد نبوی و خانم کروی موافق نبوده و خواهان معرفی افرادی که از نظر آنان «میان‌رو» تر باشند، بوده‌اند. برخی شنیده‌ها حاکی است که پس از عدم توافق کارگزاران سازندگی با روحانیون مبارز، کارگزاران ترجیح داده‌اند در این انتخابات «بی‌طرف» بمانند.

۶ تن از کارگران اعتصابی گروه صنعتی ملی دستگیر شدند

کارگران کارخانه علاءالدین تهران اعتصاب کردند

زیادی از کارگران به کار بازگشته‌اند. اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات کارگری در چند سال اخیر به شمار می‌آید و مدت ۵ هفته از بیست و دوم دی ماه به طول انجامید. خواست اساسی کارگران افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه‌های زندگی بوده است. در کارخانه علاءالدین تهران، کارگران از روز سه شنبه ۲۶ بهمن ماه دست به اعتصاب زدند. نبود امنیت شغلی و حذف مزایا مورد اعتراض

در حالی که رژیم با دستگیری گروهی از کارگران گروه صنعتی ملی، بسیاری از کارگران اعتصابی را مجبور به پایان دادن به اعتصاب کرده است، از تهران خبر می‌رسد که کارگران کارخانه علاءالدین دست به اعتصاب زده‌اند. حزب کمونیست کارگری ایران در روز ۲۹ بهمن گذشته با صدور اطلاعیه‌ای خبر داد که حکومت جمهوری اسلامی ۶ نفر از کارگران گروه صنعتی ملی را دستگیر کرده است و بر اثر فشار مأموران رژیم، گروه

سیاست آمریکا و اروپا در قبال ایران: هماهنگی بیشتر؟

مجازات در مورد سه شرکت نامبرده را به تعویق خواهد افکند. دو شرکت نفتی دیگر اروپایی، بریتیش پسترولیوم و شل نیز در تهران دفاتر خود را دایر کرده‌اند اما ناظران می‌گویند با توجه به اینکه ب.پ. و شل، در آمریکا بیش از توتال منافع دارند، در معامله با تهران از خود احتیاط نشان خواهند داد.

خبرگزاری رویتر از قول مقامات آمریکایی نوشته است در دولت کلینتون، وزارت خارجه نقش «کیوتر» را در برخورد با ایران ایفا می‌کند در حالی که «باز»ها در وزارت دفاع و سرویس‌های جاسوسی هستند. طبق این گزارش، از هنگام مصاحبه دو ماه پیش خاتمی با سی.ان.ان، دولت کلینتون سرگرم بازنگری در سیاست خود در قبال ایران است.

نتیجه این بازنگری هرچه باشد، از هفته‌های اخیر نشانه‌های حد معینی از همکاری در سیاست آمریکا و اروپا در برخورد با جمهوری اسلامی دیده شده است. این نشانه‌ها، به ویژه تصمیم اخیر اتحادیه اروپا، مورد استقبال جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی گفت است «بخش اعظم تلاش اروپا برای بهبود روابط خود با تهران ناشی از حماسه سیاسی بسیار بزرگ مردم ایران در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است». روحانی همچنین حضور کشتی‌گیران آمریکایی در تهران را «از همه نظر مثبت» ارزیابی کرد. وی افزود: «آمریکایی‌ها باید واقعیت ایران، انقلاب و استقلال آن را بپذیرند و در مقابل حق تسلیم شوند».

سخن‌گویی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز از تصمیم اروپایی‌ها استقبال کرد و آن را نشانه‌ای از «درک واقع‌بینانه‌تر» اروپا دانست. کمال خرازی وزیر خارجه دولت خاتمی نیز این گام اتحادیه اروپا را نشانه‌ای از «درک موقعیت ایران» توسط این اتحادیه دانست.

البسته در کنار این اظهارات آنتی‌جویانه، در جمهوری اسلامی کماکان موضع‌گیری‌هایی مانند بزرگداشت سالگرد صدور فتوای خمینی علیه سلمان رشدی نیز وجود دارد. سپاه پاسداران و سازمان تبلیغات اسلامی (زیر نظر آیت‌الله جنتی از سران جناح فقهاتی) این فتوا را «تاریخی» نامیدند.

آلمان در حاشیه بهبود روابط اروپا و جمهوری اسلامی به ابراز نگرانی در مورد سرنوشت هلموت هوفر شهروند آلمانی زندانی در ایران ادامه می‌دهد. آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود گفت مقامات قضایی ایران سرگرم بررسی ادعای هوفر دایر بر گرویدن به اسلام پیش از برقراری رابطه با یک زن ایرانی (مورد اتهام هوفر) هستند. کلاس کینکل وزیر خارجه دولت آلمان بار دیگر گفت سرنوشت هوفر در بهبود روابط دو کشور تأثیر زیادی دارد. کینکل افزود هر گونه تکرار حملات جمهوری اسلامی به اپوزیسیون ایرانی در اروپا بار دیگر به روابط اروپا و جمهوری اسلامی لطمه خواهد زد.

که مایل به شرکت در چنین تماس‌هایی هستند، تشویق می‌کنیم که چنین کنند. اگر ایرانی‌ها بخواهند به آمریکا بیاوند، ما خواهیم کوشید در صدور ویزا بسته به مورد، تسهیلاتی قائل شویم». جیمز رویبن، از انتقاد از تصمیم اخیر اتحادیه اروپا به ازسرگیری ملاقات‌های وزرای اروپایی و ایرانی خودداری کرد و گفت: «ما این را تصمیمی می‌دانیم که بر عهده اتحادیه اروپاست اما اصرار داریم که باید از تماس‌ها با مقامات ایرانی برای ابراز نگرانی در مورد سیاست‌های قابل انتقاد ایران بهره گرفت». سخنگوی وزارت خارجه آمریکا افزود خود اتحادیه اروپا نیز در مصوبه خود اعلام کرده است که در گفتگو با جمهوری اسلامی موضوعاتی مانند سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم، حقوق بشر، فتوا علیه سلمان رشدی و برخورد ایران به روند صلح خاورمیانه را مطرح خواهد کرد.

سخن‌گویی وزارت خارجه آمریکا، اختلاف بین اروپا و آمریکا بر سر نحوه برخورد به ایران را «تفاوت‌های تاکتیکی» نامید.

یک ژست آنتی‌جویانه دیگر آمریکا در قبال جمهوری اسلامی، محکومیت ترور دو مهندس ایرانی در پاکستان از سوی سفارت آمریکا در این کشور بود. در پاکستان، گروه‌های افراطی «سپاه صحابه» که مورد حمایت عربستان است در حملات به شیعیان پاکستان و نمایندگان جمهوری اسلامی در این کشور فعال است. تا کنون گزارش‌های متعددی در مورد حمایت آمریکا و عربستان از گروه‌هایی مانند طالبان افغانستان و سپاه صحابه پاکستان منتشر شده است. اکنون سفارت آمریکا در پاکستان که متهم به کمک به سپاه صحابه و طالبان است، می‌کوشد این اتهامات را رد کند. در بیانیه سفارت آمریکا در پاکستان با خانواده‌های دو مهندس ایرانی ابراز همدردی شده است.

از سوی دیگر، انتظار می‌رود در هفته جاری نتایج بررسی‌های وزارت خارجه آمریکا در مورد شامل شدن قانون داماتو بر قرارداد دو میلیارد دلاری سه شرکت توتال (فرانسه)، گازپروم (روسیه) و پتروناس (مالزی) اعلام شود. طبق قانونی که به ابتکار سناتور جمهوریخواه نیویورک، داماتو، در کنگره آمریکا تصویب شده است، هر شرکت خارجی که در صنایع نفت و گاز ایران بیش از حد معینی سرمایه‌گذاری کند، می‌تواند مشمول مجازات اقتصادی از سوی دولت آمریکا گردد. ماه‌هاست که دولت کلینتون اعلام نظر درباره قرارداد توتال با ایران را به تعویق افکند است.

قرار بود در اواخر بهمن ماه نتیجه این بررسی از سوی وزارت خارجه آمریکا اعلام شود، اما دولت آمریکا اعلام آن را باز هم به تعویق افکند که تلاش‌هایش برای جلب حمایت اروپا از حمله نظامی به عراق به خطر نیفتد. اکنون که بحران عراق فعلاً برطرف شده است، انتظار می‌رود نظر وزارت خارجه آمریکا در مورد قرارداد توتال - گازپروم - پتروناس اعلام شود. یک دیپلمات اروپایی پیش‌بینی کرده است که وزارت خارجه آمریکا اعلام خواهد کرد که این قرارداد، طبق قانون داماتو مشمول مجازات است اما وضع

هفته گذشته نشانه‌هایی حاکی از این دیده شد که هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا مثنی آنتی‌جویانه‌تری را در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ می‌کنند.

آشکارترین گام را اتحادیه اروپا برداشت. در حالی که توجه جهانیان به بحران عراق جلب شده بود، وزرای خارجه ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در نشست سه‌شنبه ۵ اسفند خود تصمیم گرفتند بر پروتوکل‌هایی که پس از انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری اسلامی صورت گرفته است، گفتگوها در سطح وزیران با ایران را از سرگیرند. در دنبال صدور حکم دادگاه میکونوس، ده ماه پیش اتحادیه اروپا تصمیم گرفته بود «گفتگو انتقادی را به حالت تعلیق درآورد و از تماس با جمهوری اسلامی در سطح وزرا خودداری کند. اینک، کشورهای اروپایی نام برخورد جدید خود را «گفتگو» (بدون تأکید بر انتقادی بودن آن) گذاشته‌اند و البته برخی از وزرا افزودند که گفتگوهای جدید، «غیرانتقادی نخواهد بود». در مصوبه وزرای اروپایی آمده است اتحادیه اروپا می‌خواهد در مذاکرات با ایران، مسائل سه‌گانه مورد انتقاد آمریکا یعنی حمایت از تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های نابودی جمعی و مخالفت با روند صلح خاورمیانه را مطرح کند. اما در عین حال نشانه‌های اعتدال در رفتار بین‌المللی جمهوری اسلامی را مورد تشویق قرار دهد.

بلافاصله پس از تصمیم هفته گذشته اروپا، دولت ایتالیا اعلام کرد لامبرتو دینی وزیر خارجه این کشور روز یکشنبه هفته جاری به دعوت وزیر خارجه جمهوری اسلامی، از ایران دیدار خواهد کرد.

در آمریکا، جیمز رویبن سخنگوی وزارت خارجه این کشور اعلام کرد دولت واشنگتن، شهروندان آمریکایی را تشویق می‌کند که از ایران دیدار کنند و در صدور ویزا برای ایرانیان مایل به دیدار از آمریکا نیز تسهیلاتی قائل خواهد شد. اخیراً دو گروه آمریکایی به تهران رفتند. کشتی‌گیران آمریکایی در جام تختی تهران شرکت کردند و با استقبال ۱۸ هزار تماشاگر حاضر در سالن مواجه شدند. و نیز یک گروه کارشناسان آمریکایی امور خاورمیانه در یک کنفرانس پیرامون اوضاع خلیج فارس در تهران شرکت کرد. به گزارش خبرگزاری‌ها، کمال خرازی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و ممبران کنفرانس، شرکت‌کنندگان آمریکایی در کنفرانس تهران را فخرود.

ناظران در واشنگتن می‌گویند این دو رویداد، دولت کلینتون را بر آن داشت تا در یک موضع‌گیری علنی، برخورد دوستانه جمهوری اسلامی با آمریکا را تشویق کند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ضمن تأکید بر اینکه دولت این کشور، دیدار در سطح دولت‌ها را ترجیح می‌دهد، گفت تهران آماده برای چنین روابطی نیست و از این رو: «مبادلات در سطح افراد که به نظر می‌رسد دارد آغاز می‌شود، ارزشمند است و می‌تواند به فراهم کردن زمینه برای گفتگو دو دولت کمک کند». این مقام وزارت خارجه آمریکا خاطرنشان کرد: «ما کسانی را

برای مقابله

با سقوط شدید

قیمت نفت

دبیرکل اوپک

خواهان اجلاس

فوق العاده شد

● به دلیل ادامه کاهش بهای نفت، یک هیات مسامور بررسی مجدد بودجه سال آینده دولت می‌شود

وزیر معادن و صنایع استخوانی که ریاست دوره‌ای سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، را بر عهده دارد، روز جمعه گذشته اعلام کرد گفتگو با ۱۱ کشور عضو را برای تشکیل اجلاس فوق‌العاده اوپک به منظور مقابله با کاهش قیمت نفت آغاز کرده است. وی خواهان آن شد که اجلاس فوق‌العاده، گفتگو در باره قیمت و سهمیه نفت را در دستور قرار دهد. دبیرکل اوپک گفت پیشنهاد کرده است که این اجلاس در اندونزی و بعد از انتخابات ریاست جمهوری این کشور در اوایل ماه مارس تشکیل شود.

در بودجه سال آینده دولت جمهوری اسلامی بهای هر بشکه نفت حدود ۱۲ دلار تعیین شده است اما نفت ایران در حال حاضر بسیار پایین‌تر از این مقدار به فروش می‌رسد به گزارش تلویزیون جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه گذشته، بهای نفت خام سبک ایران به ۱۱ دلار و ۴۷ سنت و بهای نفت سنگین به ۱۱ دلار و ۲۵ سنت رسیده است که در مقایسه با چند روز پیش از آن نیز، نزدیک به ۵۰ سنت کاهش داشته است. بهای نفت نسبت به یک سال گذشته نزدیک به ۷ دلار در هر بشکه کاهش یافته است و کشورهای صادرکننده نفت را در تسامین صنایع ارزی خود با دشواری‌های بزرگی مواجه کرده است. برخی موسسات غربی پیش‌بینی کرده‌اند که روند کاهش قیمت نفت که از شش ماه پیش آغاز شده است، همچنان ادامه یابد و بهای نفت به زیر ده دلار در هر بشکه برسد.

مقامات جمهوری اسلامی تصمیمات اجلاس گذشته اوپک را از عوامل سقوط قیمت نفت می‌دانند. در آن اجلاس اوپک تصمیم گرفته بود سقف تولید خود را ۱۰ درصد افزایش دهد و به ۲۷/۵ میلیون بشکه در روز برساند.

کاهش شدید و مداوم بهای نفت، مقامات حکومت ایران را بسیار نگران کرده است و از هم اکنون تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه سال آینده را به طور جدی زیر سوال برده است. هفته گذشته محسن نوری رئیس هیاتی مأمور شده است تا بودجه سال ۷۷ کشور را بر اساس کاهش شدید قیمت نفت مورد بررسی به باره قرار دهد. در تهران گفته شد که یکی از اهداف عمده سفر رفسنجانی به ریاض، اتخاذ تصمیمات مشورتی برای جلوگیری از ادامه کاهش قیمت نفت بوده است. ایران و عربستان بیش از ۴۰ درصد سهمیه تولید نفت اوپک را در اختیار دارند و همکاری آن‌ها می‌تواند در بهبود قیمت نفت مؤثر باشد.

۱۵۰ سال «مانیفست حزب کمونیست»

۱۸۴۸ - ۱۹۹۸

ع. بهار

همان اول غیر قابل تحمل بود. ایده‌های انقلاب فرانسه اما هنوز زنده بودند: آزادی، برابری، برادری. ایجاد یک جامعه انسانی خواسته‌ای بود که برای آن اولین بار در سال ۱۸۴۷ در یک مجله انگلیسی از اصطلاح «سوسیالیسم» استفاده شده بود. فعالیتی مثل اف. باپوف در سال ۱۷۹۶ و بعدها فلیپو بوناروتی، لویس آگوست بلانک خواستار دخالت مستقیم بودند: بدست آوردن قدرت دولتی و سلب مالکیت از مالکان. آثارشیت‌هایی مثل میثاق باکونین و پتر کروپوتکین حتی معتقد بودند که: قدرت دولتی یعنی ستم و خواستار نابودی دولت و برقراری خودگردانی کارگران و کمونته بودند. تولیدکننده پارچه، روبرت اوان از ولز مقرراتی علیه کار کودکان وضع نمود و پیشاپیش دو کمون نمونه یکی در نیوهارمونی ایالت ایندیانا آمریکا و دیگری در کوینس‌وود انگلستان برای تشکیل جامعه‌ای بهتر که می‌باید در آینده از این نمونه‌ها به وجود آیند، ایجاد نمود. گراف سنت سیمون جامعه

مدیر مسئول هفته‌نامه «راه‌نو» در دادگاه غیر علنی محاکمه شد
اکبر گنجی در اعتراض به غیر علنی بودن دادگاه، حاضر به دفاع از خود نشد

دادگاه اکبر گنجی، مدیر مسئول هفته‌نامه «راه‌نو» و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کیان»، در روز چهارشنبه ۲۸ بهمن ماه به صورت غیر علنی آغاز شد. به نوشته روزنامه سلام، به دلیل غیر علنی بودن دادگاه، جزئیات جریان محاکمه، اتهامات گنجی، متن دفاعیات وی و تصمیمات دادگاه فاش نشده است.

اکبر گنجی در پانزدهم آذر ماه گذشته دستگیر شد. مقامات قضایی جمهوری اسلامی دلیل بازداشت وی را اعلام نکردند، اما منابع غیر رسمی اتهام او را توهین به «مقام رهبری» می‌دانند. بازداشت او ظاهراً به دلیل یک سخنرانی در دانشگاه شیراز در ۳۰ اردیبهشت ماه گذشته و بعد از شش ماه و نیم از تاریخ این سخنرانی صورت گرفته است. سخنرانی وی زیر عنوان «شریعتی و فاشیسم» انجام شده بود. اکبر گنجی، در نامه‌ای که اواخر بهمن ماه و پیش از برگزاری دادگاه خود به رئیس‌ادسرای انتظامی قضات نوشت، تصریح کرد که او را به جرم «اخاذت به حضرت امام و مقام معظم رهبری» دستگیر کرده‌اند. وی این اتهامات را رد کرد و نوشت تنها جرم او محکوم کردن قانون شکنی انصار حزب‌الله است.

همسر اکبر گنجی، پیش از

از ۲۹ نوامبر تا ۸ دسامبر ۱۸۴۷ به مدت ده روز کنگره «اتحادیه عدالتیون» در لندن تشکیل گردید و پس از بحث و بررسی به «اتحادیه کمونیست‌ها» تغییر نام داده و با اتفاق آرا به کارل مارکس و فریدریش انگلس مأموریت داد تا برنامه حزب را جهت انتشار تهیه کنند. اولین نمونه مانیفست در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۸۴۸ از چاپ خارج شد که مصادف با وقوع یک انقلاب بود: جناح رادیکال مخالفان حکومت فرانسه قصر روایال در پاریس را فتح نموده و پادشاه لوئیس فیلیپ را سرنگون و جمهوری را اعلام نمودند. و قبل از آن که یک نمونه از آن به آلمان برسد نمایندگان مردم در مجلس خلق در مانهایم خواسته‌های خود را بدین صورت فرموله کرده بودند: آزادی مطبوعات، برپایی دادگاه‌ها، صلح نمودن خلق، تشکیل پارلمان.

وضعیت طبقه کارگر در انگلیس و همه آن جاهایی که انقلاب صنعتی پیشه‌وران و اصناف را نابود و به سرولتر تبدیل کرده بود موجب نارضایتی شده بود. ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار در هفته، کار کودکان در معادن و کارخانه‌های پارچه‌بافی، مزد کم، محل زندگی غیرقابل توصیف، برخوردار نبودن از حقوق در محل کار. این شرایط حاکم بر کاپیتالیسم اولیه واقعاً موجود به خصوص در منچستر که بعدها هم به همین نام معروف گردید از

می‌زند-شیخ کمونیسم» و آخرین جمله این سند «پروولترها به جز زنجیرهای خود چیزی را از دست نخواهند داد. آن‌ها دنیایی را به دست خواهند آورد». معروف‌ترین جملات این سند می‌باشند. این نقل قول‌های معروف نشان می‌دهند که کارل مارکس و فریدریش انگلس چگونه نقش تاریخی جامعه کاپیتالیستی را تحلیل کرده و از چه جهت غلبه بر آن را از لحاظ تاریخی اجتناب ناپذیر می‌دانستند.

مطالعه مانیفست پس از گذشت ۱۵۰ سال و مقایسه تحلیل جامعه کاپیتالیستی و دینامیسم رشد آن با آنچه که ما با آن در پایانه قرن بیستم مواجه هستیم نشان می‌دهد که این تحلیل هنوز هم بر قوت خود باقی است. مارکس تغییر و تحولات انقلابی توسط نظم اجتماعی کاپیتالیسم را به عنوان سریع‌ترین و رادیکال‌ترین پیشرفت در تاریخ انسانی می‌دانست. او در عین حال قطب‌بندی جامعه بین صاحبان بورژواها از یک طرف و آن‌هایی که صاحب چیزی نیستند، کارگران از طرف دیگر را علت سقوط این جامعه می‌دانست. مبارزه طبقاتی در درون جامعه کاپیتالیستی در جریان است و می‌تواند به زوال هر دو طبقه و یا به پیروزی اکثریت بی‌انجام. سرانجام این مبارزه طبقاتی چه خواهد شد؟ سؤالی است که جواب آن را قرن بیست و یکم خواهد داد.

به بهانه تولدی دیگر یک وظیفه بزرگ!

هر سال در اسفند ماه، در واپسین روزهای سال و به هنگامی که زمین به استقبال بهار می‌رود، سالی دیگر بر عمر «کار» افزوده می‌شود. امسال «کار» در ۱۹ اسفند، بیستین سال حیات و انتشار خود را آغاز خواهد کرد. نوزده سال پیش، در دومین ماه انقلابی که آن شور و شوق و امید را در سرتاسر میهن پهنای ما پدید آورده بود، نخستین شماره «کار» بر میز روزنامه فروشی‌ها قرار گرفت. از آن دوران نوزده سال می‌گذرد، نوزده سالی که حوادثی به اندازه یک عمر را در خود جای داده است و خود به عمری دراز می‌ماند. در این نوزده سال، حتی روزی نبوده که «کار» آزاد و فارغ از فشار انتشار یابد. از همان نخستین شماره، گروه‌های فشار و عوامل استبداد، دشمنان آزادی، بر «کار» شمشیر کشیدند. هنوز ۳ ساله بود که مانع ادامه انتشارش شدند، ۵ ساله کارکنانش را روانه شکنجه‌گاه‌ها و آواره دیار غربت ساختند. خوانندگان را زیر فشار و آزار قرار دادند و بر هر آن چه نشانی از «کار» داشت تاخند و یورش آوردند. «کار» اما باقی ماند و به پرچم جنبشی تبدیل شد که آزادی و عدالت می‌خواهد و خاموشی نمی‌گیرد.

«کار» به همت همه کارکنان، همه خوانندگان و همه کسانی که آن را در این سال‌های دشوار یاری داده‌اند، برپا و برج ماند و درود بر همه کسانی که این پرچم را پرچا نگاه داشتند.

«کار» با این هدف آغاز کرده است و همواره نیز بر این بوده است که نشریه‌ای برای مردم ایران و در درجه نخست کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان، دانشجویان و روشنفکران و هنرمندان ایرانی باشد. این همواره سرمشق، هدف و آرزوی همه آنانی بوده است که در «کار» قلم زده‌اند، آن را آراسته‌اند و به دست مردم رسانده‌اند. اما سال‌های طولانی مهاجرت و تلاش استبداد برای قطع پیوندهای «کار» با ایران، تأثیرات ناگوار خود را داشته است.

در دوم خرداد و از دوم خرداد، در ایران غریبی برخاست و امیدی شکفت که تا دورترین نقاط دنیا، تا هر آن جایی که قلبی برای تپیدن در راه ایران هست موج‌وار به پیش رفت. در این غریبی امید و شادی، «کار» گمشده‌ای را بازیافت و جسارت و استواری تازه‌ای در آن چه که می‌خواست و می‌جست، یافت. ایران بیدار شده بود و ایران بیدار شده است و به سخنان تازه و به سیاست‌های تازه نیاز دارد. و این بیداری، این جوش و خروش، این تصمیم سرانگیز کارگران و زنان و جوانان و دانشجویان به دخالت فعالانه در زندگی سیاسی و اجتماعی، وظیفه تازه «کار» را نیز روشن کرده است: پیوند بیشتر با مردم ایران، با مبارزات مردم ایران و با جنبش دموکراسی در کشور که به تدریج نضج می‌گیرد.

طی چند ماهه اخیر، مواضع شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و نوشته‌های «کار» و به ویژه کنگره اخیر فداییان همه در این جهت بوده است که همه فداییان خلق را متوجه این واقعیت سازند که پیوند مستقیم، فعال و تأثیرگذار بر مبارزات مردم در داخل کشور، به عمده‌ترین وظیفه ما تبدیل شده است. کنگره پنجم سازمان این سمت‌گیری را مورد تأکید چند جانبه قرار داد و از جمله در ترسیم راستاهای فعالیت آتی فداییان خلق بر ضرورت پیوند با جنبش دموکراسی در کشور صحنه نهاد. «کار» قصد دارد به طور پیگیر و جدی در این جهت گام بردارد.

هدف ما برای سال تازه‌ای که در پیش داریم چنین است: رساندن بیشتر و باز هم بیشتر نشریه «کار»، مواضع و مقالات آن به دست و به گوش مردم ایران.

ما نیک می‌دانیم برای اجرای این وظیفه بزرگ، تصمیم یک ارگان و تلاش گروهی محدود اثربخشی لازم را ندارد و به همتی بیشتر، بزرگ‌تر و گسترده‌تر نیاز است. سمت‌گیری تازه «کار» به همان میزان که مورد پشتیبانی و حمایت خوانندگان آن قرار گیرد، می‌تواند موفق باشد و ابعاد وسیع و رضای‌کننده‌ای به خود بگیرد.

ما، امسال، در آغاز سالی نو از حیات خویش، خوانندگان خود و همه دوست‌داران «کار» و فداییان را فرا می‌خوانیم که ما را در پیشبرد این وظیفه یاری دهند که اگر این یاری نباشد، این سمت‌گیری بی‌نتیجه خواهد ماند. یاران و دوستان! برای رساندن پیام «کار» به ایران، برای این که «کار» خوانندگان و مخاطبان بیشتری در ایران یابد، همت کنید. هر خواننده «کار» می‌تواند از راه و روشی که خود می‌شناسد بر خوانندگان نشریه «کار» در درجه اول در ایران، بیفزاید.

آن‌ها که نمی‌آموزند!

ادامه از صفحه ۱
این تصمیم را درست باید به همین گونه فهمید و نتایج لازم را از آن گرفت. خامنه‌ای و دیگرانی که مشوق و حامی شورای نگهبان و مدافع «نظارت استصوابی» آن هستند، یعنی همه جناح ارتجاعی که دور «رهبر» گرد آمده‌اند، نمی‌خواهند در سیاست‌های خود تغییری بدهند و پیام مردم، رأی مردم و حکم مردم را بپذیرند و وقتی چنین است کدام راه باقی می‌ماند جز این که مبارزه کرد تا دست این جناح را از قدرت کوتاه نمود؟

هر تصمیم و هر عمل افراد و شخصیت‌ها و ارگان‌های وابسته به این جناح، از جمله شورای نگهبان و از جمله شخص خامنه‌ای بیانگر این حقیقت است که این طیف گوش و چشم بر رأی و سخن مردم بسته است، عزم تغییر خود و سیاست‌های خود را ندارد و در کمین نشسته که پیشرفت‌ها و موفقیت‌های مردم را از میان بردارد و بار دیگر تسمه از گردها بکشد. آنان خود هیچ راه دیگری در برابر مردم و در برابر جنبش دموکراسی در ایران باقی نمی‌گذارند جز آن که نیروی خود را معطوف به آن کنند که این خار را از پیش پای بردارد.

(۲)

هواداران شورای نگهبان با طرف‌داران رئیس جمهور همان را کرده‌اند که طرف‌داران رئیس جمهور با هواداران نهضت آزادی کرده بودند. پیش از این که هیات نظارت صلاحیت‌کاندیداهای طرف‌دار آقای خاتمی را رد کند، وزرات کشور که در دست طرف‌داران خاتمی است، صلاحیت نمایندگان نهضت آزادی ایران را رد کرده و وزیر کشور اعلام نموده بود که این گروه غیر قانونی باقی خواهد ماند؛ تشابه این دو تصمیم، بیانگر واقعیتی است که ما سال‌هاست بر آن پای می‌فشاریم. نه آزادی و نه استبداد، هیچ کدام مرزی را نمی‌شناسند. آنان که امروز مرزی برای آزادی در نظر می‌گیرند، فردا خود از سوی گروه دیگر به آن سوی این مرز رانده می‌شوند. و آنان که خود دیگران را حذف کرده‌اند، امروز چگونه می‌خواهند به حذف خود اعتراض کنند و با چه رویی می‌خواهند فریاد دادخواهی نزد مردم برند؟ آزادی را نمی‌شود تقسیم کرد و آن را به هواداران حکومت محدود ساخت، این را هواداران خاتمی باید سرانجام روزی بپذیرند. اما آیا آنان این را خواهند پذیرفت؟

اعضای کمیسیون ارشاد مجلس نگرانند

به نوشته رسالت، وزیر ارشاد در پاسخ به انتقادات نمایندگان پیرامون صدور مجوز برای انتشار کتاب‌های انحرافی و همچنین نشریات مبتذل بدون محتوا اظهار داشت: بنده ضمن این که به میزبانی و نظارت کاملاً اعتقاد دارم، اما از سوی دیگر هم در مورد میزان میزبانی و حدود آن با برخی از کتاب‌هایی که باعث خدشه دار شدن ارزش‌های اسلامی و اعتقادی می‌شوند و هم چنین دعوت از عناصر معلوم‌الحال در محافل رسمی هشدار داد. اعضای کمیسیون مصاحبه با «افراد مسأله دار» را در روزنامه‌ها مورد پرسش قرار دادند و به عنوان نمونه، گفتگو با فردین، تابش و دلکش را در جهت خدشه‌دار شدن ارزش‌های اسلامی ذکر کردند. به نوشته روزنامه رسالت وزیر ارشاد به علت دعوت سیمین بهبهانی در یک مراسم رسمی مورد انتقاد و پرسش قرار گرفت و پذیرفت که «در دعوت از فرد مذکور اشتباهی صورت گرفت و به همین خاطر فرد خاطی در این زمینه، از سمت خود عزل شد».

علیرغم اعلام برائت...

ادامه از صفحه ۱
رای ذکر کرده است. به دنبال مخدوش نامیدن رای هیئت منصفه از سوی رئیس شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران، روز ششم اسفند ماه در تهران اعلام شد که مدیر مسئول ماهنامه «ایران فردا» مجدداً محاکمه خواهد شد.

هاشمی رفسنجانی در ریاض

● آگاهان یکی از اهداف سفر رفسنجانی به عربستان را میانجی‌گری این کشور برای بهبود مناسبات جمهوری اسلامی و آمریکا می‌دانند

مناسبات حسنه بین دو کشور برای بهبود مناسبات دو منطقه تأکید کردند. در اهدافی که به طور رسمی برای این سفر برشمرده شد، در مورد یک نکته سکوت شد و آن میانجی‌گری عربستان در مناسبات میان جمهوری اسلامی و آمریکا است. نقش‌هایی که عربستان می‌تواند در این زمینه بر عهده بگیرد، یکی از موارد با اهمیت مذاکرات رفسنجانی در ریاض قلمداد شده است. برخی روزنامه‌های تهران مذاکرات در این زمینه را تأیید کرده‌اند. روزنامه «گزارش» در شماره ششم اسفند خود نوشت: یکی از اهداف مسافرت رفسنجانی به ریاض امکان دادن به تلاش‌های میانجی‌گرانه عربستان برای بهبود روابط ایران و آمریکا بوده است. مقامات رژیم در برابر این اظهارات سکوت کرده‌اند.

ترکیب کسانی که رفسنجانی را در این سفر همراهی کردند و از جمله حضور ولایتی که از مخالفین آشکار خاتمی و مورد حمایت علنی خامنه‌ای است در میان همراهان رفسنجانی، در محافل طرف‌دار خاتمی با واکنش‌های منفی روبرو شده است.

علیرغم همه فشارهایی که به مطبوعات وارد می‌شود، اعضای کمیسیون ارشاد مجلس هنوز نگران هستند و این نگرانی را در ملاقات با مهاجرانی وزیر ارشاد، اعلام کردند. در این جلسه، نماینده زاهدان نسبت به عدم رعایت ضوابط در صدور مجوز نشریات مبتذل، «اجازه انتشار کتاب‌هایی که باعث خدشه دار شدن ارزش‌های اسلامی و اعتقادی می‌شوند و هم چنین دعوت از عناصر معلوم‌الحال در محافل رسمی هشدار داد. اعضای کمیسیون مصاحبه با «افراد مسأله دار» را در روزنامه‌ها مورد پرسش قرار دادند و به عنوان نمونه، گفتگو با فردین، تابش و دلکش را در جهت خدشه‌دار شدن ارزش‌های اسلامی ذکر کردند. به نوشته روزنامه رسالت وزیر ارشاد به علت دعوت سیمین بهبهانی در یک مراسم رسمی مورد انتقاد و پرسش قرار گرفت و پذیرفت که «در دعوت از فرد مذکور اشتباهی صورت گرفت و به همین خاطر فرد خاطی در این زمینه، از سمت خود عزل شد».

هاشمی رفسنجانی در ریاض

● آگاهان یکی از اهداف سفر رفسنجانی به عربستان را میانجی‌گری این کشور برای بهبود مناسبات جمهوری اسلامی و آمریکا می‌دانند

هاشمی رفسنجانی، ریاست مجمع تشخیص مصلحت رژیم اسلامی، روز دوم اسفند در راس یک هیات پرشمار به ریاض پایتخت عربستان سعودی سفر کرد و در این مسافرت که ده روز به طول انجامید، دیدارهای مفصل و متعددی را با مقامات درجه اول عربستان از جمله ملک فهد پادشاه این کشور، ولیعهد و رئیس مجلس عربستان صورت داد.

فکور به هیات منصفه مطبوعات فرستاده شده و به مدیر مسئول آن نیز توصیه شده است که فعلاً از انتشار نشریه خود خوداری کند. پیش از مصاحبه معاون وزارت ارشاد و همزمان با بالاگرفتن تهدیدات حزب‌الله و روزنامه‌های وابسته به آن، رضا غنی لو، صاحب امتیاز و مدیر مسئول هفته‌نامه مذکور که گفته می‌شود از پرسنل نیروهای نظامی است، با انتشار اطلاعیه‌ای از حزب الله پوزش خواست. وی نوشت که خود او در شماره ۳۷ در «غیبت موجه» بوده است و بر اثر اشتباه در دستور کار، تصویر عکس‌های همسر و زنان شاکلی از رئیس جمهور آمریکا که قرار بود در ابعاد کوچک کار گردد، بر اثر یک غفلت در ابعاد اصلی به چاپ رسید!

مدیر مسئول هفته‌نامه «راه‌نو» در دادگاه غیر علنی محاکمه شد

اکبر گنجی در اعتراض به غیر علنی بودن دادگاه، حاضر به دفاع از خود نشد

دادگاه اکبر گنجی، مدیر مسئول هفته‌نامه «راه‌نو» و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کیان»، در روز چهارشنبه ۲۸ بهمن ماه به صورت غیر علنی آغاز شد. به نوشته روزنامه سلام، به دلیل غیر علنی بودن دادگاه، جزئیات جریان محاکمه، اتهامات گنجی، متن دفاعیات وی و تصمیمات دادگاه فاش نشده است.

اکبر گنجی در پانزدهم آذر ماه گذشته دستگیر شد. مقامات قضایی جمهوری اسلامی دلیل بازداشت وی را اعلام نکردند، اما منابع غیر رسمی اتهام او را توهین به «مقام رهبری» می‌دانند. بازداشت او ظاهراً به دلیل یک سخنرانی در دانشگاه شیراز در ۳۰ اردیبهشت ماه گذشته و بعد از شش ماه و نیم از تاریخ این سخنرانی صورت گرفته است. سخنرانی وی زیر عنوان «شریعتی و فاشیسم» انجام شده بود. اکبر گنجی، در نامه‌ای که اواخر بهمن ماه و پیش از برگزاری دادگاه خود به رئیس‌ادسرای انتظامی قضات نوشت، تصریح کرد که او را به جرم «اخاذت به حضرت امام و مقام معظم رهبری» دستگیر کرده‌اند. وی این اتهامات را رد کرد و نوشت تنها جرم او محکوم کردن قانون شکنی انصار حزب‌الله است.

همسر اکبر گنجی، پیش از

به دنبال چاپ چند عکس زن بی حجاب هفته‌نامه «فکور» مجبور به عذرخواهی از حزب الله شد

یک شماره از هفته‌نامه «فکور» به دلیل چاپ عکس زنان بی حجاب آمریکایی جمع‌آوری شد و مدیر مسئول آن مجبور شد با انتشار اطلاعیه‌ای از «امت حزب الله» پوزش بخواند.

نشریه «فکور» در روی جلد شماره ۳۷ خود عکس همسر کلینتون و زنانی که گفته می‌شود معشوقه او بوده‌اند را به چاپ رساند و چاپ این زنان بی حجاب، مضمب حزب الله را برانگیخت. مدیر کل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد در این مورد گفت:

با وجود تمام تلاش‌های صورت گرفته برای جمع‌آوری تمام نسخه‌های منتشر شده از آخرین نشریه «فکور»، موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است. این مقام افزود پرونده هفته‌نامه

نشریه «فکور» در روی جلد شماره ۳۷ خود عکس همسر کلینتون و زنانی که گفته می‌شود معشوقه او بوده‌اند را به چاپ رساند و چاپ این زنان بی حجاب، مضمب حزب الله را برانگیخت. مدیر کل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد در این مورد گفت: با وجود تمام تلاش‌های صورت گرفته برای جمع‌آوری تمام نسخه‌های منتشر شده از آخرین نشریه «فکور»، موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است. این مقام افزود پرونده هفته‌نامه

نظرسنجی درباره پیام خاتمی به مردم آمریکا

یک هفته پس از مصاحبه‌ی خاتمی با سی.ان.ان. گروه پژوهشی آینده دست به یک نظرسنجی زد. به گزارش روابط عمومی ریاست جمهوری محور سئوالات در این نظرسنجی دو زمینه‌ی «صراحت و تازگی، ضرورت و تاثیر ارسال پیام و نمره‌نی که مردم به این مصاحبه می‌دهند» و همچنین «تعریف از تمدن و مسردم آمریکا و لزوم برقراری یا عدم برقراری رابطه با آمریکا» بوده است.

در این نظرسنجی که با حضور ۱۸۹۴ نفر از ساکنان ۱۵ سال به بالای مناطق ۲۰گانه‌ی تهران به صورت خوددستی چند مرحله‌نی صورت گرفته، ۶۷ درصد پیام آقای خاتمی را در حد «زیاد» و «خیلی زیاد» صریح و روشن تشخیص داده‌اند، ۲۴ درصد این پیام را در حد «کم» و «خیلی کم» صریح و روشن تشخیص داده و یا آنرا اصلاً روشن ندانسته‌اند.

۸۰ درصد ارسال پیام رئیس جمهوری را قدرت ایران می‌دانند و ۳ درصد نظر مخالف دارند. در ارزیابی‌های کلی این نظرسنجی پژوهشی، ۷۴ درصد ارسال پیام توسط آقای خاتمی را در حد «زیاد» و

«خیلی زیاد» ضروری می‌دانند و ۸ درصد ارسال این پیام را در حد «کم» و «خیلی کم» ضروری می‌دانند و یا اصلاً ارسال آنرا ضروری نمی‌دانند. ۱۸ درصد از پاسخ‌گویان نیز معتقدند که ارسال این پیام فقط تا «حدی ضروری» بوده است.

۵۵ درصد در این نظرسنجی طرز صحبت آقای خاتمی و جواب‌های ایشان را «محترمانه» و ۲۹ درصد «محترمانه و مقتدرانه» دانسته‌اند. در حالی که ۲ درصد نیز طرز صحبت خاتمی و جواب‌های او را «عذرخواهانه» تعبیر کرده‌اند.

همچنین ۸۰ درصد ستایش آقای خاتمی از تمدن و مردم آمریکا را «خوب» و «خیلی خوب» تعبیر کرده‌اند، ۵ درصد «بد» و «خیلی بد» ۱۵ درصد آنرا «نهد» و «نه خوب» دانسته‌اند. در مورد لزوم همه‌پرسی برای برقراری مجدد رابطه با آمریکا ۵۱ درصد از پاسخ‌گویان رفراندوم را لازم دانسته‌اند. ۲۱ درصد نیز لزومی برای رفراندوم در این زمینه تشخیص ندهاده‌اند. ۲۱ درصد از پرسش‌شوندگان ترجیح داده‌اند در این مورد نظری ابراز نکنند.

افزایش قیمت مسکن در سطح کشور

براساس گزارش دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن وزارت مسکن و شهرسازی، بالاترین نرخ رشد قیمت مسکن در ایران به ترتیب مربوط به شهرهای زاهدان با ۳۴/۸ درصد، رشت ۲۲/۹ درصد و قزوین ۲۶/۸ درصد بود. در شش ماهه اول سال متوسط قیمت فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی در تهران ۱۵۷ هزار تومان بود که به رغم ۴ درصد کاهش هنوز بالاترین میزان در بین شهرهای کشور است. بعد از تهران شهرهای کرج، قزوین، شیراز، اصفهان و رشت با میانگین قیمت‌هایی بین ۸۲ هزار تومان تا ۶۸ هزار تومان برای هر متر مربع مسکن قرار دارند و سپس شهرهای تبریز و مشهد با متوسط قیمت‌هایی بین ۶۵ هزار تومان تا ۶۰ هزار تومان در رتبه بعدی قرار دارند. پایین‌ترین متوسط قیمت هر متر مربع زیربنای واحدهای مسکونی با ۳۳ هزار

تومان مربوط به شهر کرمان است. اختلاف بین حداکثر و حداقل قیمت هر متر مربع مسکن، به ترتیب از شهر تهران با ۴۶۳ هزار تومان و تا شهر مشهد با ۹ هزار تومان می‌باشد. تفاوت قیمت بین یک مترمربع مسکن آپارتمانی و ویلایی نشان می‌دهد که در شهر تهران متوسط قیمت معاملاتی یک متر مربع مسکن آپارتمانی در نیمه اول سال ۱۶۴ هزار تومان و برای مسکن ویلایی ۹۵ هزار تومان بوده است.

این قیمت‌ها در شیراز برای متوسط یک مترمربع مسکن آپارتمانی ۹۷ هزار تومان، در کرج ۸۹ هزار تومان و در اصفهان ۸۵ هزار تومان بوده است. بالاترین متوسط قیمت هر متر مربع مسکن در منطقه یک معادل ۲۲۷ هزار و ۷۰۰ تومان و پایین‌ترین آن در منطقه ۲۰ معادل ۹۴ هزار تومان بوده است.

دو پیروزی برای فوتبال ایران

«پیروزی» در نیمه نهایی قهرمانی باشگاه‌های آسیا

تیم فوتبال پیروزی تهران که به عنوان نماینده ایران در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا حضور دارد، در مسابقات زیر گروه شرق آسیا به مقام اول رسید. این مسابقات در بیروت پایتخت لبنان برگزار شد و چهار تیم پیروزی ایران، الهلال عربستان، الانصار لبنان و نوپهار تاجیکستان که در مراحل اول و دوم هر حریفان خود پیروز شده بودند، در آن شرکت داشتند.

تیم فوتبال پیروزی در نخستین مسابقه، حریف اصلی خود، الهلال عربستان را با تک گل مهدی مهدوی‌کیا مهاجم ملی پوش خود یک بر صفر شکست داد. در مسابقه دوم، پیروزی در برابر تیم الانصار میزبان مسابقات و قهرمان لبنان قرار گرفت که این تیم را نیز با نتیجه یک بر صفر شکست داد. تنها گل این مسابقه را نیز مهدوی‌کیا از نقطه پنالتی در دقیقه ۴۰ نیمه اول به ثمر رساند. پیروزی در سومین و آخرین بازی در برابر نوپهار تاجیکستان یک بر یک مساوی کرد. گل نخست بازی را علیرضامی‌فر در دقیقه ۷۲ برای پیروزی به ثمر رساند و چند دقیقه بعد تاجیک‌ها به گل تساوی دست یافتند.

پیروزی با کسب عنوان نخست زیر گروه غرب آسیا در فرودین ماه آینده در نیمه نهایی با تیم دالیان چین که در زیر گروه شرق آسیا به مقام دوم رسیده

تیم فوتبال پیروزی تهران که به عنوان نماینده ایران در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا حضور دارد، در مسابقات زیر گروه شرق آسیا به مقام اول رسید. این مسابقات در بیروت پایتخت لبنان برگزار شد و چهار تیم پیروزی ایران، الهلال عربستان، الانصار لبنان و نوپهار تاجیکستان که در مراحل اول و دوم هر حریفان خود پیروز شده بودند، در آن شرکت داشتند.

تیم فوتبال پیروزی در نخستین مسابقه، حریف اصلی خود، الهلال عربستان را با تک گل مهدی مهدوی‌کیا مهاجم ملی پوش خود یک بر صفر شکست داد. در مسابقه دوم، پیروزی در برابر تیم الانصار میزبان مسابقات و قهرمان لبنان قرار گرفت که این تیم را نیز با نتیجه یک بر صفر شکست داد. تنها گل این مسابقه را نیز مهدوی‌کیا از نقطه پنالتی در دقیقه ۴۰ نیمه اول به ثمر رساند. پیروزی در سومین و آخرین بازی در برابر نوپهار تاجیکستان یک بر یک مساوی کرد. گل نخست بازی را علیرضامی‌فر در دقیقه ۷۲ برای پیروزی به ثمر رساند و چند دقیقه بعد تاجیک‌ها به گل تساوی دست یافتند.

پیروزی با کسب عنوان نخست زیر گروه غرب آسیا در فرودین ماه آینده در نیمه نهایی با تیم دالیان چین که در زیر گروه شرق آسیا به مقام دوم رسیده

تلاش‌های «جبهه سبز ایران»

شده‌اند در این امر مهم آنان را یاری کنند. در اطلاعیه‌ی جبهه‌ی سبز آمده است: بدون شک باز یافت کاغذ می‌تواند از قطع درختان جلوگیری کند، میزان زباله در تهران روزانه بیش از شش هزار و ۲۰۰ تن است که ۱۰ درصد از آن زائدات کاغذی هستند، یعنی روزانه در تهران ۶۲۰ تن کاغذ دور ریخته می‌شود. باز یافت یک هزار تن کاغذ یک هزار و ۳۰۰ اصله درخت ۳۰ ساله را نجات می‌دهد.

سازمان جبهه‌ی سبز ایران که خود را یک گروه غیردولتی معرفی می‌کند، در آستانه‌ی هفته‌ی منابع طبیعی، جشن درختکاری، هفته‌ی نیکوکاری و عید نوروز و هم‌زمان با خانه‌تکانی، هشتم اسفند ماه را به‌عنوان روز جمع‌آوری عمومی کاغذ باطله تعیین کرد. این سازمان از مردم و مسئولان مؤسسات دولتی و غیردولتی دعوت کرد که با تحویل کاغذ باطله‌ها، مقوا و دورریختنی‌های کاغذی خود به شرکت‌هایی که به همین منظور تاسیس

در نشریات داخل کشور

مهندس نبوی: در فاصله‌ی سه ماه بین دوم خرداد تا روزی که وزیر کشور از مجلس رأی اعتماد گرفت تعداد تغییرات به مراتب بیشتر از تغییراتی است که پس از ۲۹ مرداد صورت گرفته است. فتح کرمان ۲۰ دی ۷۶

نقل می‌کنند که پس از دوم خرداد و مشخص شدن نتیجه‌ی آراء آقای علی‌اکبر ولایتی حالات مختلفی داشته است با نوسانات شدید. مثلاً یک دیدار با جناب آقای خاتمی می‌کرده و پیش خود از این دیدار چنین برداشت می‌کرده است که هم‌چنان وزیر خارجه خواهد بود. هنگامی که به وزارت خارجه برمی‌گشته است با وجد و سرور به همه اطلاع می‌دهد که ما هستیم و اگر کسی از معاونان در محل کار خود نبوده است تلفتی به وی اعلام می‌کرده است که ما هستیم و سپس پس از چند روز یا دو سه هفته خبر می‌رسیده است که آقای رئیس جمهور با افراد دیگری در حال گفت و گو هستند برای قبول پست وزارت خارجه و پس از شنیدن این خبر می‌گویند افسردگی آقای ولایتی هر بیننده‌ی را متأثر می‌کرده است. سلام ۵ بهمن ۷۶

دکتر یوسف نژاد نماینده‌ی ساری که اولین خبر درباره‌ی تشکیل گروه نمایندگان مستقل را اعلام کرده بود اکنون اعتقاد دارد که مستقل‌ها دیگر مستقل نیستند، چون طه هاشمی-داودی و امیدوار رضائی سرنمایندگی متمایل به جناح راست از افراد کلیدی این گروه شده‌اند. وی اضافه کرد: به همین دلیل مدت‌هاست که دیگر نه تشکیل جلسه می‌دهیم نه فعالیت داریم. ارزشها ۲۹ دی ۷۶

می‌توانید برای ما توضیح بدهید سیاست سکوت صدا و سیما ۲۴ ساعت بعد از پخش مصاحبه‌ی آقای خاتمی با شبکه‌ی C.N.N چه معنی دارد؟ سلام: می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد و شاید هم متضاد: مثلاً یک معنایش این که ما خوشام نیامد! معنای دیگری این که فرض کنیم رئیس جمهور ایران یک مصاحبه‌نی انجام داده یا بیامی داده است. به دیگران چه ارتباطی دارد که درباره‌ی اهمیت آن بحث می‌کنند یا هنر رئیس جمهور را می‌ستایند؟ یا آثار و پیامدهای عزت‌بخش آن را تحلیل می‌کنند؟ احتمالاً خود این تحلیل‌ها و تجلیل‌ها و ستایش‌ها یک توطئه‌ی استکباری علیه جمهوری اسلامی است. بنابراین ما باید سکوت کنیم! معنای سومش این که اگر ما هم شروع کنیم به تجلیل و تعریف و تمجید اولاً با بوق‌های استکباری هم‌صدا شده‌ایم و این به صلاح نیست. ثانیاً تا به حال کجا دیده یا شنیده‌اید که رادیو و تلویزیون به تعریف و تمجید و تجلیل و به‌به و چه‌چه از کسی یا چیزی بپردازد که این دومی‌اش باشد؟! معنای چهارم این که از قدیم گفته‌اند سکوت علامت رضا است و ما یعنی صدا و سیما اراده کردیم که مراتب رضامندی خود را با سکوت اعلام کنیم! اگر خوانندگان محترم معنای دیگری برای این سکوت یافتند اعلام کنند تا بهره‌مند شویم. سلام ۲۷ دی ۷۶

چرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هفته‌نامه‌هایی چون شلمچه و غیره برخورد نمی‌کند؟ سلام ۲ بهمن ۷۶

می‌خواستم بدانم، اگر مردم بخواهند از علت دستگیری آقای ابراهیم یزدی اطلاع پیدا کنند باید به چه روزنامه‌نی مراجعه کنند؟ سلام یا طنز و با اشاره به سخنان یزدی رئیس قوه‌ی قضائیه: «به شما چه ربطی دارد؟! شما چکاره هستید که در کار مردم دخالت می‌کنید؟ اگر مردم می‌خواستند خودشان سوال می‌کردند. تازه به مردم چه ربطی دارد که از علت دستگیری آقای ابراهیم یزدی اطلاع پیدا کنند؟ سلام ۲ بهمن ۷۶

رفتار زشت و دور از ادب آقای سروش در مورد علامه آیت‌الله جعفری، و انعکاس گسترده‌ی منفی آن و دفاع ناشیانه‌ی سروش، موجب شد که اصل مسئله رو شود. نشریه‌ی ارزش‌ها، در شماره‌ی اخیر از قول عضو دفتر علامه جعفری، گفته است سروش با همراهی آقایان شمس‌الواعظین و اکبر گنجی (نویسنده‌ی مقاله‌ی فاشیسم که فعلاً در زندان است) سراغ آقای جعفری رفته‌اند و قصد داشته‌اند از وجود ایشان در جهت مقاصد سیاسی خود سوءاستفاده نمایند که فعلاً منجر به چنین رسوائی برای ایشان شده است. شما (نشریه‌ی جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی) ۶ بهمن ۷۶

در این برهه‌ی حساس و خطیر که عدده‌ی از جان گذشته و آزاداندیش هم‌چون جناب آقای طبرزدی مسئله‌ی ... را زیر سوال برده‌اند؛ فرصت طلبان به‌ظاهر حامی آقای خاتمی که قدرت از دستشان خارج گردیده، هم‌چون انگل خود را به ولایت چسبانده‌اند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را می‌گویم که در روزنامه‌ی سراسر مزخرف عصر ما در مقاله‌ی دوقطبی کاذب (شماره‌ی ۸۲) به شکل وقیحانه‌نی می‌نویسد: (بدون وجود نهاد ولایت فقیه، دموکراسی مطلوب جامعه‌ی اسلامی ما محقق نخواهد شد).

خبرهای کوتاه

آزادی یک بمب‌گذار در تایلند

حسین دستگیری، از مأمورین تخریب جمهوری اسلامی که چهار سال پیش به اتهام شرکت در بمب‌گذاری از سوی دولت تایلند دستگیر و زندانی شده بود، سرانجام با تلاش‌های کمال خرازی وزیر خارجه‌ی رژیم از زندان تایلند آزاد شد و به ایران بازگشت. دستگیری هنگام ورود به تهران در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت که تنها حامی او در این مدت دولت ایران بوده است و هیچ سازمان و نهاد بین‌المللی او را یاری نکرده است او از دولت ایران به‌خصوص خرازی که برای آزادی او از زندان تلاش کرده بود تشکر کرد.

ترور دو ایرانی دیگر در شهر کراچی

طی یک حمله توسط افراد مسلح در روز شنبه‌ی هفته‌ی گذشته بار دیگر در شهر کراچی دو ایرانی به نام‌های علی محمد حسینی زاده و مرتضی ادیب به ضرب گلوله به قتل رسیدند. محسن امین‌زاده معاون وزارت خارجه با یادآوری حوادث مشابه برای ایرانیان مقیم (وابستگان رژیم) در پاکستان طی چند ماه گذشته، به دولت پاکستان در مورد این حوادث اعتراض کرد و خواستار توضیح جدی دولت پاکستان در این زمینه شد.

بررسی‌هایی درباره ده روزنامه در تهران

در پنجمین گردهمایی ارانیه یافته‌های پژوهش فرهنگی که در آن جمعی از مسئولان وزارت ارشاد و اساتید دانشگاه نیز حضور داشتند، دکتر پدیدی نتایج بررسی‌های خود درباره‌ی محتوای ده روزنامه‌ی چاپ تهران را تشریح کرد و گفت: این پژوهش نشان داد ساختار همه‌ی مطالب روزنامه‌های تهران بر مطالب اقتصادی، تجاری، بازرگانی، نظامی، جنگ و خشونت‌های سیاسی، هنر، فرهنگ، سرگرمی و ورزش متمرکز است و به موضوعاتی مانند امور آموزشی، حقوق بشر، علوم بهداشت و پزشکی، امور توسعه، امور قضائی و جرم‌هاکم‌تر می‌پردازند.

اتلاف یک میلیارد ساعت وقت در راهبندان

طبق آمار ارائه شده در سومین کنفرانس مهندسی ترافیک سالانه بیش از یک میلیارد ساعت وقت مردم تهران در راهبندان تلف می‌شود. ترافیک در تهران علاوه بر از دست رفتن میلیون‌ها روز کاری باعث مسومیت سرب‌ها ده‌ها هزار کودک و حملات قلبی در بزرگ‌سالان نیز می‌شود. دکتر کمال شعار رئیس هیئت مرکزی این کنفرانس گفت با توجه به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های زیست‌محیطی تغییر سیستم حمل و نقل در تهران ضروری است.

اعتراض به ویلیام کوهن

گروهی از ایرانیان مقیم آمریکا با نوشتن نامه‌نی به ویلیام کوهن وزیر دفاع ایالات متحده اعتراض خود را نسبت به اطلاق نام خلیج «عربی» به خلیج فارس از جانب وی به هنگام دفاع او از مواضع آمریکا در قبال عراق ابراز داشتند. ایرانیان در نامه‌ی خود از ویلیام کوهن و کلیه‌ی دولت‌مردان آمریکایی خواست‌اند که این خلیج را که از دیرباز به نام خلیج فارس شناخته می‌شده است و در نوشته‌های هرودت در ۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح نیز به همین نام از آن یاد و در سازمان ملل متحد نیز به همین نام ثبت شده است، به اشتباه (!؟) تغییر ندهند و در سخنان و ارتباطات رسمی خود این منطقه از جهان را به همان نام ثبت شده در تاریخ و جامعه‌ی جهانی خلیج فارس بنامند.

راهنمای ایمنی تردد برون و درون شهری

دفترچه‌ی راهنمای ایمنی تردد از سوی شرکت عرف ایران وابسته به شهرداری تهران منتشر شده است، که عملیات اجرایی و شیوه‌ی تردد در محدوده‌ی عملیات را به شهروندان و رانندگان معرفی کند. این دفترچه موارد لازم برای حفظ ایمنی ترافیک و کارگران هنگام اجرای طرح‌های ترافیکی در جاده‌ها و خیابان‌ها و محورهای برون‌شهری و درون‌شهری را بیان می‌کند و دستوراتی پیرامون تجهیزات کنترل ترافیک، نصب تابلوها، تجهیزات روشنایی، پایان محدوده‌ی تعصیرات و تردد آخرین علائم اختصاری منطبق با استانداردهای جهانی را مشخص و فرمول‌های محاسبه‌ی محدوده‌ی عملیاتی و میزان مجاز سرعت را نیز تعیین کرده است.

واگذاری میهمان‌سراها به بخش خصوصی

محمد معزالدین معاون ایران‌گردی و جهان‌گردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: مدیریت یک‌صد میهمان‌سرای وابسته به این وزارت‌خانه به بخش خصوصی واگذار می‌شود و هدف از واگذاری مدیریت این میهمان‌سراها را افزایش بهره‌وری و کاهش بار مالی دولت عنوان کرد. این سازمان به‌تازگی با معاونت سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادغام شده است.

تسلیت

فرزین عزیز! درگذشت پدرتان را تسلیت گفته و خود را شریک غم شما می‌دانیم.

تشکیلات نروژ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا فرزانه، پرویز و یدالله عزیز! ما را نیز در اندوه خود شریک بدانید و تسلیت صمیمانه ما را بپذیرید.

کارکنان «کار»

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۸ مارس (روز جهانی زن)

در راه برابر حقوقی کامل زن و مرد

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، روز جهانی زن را به زنان ایران و به همه آزادی‌خواهان و مبارزین برابر حقوقی زن و مرد شادباش می‌گوید. ۸ مارس روز بزرگداشت مبارزه مشترک زنان و روز اعلام انزجار نسبت به ستم جانکاهی است که بر زنان روا می‌شود. ۸ مارس روز اعتراض جهانی به فرهنگ و مناسبات و نظام‌های مردسالار و مظهر باور بشریت مترقی به برابر حقوقی زن و مرد و به مثابه پایه و رکن دموکراسی است.

۸ مارس نشان اعلام عزم و اراده در پیمودن راهی است طولانی برای آزادی واقعی جوامع انسانی. ۸ مارس هشدار است به جوامع مردسالار نسبت به آنچه که بر نیمی از پیکر جامعه می‌رود.

در کشور ما نیز «محک سنجش آزادی همگانی، میزان آزادی زن است». اما حاکمیت یک نظام دین‌سالار و استبدادی بر کشور، ستم و شرایط به مراتب دهشتناک‌تری را بر این نیمه پیکر جامعه ما اعمال کرده و برای آن فراهم آورده است. و خامت شرایط اقتصادی و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی بر بستری از قوانین و منش‌های زن‌ستیز، نابرابر حقوقی مطلق زن و مرد و سلطه فرهنگ و جامعه مردسالار، زنان و بویژه زنان زحمتکش کشور ما را در خانواده و در جامعه در موقعیت و وضعیتی بسیار دشوار و جان‌فرسا قرار داده است.

در این زمینه بر سه نکته می‌توان تأکید کرد:

- وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان در ایران به معیاری جدی در سنجش وضعیت عمومی کشور تبدیل شده است. تأمین حقوق زنان بیش از پیش با ضرورت ایجاد تحولات دموکراتیک در حیات و ساختار سیاسی کشور گره خورده است.

- حضور و مبارزه مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف، خواست‌های آنان را وسیعاً طرح کرده و جنبش زنان را در جایگاه نیروی جدی ایجادگر تحولات در کشور نشانده است. دیگر هیچ نیرویی نمی‌تواند نه حضور و نه خواست‌های زنان را نادیده بگیرد.

- به دلیل درهم‌آمیزی دین و دولت و حاکمیت قوانین شرعی، تأمین خواست‌های بنیادی و حقوق زنان، بدون ایجاد تغییرات جدی در اندیشه سیاسی حاکم بر کشور، امکان‌پذیر نیست. از این رو مواضع و اقدامات در زمینه تأمین حقوق زنان و برابر حقوقی زن و مرد؛ خود، معیاری برای سنجش جریان‌های سیاسی و حد پایبندی آن‌ها به شعارهایشان است.

در دوم خرداد، در آن «نه» یا شکوه به ولایت فقیه و ولایت فقاقت؛ زنان، نقشی تعیین‌کننده داشتند. بسیاری از آنها با حمایت از خاتمی و شعارهای انتخاباتی وی،

خواست خود را برای ایجاد دگرگونی در راه و روش کهنه سران رژیم اعلام کردند. اکنون ۸ ماه از انتخابات دوم خرداد می‌گذرد، اما دولت جدید نیز گامی جدی و عملی در راه احقاق حقوق زنان و کاهش تبعیض‌های جنسی برنداشته است. زنان ایران همچنان از نداشتن حق برابر با مرد در امر ازدواج و طلاق و سرپرستی و نگهداری فرزندان و ارث و مسافرت و از نداشتن فرصت‌های برابر شغلی، از نبود حق انتخاب آزادانه پوشش و ستم‌ها و تبعیض‌های دیگر رنج می‌برند. چند همسری، آزار و خشونت جنسی در جامعه و در خانواده، جدایی بر اساس سرپرستی در مراکز آموزشی، ورزشی، فرهنگی، ازدواج کودکان خردسال، همچنان در کشور و در پناه قانونی شرع رواج دارد. اقدامات ددمنشانه‌ای چون سنگسار زنان همچنان صورت می‌پذیرد. حتی گام‌هایی نیز خلاف وعده‌ها و برنامه‌های انتخاباتی برداشته می‌شود که از نمونه‌های اخیر آن رد طرح الحاق ایران به «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

اما زنان کشور ما، قهرمانانه تلاش و مبارزه و حضور خود را در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تشدید کرده‌اند. آنان مرزها و حصارها را می‌شکنند، تحمیلات مردسالاران دین‌مدار را برنمی‌تابند، با مردسالاری و سنن ریشه‌دار آن مقابله می‌کنند، شادی و شادمانی را از گزند سوگ‌ستایان ماتم‌پرست در امان می‌دارند و در راه ایجاد دگرگونی‌های دموکراتیک می‌رزمند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در سالگرد ۸ مارس، به همه زنان رزمنده کشور درود می‌فرستد. روز جهانی زن را به آنان شادباش می‌گوید و یاد همه زنانی را که در راه دموکراسی و نیک‌بختی مردم و تأمین حقوق زنان ایران جان باخته‌اند، گرامی می‌دارد.

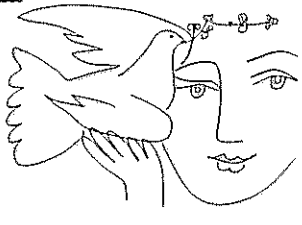
در روز جهانی زن ما بار دیگر بند نخست از برنامه خود «برای تأمین حقوق زنان»، مصوب کنگره پنجم سازمان را مورد تأکید قرار می‌دهیم که:

- «در قوانین ایران باید اصل برابر حقوقی زنان و مردان در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان اصلی تغییرناپذیر گنجانده شود. شرط لازم آن جدایی تمامی قوانین از اصول و احکام مذهبی است. و همه قوانین و مقرراتی که آشکارا و یا در محتوای خود مغایر با این اصل یعنی برابر حقوقی کامل زن و مرد هستند، باید لغو شوند».

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اسفند ۱۳۷۶ - مارس ۱۹۹۸.

مصوب کنگره پنجم سازمان

برای تأمین حقوق زنان



سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، در راستای مبارزه در راه تأمین کامل حقوق زنان کشور موارد زیر را راهنمای عمل خود قرار می‌دهد:

۱- در قوانین ایران باید اصل برابری حقوقی زنان و مردان در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان اصلی تغییرناپذیر گنجانده شود. شرط لازم آن جدایی تمامی قوانین از اصول و احکام مذهبی است. و همه قوانین و مقرراتی که آشکارا و یا در محتوای خود مغایر با این اصل یعنی برابر حقوقی کامل زن و مرد هستند، باید لغو شوند.

۲- در عرصه سیاسی زنان حق دارند بدون هر نوع تبعیض برای احراز مقام‌های عالی حکومتی با مردان رقابت کنند. هرگونه منع قانونی در این زمینه باید لغو شود.

۳- ما خواهان برابری برابر حقوقی کامل زنان و مردان در کسب مشاغل مستقیم اصل مستمرد برابر برای کار برابر در قوانین کار کشور باید تصویب گردد و هرگونه تبعیض در استخدام، از تقاضای استخدام و حقوق کار مانند مرخصی، بازنشستگی، بیمه بیکاری و از کار افتاده‌گی باید منسوخ شود.

۴- حق برابر زنان و مردان در استفاده از کلیه امکانات آموزشی، ورزشی، فرهنگی و هنری باید تضمین گردد. ما مخالف هرگونه جدایی جنسی در این عرصه‌ها هستیم. آموزش دختران و پسران باید تاسیس ۱۶ سالگی اجباری گردد.

۵- انتخاب آزادانه لباس و پوشش از حقوق اولیه انسانی است و قانون باید آن را تضمین کند. ۶- آزادی و برابری کامل حقوق زن و مرد در امر ازدواج و ملاق باید تأمین شود. حق زن برای سرپرستی فرزند باید به رسمیت شناخته شود. قانون باید در هنگام طلاق اصل تقسیم ساری ماحصل مادی زندگی مشترک را تضمین کند.

۷- چند همسری چه در شکل رسمی ازدواج و چه در شکل میفه باید منسوخ شود. سن قانونی ازدواج ۱۸ سال اعلام شود. ۸- ما خواهان آن هستیم که برای زنان کم درآمد امکانات بهداشتی رایگان در زمان بارداری تأمین شود.

۹- قانون باید حق تصمیم‌گیری در باره جلوگیری از بارداری و سقط جنین را برای زنان محفوظ دارد. ۱۰- قانون باید با هرگونه اعمال خشونت علیه زنان از جانب مرد مقابله کند. تجاوز و سوءاستفاده جنسی تحت هر عنوان از جمله ازدواج با دختران خردسال تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. هر قانونی که از جمله قانون تمکین که ایلهه روحی و جسمی زن از طرف شوهر را امکان‌پذیر می‌سازد، باید لغو گردد. برای دفاع از زنانی که قربانی خشونت و تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، باید با تمهیدات قانونی و ایجاد خانه‌های امن از آنان حمایت بعمل آید.

۱۱- ارتقا فرهنگ یکی از راه‌های مبارزه با تبعیض جنسی و در راستای تحقق برابری جنسی است. همه نهادها و اجتماعات که به نحوی در این مبارزه می‌توانند مؤثر واقع شوند باید در ترویج اندیشه برابری زن و مرد بکوشند. ۱۲- ما از جنبش‌های نسبیستی و مستقل زنان که در جهت کسب آزادی و برابری برای زنان تلاش می‌کنند حمایت می‌کنیم. ما گسترش و تحکیم شکل‌های مستقل زنان را به سود تأمین حقوق زنان و گسترش دموکراسی می‌دانیم.

مطبوعات کشور و گسترش این بحث‌ها. در برخی این ایده را وجود آورده است که راه حل ممکن و موفق، استفاده از این متد و حمایت از حاملین آن در شرایط عدم امکان آزادی بیان می‌باشد. درحالی که خواست حاملین این روش در بسیاری از موارد از خواست زنان جامعه ما عقب‌تر است.

زنان نیروی اصلی هر تحول دموکراتیک

شهلا فرید

حضور قوی آن‌ها همواره وجود داشت. حتی از لابلای آن همه بخش‌نامه و آیین‌نامه که در مقابله با حرکات «ضد اسلامی» تهاجم فرهنگی، ضد ارزشی... صادر می‌شد. از انتخابات مجلس پنجم همه فهمیدند که نارضایتی این حضور قوی را نمی‌توان پنهان کرد و در انتخابات ریاست جمهوری نیز همه کاندیدها به دلجویی از زنان پرداختند که کاستی‌های تاکنونی باید جبران شود. خاتمی توانست با زبان مناسب‌تر و ارائه نظرها‌های غیرحوزه‌یی، بیش از همه این شانس را بدست بیاورد که از حمایت زنان که امیدوار تحول بودند، بهره برد.

۸ ماه از انتخابات ریاست جمهوری می‌گذرد. خاتمی معصومه ابتکار را به سمت معاونت خود برگزید. جای شهلا حبیبی به زهرا شجاعی داده شد و دفتر زنان ریاست جمهوری، به دفتر مشارکت‌های مردمی تغییر نام یافت. منیره نوبخت جای مریم خزعلی را گرفت و...

در مجلس قانون اجرت‌المثل زنان رد شد، قانون استفاده بازماندگان کارگران زن از حقوق بازنشستگی توسط شورای نگهبان رد شد، هیچ ارگانی در جهت بازبینی قوانین به شدت نابرابر تشکیل نشد. و این در حالی است که فضای بحث و گفتگو در بین حکومتیان بر سر درک‌های متفاوت از مفاهیم، از بحث محدود کردن اختیارات ولی فقیه تا رابطه با آمریکا، بالا گرفت. اما بحث در مورد تحول در حقوق زنان جایی و راهی پیدا نکرد و به جای همه اینها حملات سازمان‌یافته شروع شد. خامنه‌ای در سخنان خود کسانی را که خواستار تغییر قانون دیه هستند بشدت مسورد حمله قرارداد و به آنها اخطار داد که دیگر حرف‌های غیراسلامی نزنند. بحث‌های حول تعبیرات مختلف از آیات و حدیث‌ها و کشانده شدن آن در

را نپذیرفته، می‌خواهد آن را با زمان منطبق کند، در درستی حدیث‌ها شک می‌کند. برای یافتن تفسیر مورد نظر، کلمات را ریشه‌یابی می‌کند و به بحث‌های تخصصی مذهبی رو می‌آورد. مجله «زنان» در این طیف جای دارد. استفاده از «زبان اسلامی» و برداشت نزدیک از آیه‌ها در شرایط عدم وجود هر نوع امکان دیگر، باعث شده که برخی از روشنفکران غیراسلامی نیز به آن روی آورند. اکنون این شیوه برخورد منحصر به زنان بیرون حکومتی نیست، حمله شدید مذهبیون بنیادگرا به این شیوه از مقطع انتخابات مجلس مطبوعات مطرح کرد.

۳ - زنان جامعه

در تمام این سال‌ها، هنگامی که اختلاف نظر بین «خودی‌ها» به اشکال مختلف ادامه داشت، مقاومتی علیه تحمیلات رژیم جمهوری اسلامی در بین زنان جاری بود. دختران جوان و زنانی که از بافت ایدئولوژیک و تحمیل الگوی ساخته و پرداخته شده «زن مسلمان» گریزان بودند، آنهایی که نه جزء «دولتی»‌ها بودند و نه جزء «غیردولتی»‌ها، جای داشتند، به ورزش در گروه‌های چند نفره در پارک‌ها روی آوردند، مسافرت‌های جمعی را سازمان دادند، به دانشگاه‌ها رفتند، در مدارس درس دادند و درس خواندند، تحقیق کردند و مقاله نوشتند، در همه جا حضور داشتند، چند تار موی خود را بیرون گذاشتند و در کوچه‌ها و پارک‌ها به دفاع از حق انتخاب مخفیانه و آزادانه غیرهم‌جنس خود پرداختند. حتی وقتی سواد نیز نداشتند در دادگاه‌های خانواده قوانین مذهبی ضد زن را لمس کردند و به آن نفرین فرستادند.

تشکل آن‌ها هیچ جا ثبت نشده است چون «تشکل» نداشتند، ولی

ابتکار با زن روز - دی ماه ۷۵. مجله «فرزانه» به سردبیری محبوبه امی بعد از کنفرانس می‌نویسد: «برای نخستین بار بیش از صد تن از زنان ایرانی - اعم از دولتی و غیردولتی - در قالب یک گروه متشکل و زنانه از ایران خارج شدند و پس از گذشت نزدیک به یک ماه به ایران بازگشتند، بدون آنکه خلاف تصور بعضی‌ها، حتی یک سر سوزن از مویشان کم شود.» سازمان‌دهی که به پنهان کنفرانس پکن شده بود، بعد از آن نیز ارتباطات و هماهنگی‌های خود را حفظ کرد و خواستار استفاده از امکانات بیشتر شد. تشکل‌های «دولتی» و «غیردولتی» که عمدتاً دختران و همسران سران رژیم در رأس آن بودند، در عین حال که خود نیز از واضعین و عاملین قوانین ضد زنی مانند سنگسار، حجاب اجباری، حقوق نابرابر قضایی... بودند، دم از حقوق زن زدند، آنها سوارشدن بر موج اعتراضات وسیع زنان اعتراضاتی که هیچ‌گاه از بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی قطع نشده بود فقط اشکال خود را عوض می‌کرد و دست‌یابی به مناصب دولتی را مد نظر داشتند.

انتخابات دوره پنجم مجلس، آغاز استفاده از حرفه «ستم بر زنان» و راه‌یابی این بحث‌ها به مطبوعات و مجامع دولتی بود.

۲ - پیرامون حکومت

در درون نظام و پیرامون حکومت از بعد از جنگ نارضایتی از چارچوب تعریف شده و تعیین‌شده زن و حقوق او، برآمد مطبوعاتی یافت، که با تکیه بر مطرح کردن مسایل در مطبوعات و فشار بر روی دولتی‌ها تغییراتی به نفع زنان را هدف قرار دادند. این بیش از در چارچوبی اسلامی، تفسیر و برداشت متداول از آیه‌ها و احادیث و روایت‌ها

عمده وظیفه این شوراه، طرح‌هایی در مورد چگونگی کنترل و سرکوب حقوق زنان بود. دفتر مشاورت رئیس جمهوری در امر زنان به مسئولیت شهلا حبیبی، به نحوی، ارگان موازی شورای عالی می‌خواست برنامه‌ریزی در امور زنان در سطح عالی را به عهده گیرد. با نزدیک شدن کنفرانس جهانی زنان در پکن در سال ۹۵، تدارکات و تحرکات دولتی افزایش یافت. آن تفکری که اعتقاد داشت تاکتیک درست، شرکت در این گونه کنفرانس‌ها و تأثیرگذاری بر تصمیمات آن‌هاست، حرف اول را زد. خلاف کنفرانس قبلی، یعنی کنفرانس جهانی زنان ناپرویی در سال ۸۵، که «نمایندگان جمهوری اسلامی تا آخرین روزهای کنفرانس نسخه‌ای از متن قرارهای مورد بحث را نداشتند»، این بار تدارکات وسیعی صورت گرفت. از طرف دولت تمامی تشکل‌هایی «غیردولتی» زنان، که قاعدتاً در چارچوب ایدئولوژیک و دفاع از نظام و با استفاده از بسیاری از امکانات در اینجا و آنجا تشکیل شده بود، دعوت شدند که در یک جلسه هماهنگی شرکت کنند. در این جلسه شهلا حبیبی مشاور رئیس جمهور، معصومه ابتکار را به عنوان ریاست «دفتر هماهنگی سازمان‌های غیردولتی» معرفی کرد (گفتگو شماره ۱۰). در طول یکسال قبل از کنفرانس پکن، کلاس‌های تخصصی زبان انگلیسی و آشنایی با مصوبات سازمان ملل برای شرکت‌کنندگان در کنفرانس پکن که انتخاب شده بودند، برگزار شد. در کنفرانس‌های تدارکاتی منطقه‌ای، ارتباطات زیادی با کشورهای اسلامی و تشکل‌های سودان و... گرفته شد. این هیئت با تدارک بسیار سعی کرد که بر مصوبات و قرارها تأثیر بگذارد، از جمله سعی کرد در متن سندها به جای برابری زن و مرد واژه عدالت گنجانده شود و حقوق جنسی حذف شود (مصاحبه معصومه

زمینه‌های اوج‌گیری مسئله زنان در مقطع انتخابات

در آغاز نگاهی بینکیم به روندی که در مقطع انتخابات، تمام کاندیدها را ملزم ساخت به طور مشخص زنان را با طرح مسئله خودشان، به میدان بکشاند.

۱ - در درون حکومت:

پایان جنگ، آغاز روندی بود که برخی از زنان حکومتی نارضایتی خود را از نقشی که به آن واداشته شده بودند، بیان کنند. نارضایتی از اینکه به عنوان جنس دوم و عنصر اجرایی رده‌های پایین نظام به کار گمارده می‌شوند. تا آن مقطع اولویت دادن به مسئله جنگ امکان بروز نارضایتی را منتفی کرده بود. در سال ۷۱ دفتر مشاورت ریاست جمهوری در امور زنان بوجود آمد که نماینده‌های در وزارت‌خانه‌های مختلف داشت، قبل از آن، تنها ارگان دولتی در زمینه زنان، شورای عالی اجتماعی و فرهنگی زنان بود که مریم خزعلی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئولیت آن را به عهده داشت.

هنوز چیزهای زیادی برای آموختن از دبووار وجود دارد

برگرفته از کتاب «توریل مووا» به نام «سیمون دبووار، روانشناسی یک روشنفکر».



آن چه در زیر آمده است، از کتاب «توریل مووا» به نام «سیمون دبووار، روانشناسی یک روشنفکر» برگرفته شده است. نویسنده در این کتاب با بررسی دورانی که سیمون دبووار در آن گام در مبارزه برای احقاق حقوق زنان گذاشت، راه دشواری را که او آغاز کرد، بررسی می‌کند و کتاب «نیمه دیگر» او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌های فمینیستی می‌نامد که بدون آن، نمی‌توان سیمون دبووار را به درستی شناخت

سیمون دبووار، زن روشنفکر قرن بیستم است. برجسته‌ترین زنان نسل قبل از او مانند مادام دوار، جرج ساند، جرج الیوت و ویرجینیا ولف تمایزهای زیادی با هم داشتند. اما در ضمن آنها در یک چیز مشترک بودند. همه آنها از امکانات آموزشی زمان خود بی‌بهره بودند. اما سیمون دبووار متعلق به اولین نسل زنان اروپایی است که از آموزش هم‌سنگ با مردان برخوردار شد. او برای به دست آوردن امکانات آموزشی آکادمیک - که تا آن زمان فقط متعلق به مردان بود - و پس از آن در زندگی دانشگاهی و شغلی همیشه ناچار به رقابت با مردان بود و از این بابت نیز راه او از خواهران پراوازه‌اش در دنیای ادبیات متمایز شد.

سیمون دبووار، پیش‌تاز زمان خود، نهمین زن فرانسوی بود که امتحان با پرستیژی **agregation** را در فلسفه گذراند و بدون در نظر گرفتن جنسیت، جوان‌ترین فرد در این رشته بود. او این شانس را آورد در سرزمینی زندگی کند که روشنفکران در آن به عنوان اعضای برجسته جامعه شناخته می‌شدند و به همین دلیل به عنوان برجسته‌ترین زن روشنفکر دوره خود مطرح شد و با یک دلیل موقعیت ممتاز، بیان او از تجربیاتش روشن و نافذ است. در نوشته‌هایش درگیری‌ها و تناقضات زنان روشنفکری که در یک جامعه پدرسالار زندگی می‌کنند، به وضوح تصویر می‌شوند.

بووار متولد سال ۱۹۰۸ و متعلق به نسلی از زنان روشنفکر است که در سال‌های ۲۰ و ۳۰ به مرحله بلوغ رسیدند. او و زنان هم‌نسلش فکر می‌کردند که حداقل در زمینه آموزش و زندگی روشنفکری از حقوق برابر با مردان برخوردارند. آنها در کلیت خود آگاه به نقش خود به عنوان زن، در جامعه نبودند.

بووار بعدها در نگاهی به گذشته نوشت: «من خود را به عنوان یک زن احساس نمی‌کردم». اگر خاطراتش را باور کنیم، وی تازه در سال ۱۹۴۶ متوجه شد که نقش یک زن تحصیل کرده همسان با نقش یک مرد تحصیل کرده نیست و با خلوص سیاسی و اخلاقی کمپایی در مقابل نتایج یک شناخت، قد علم کرد. وقتی برایش روشن شد که او یک زن روشنفکر است شروع به نوشتن کتاب «نیمه دیگر» نمود. البته موقعیت سیمون دبووار و زنان روشنفکر هم‌سنگ او قابل مقایسه با زنان تحصیل‌کرده عصر ما نیست. تا حدودی می‌توان ادعا کرد که آنها هنوز پیشاهنگ بودند و متعلق به قشر محدود و برجسته‌ای که دیگر نیاز نداشت خود به حصارهای پیرامون امتیازات مردان روشنفکر حمله برد. آنها تعداد انگشت شماری بودند که امکان ورود به مدارس عالی را - که تا به حال در اختیار مردان بود - یافته بودند. در دوره‌های بعد نیز وضعیت زنان در موسسات آموزشی آکادمیک تغییر جدی نکرد. آمار دانشگاه‌ها و مدارس عالی نشان می‌دهد که حتی تا سال‌های دهه ۶۰ زنان حضور وسیعی در این موسسات نداشتند. در اثر مبارزات زنان در سال‌های ۶۰ و ۷۰، ورود زنان به همه سطوح و انواع رشته‌های آموزشی امکان‌پذیر گشت. امروز مقوله برابری زن و مرد به اسطوره تبدیل گشته است. زنان دنیای غرب خود برای انتخاب نوع آموزش و شغل را پدید می‌نهند. زنان امروز مانند سیمون دبووار جوان فکر می‌کنند در مدارس و دانشگاه‌ها برخورد مساوی با آنها می‌شود. متأسفانه آمار خلاف آن را نشان می‌دهد. در ایالات متحده بر خلاف تمام ادعاهای پر سر و صدا، تا سال ۱۹۹۰ زنان موفق به حضور جدی در موسسات آکادمیک نشدند. سوزان فالودی می‌نویسد: «درصد زنان فمینیست و سایر زنان در کادر آموزشی مدارس متوسطه فقط ۱۰ درصد است. درآمد زنان دارای مدرک دکترا ۳۶ درصد پایین‌تر از درآمد مردان با مدرک برابر است و هنوز در سال ۹۰ زنانی با تمایل به یک زندگی روشنفکرانه با مشکلات شخصی، اجتماعی و پیشی روبرو بودند که برای مردان روشنفکر وجود ندارد.»

به دلیل تمام مسائلی که در بالا مطرح شد، معتقدم که هنوز چیزهای زیادی برای آموختن از سیمون دبووار وجود دارد. زنان روشنفکر نمی‌توانند اجازه دهند تجربیاتشان به فراموشی سپرده شود. از نظر من زن روشنفکر زنی است که به‌عنوان انسان اندیشه‌ورز

با به طرز وحشتناکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم و آنان را از کار و تحصیل بازداشته‌اند. بسیاری از خانواده‌های افغانی که همسران و پدران خود را در طی جنگ داخلی از دست داده‌اند، روشنفکر وجود ندارند. سرپرستی می‌شوند که به دلیل ممانعت طالبان از اشتغال زنان در شرایط اسفنازی زندگی می‌کنند.

اسرائیل: زنان شوهردار حق ندارند تا نیمه شب بیرون بمانند
به موجب حکم یک دادگاه مذهبی در حیفا، زنان شوهردار بایستی حداکثر نیمه‌شب در خانه باشند و بدین ترتیب تقاضای طلاق مردی که معتقد بود همسرش تا نزدیک صبح در بیرون می‌ماند را وارد دانست. همسر این

از نشریات آن زمان

دست به اعتراض زده بودند. اقدام به تیراندازی هوایی کرد. این گروه که در زیر برف سنگین دست به تظاهرات زده بودند، در مسیر خود با حدود ۲۰۰ تظاهرکننده مخالف روبرو شدند که سعی داشتند تظاهرکنندگان زن را متفرق کنند... در این اجتماع هماناقت استاد دانشگاه بیانه سازمان ملی دانشگاهیان را قرائت کرد. در این بیانه آمده است: ما مخالف حجاب نیستیم، بلکه مخالف تحمیل آن هستیم. ما معتقدیم که تجاوز به حقوق و آزادی زنان، تجاوز به حقوق و آزادی همگان است. خانم ناطق آنزود، زنان بی حجاب هرگز به زنان باحجاب توهین نکرده‌اند. بنابراین ما خواستار احترام متقابل هستیم...

در این اجتماع همچنین به لغو قانون حمایت خانواده حمله شد و زنان شعار دادند که این قانون حداقل حقوق را به ما می‌داد.

قطعنامه زنان در دادگستری

زنانی که امروز در دادگستری اجتماع کرده بودند قطعنامه‌ای صادر کردند و خواست‌های خود را به شرح زیر اعلام داشتند.
۱- پوشش متعارف زنان باید با توجه به عرف و عادت و اقتضای محیط به تشخیص خود آنها واگذار شود.
۲- حق برخورداری مساوی با مردان از حقوق مدنی
۳- حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زنان بدون هیچ تبعیضی حفظ و تأمین شود.
۴- امنیت کامل زنان در استفاده از حقوق و آزادی‌های قانونی تضمین شود.
۵- برخورداری واقعی از آزادی‌های اساسی برای زنان و مردان کشور تضمین شود.
۶- هر نوع نابرابری بین زن و مرد مرتفع شود.
۷- مواضع شغلی فعلی زنان حفظ شود.
۸- نقائص قانون حمایت خانواده در جهت تأمین هر چه بیشتر حقوق از دست‌رفته زنان مرتفع گردد.

کودکان شامل مید کودک و کردکستان در برخی از شهرهای ژاپن از دیگر موانع ورود زنان به اداره و شرکت‌ها می‌باشد.

مردان کنیایی و تهدید همسرانشان

مردان کنیایی تهدید کرده بودند اگر زنهایشان به «چریتی انگلیو» تنها گاندیدای زن ریاست جمهوری رای بدهند، آنها را مورد ضرب و شتم قرار خواهند داد. روزنامه «دیلی نیشن» نیز نوشت: در انتخابات پارلمانی کنیا از بین ۸۸۳ کاندیدا از ۲۳ حزب فقط ۵۰ زن شانس خود را آزمایش کردند و در حال حاضر نیز هیچ زنی در این کشور در پستهای بالا مشغول به کار نیست. بنا بر این گزارش بسیاری از زنان روستایی مایل بودند به «چریتی انگلیو» رای بدهند اما از ترس شوهرانشان جرئت این کار را پیدا نکردند و بسیاری از پدران هم دخترانشان را تهدید کرده بودند در صورت رای دادن به انگلیو حق بازگشت به خانه را ندارند. حتی مأموران دولتی برای تنها کاندیدای زن ریاست جمهوری کارشکنی می‌کردند.

زنان هندی قربانیان آلودگی خانگی

میلیون‌ها زن هندی در معرض آلودگی خانگی ناشی از احتراق ناقص هنگام پخت‌وپز می‌باشند. به گزارش «سی.ان. ان» روستائیان و اهالی زاغه‌ها در شهر که از هیزم برای آشپزی استفاده می‌کنند بیش از همه در معرض خطر قرار دارند. زیرا دود ناشی از پخت‌وپز به چشم‌ها و ریه زنان آسیب می‌رساند و بنا بر تحقیقات انجام شده استنشاق این دود برابر با مصرف ۲۰۰ سیگار در روز است. تحقیقات حاکی از آن است که سالیانه ۲/۵ میلیون نفر هندی بیش از موعد و بر اثر بیماری‌های ریوی می‌میرند و ۷۰ درصد این مرگ‌ومیرها ناشی از آلودگی خانگی است.

تبعیض میان زنان و مردان در چین

خبرگزاری فرانسه از پکن طی گزارشی و به نقل از روزنامه «چاینا دیلی» می‌نویسد: براساس تحقیقاتی که از مدیران ۴۱۳ شرکت در ۱۴ استان چین به عمل آمده است، ۷۱/۶ درصد از آنان می‌گویند که زنها را حتی اگر از مردها شایسته‌تر باشند استخدام نخواهند کرد. در این پژوهش که به وسیله بخش زنان اتحادیه‌های سراسری کارگری چین به صورت گرفته آمده است: دلیل این موضوع ممکن است آن باشد که کارگران زن برای وضع حمل نوزاد خود به مرخصی نیاز دارند. در ادامه این گزارش آمده است: نیمی از زنان واجد شرایط کار در شهر شانگهای و هم‌چنین ایالت‌های «لیاوتینگ» و «گواندونگ» در سال گذشته بیکار بودند.

طالبان آزادی زنان را کفر خواند

رهبر طالبان در یک واکنش خشمگینانه نسبت به درخواست سازمان ملل مبنی بر رعایت مسائل حقوق بشر و حقوق زنان را کفر و ترویج فحشا خواند. خبرگزاری فرانسه گزارش می‌دهد که ملا محمدعمر در بیانیه‌ای که از رادیو کابل پخش شد می‌گوید: دادن حق و حقوق بیشتر به زنان که سازمان ملل خواهان آن است راه را برای فساد باز خواهد کرد که همین امر به نابودی اسلامی منجر خواهد شد و بر این اساس به زنان اجازه تحصیل و اشتغال در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی را نخواهد داد. او گفت: ما چیزی را که به نام حقوق بشر به ما تحمیل شود و مغایر با قانون قرآنی باشد نمی‌پذیریم، بلکه انفراد دیگر باید خودشان را با قوانین قرآن تطبیق دهند. یک سازمان حقوق بشر اخیراً در گزارشی که از اوضاع مردم افغانستان به سازمان ملل ارائه نمود، برخورد طالبان با مردم این کشور را سرکوب‌گرانه و خست‌آمیز توصیف کرد و افزود طالبان با اعمال محدودیت‌های شدید زنان افغانستان

کیهان شانزده اسفند ۵۷

«حسینی رهبر انقلاب دیروز طی سخنانی دولت را مورد انتقاد قرار داد و گفت: الان وزارت‌خانه‌ها آن‌طور که برای من نقل می‌کند باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. در وزارت‌خانه اسلامی نباید معصیت شود. در وزارت‌خانه‌های باستاند، ممانعی ندادند برودن کار بکنند لیکن با حجاب شرعی باشد».

کیهان هفده اسفند ۵۷

اجتماع زنان در دادگستری

گروه‌هایی از زنان از صبح امروز در خیابان‌های تهران دست به تظاهرات زدند و در مقابل دادگستری اجتماع کردند. این زن‌ها نسبت به خشنودهای چندروز اخیر عده‌ای مرجع و مشکوک نسبت به زنان بی‌حجاب اعتراض داشتند... به دنبال تظاهرات و اجتماعات دیروز، اولین ساعات صبح امروز نیز از چند نقطه تهران زن‌ها به حرکت درآمدند. جمعی از آنها مستقیماً خود را به دادگستری رساندند و جمع دیگری پس از اجتماع در دانشگاه تهران و اعلام نظرآستان درباره حجاب و جادر به سمت دادگستری حرکت کردند. در دبیرستان‌های دخترانه تهران نیز امروز جمع زیادی از دانش‌آموزان برای اعتراض به اعمال فشارهای عده‌ای مشکوک در خیابان‌های شهر زیر نام طرفدار اسلام در محوطه مدارس خود اجتماع کردند. تظاهرات در چند دبیرستان آنقدر بالا گرفت که مدیر کل آموزش و پرورش تهران صبح امروز در چند دبیرستان دخترانه حضور یافت و با دانش‌آموزان در این باره صحبت کرد. درباره تظاهرات روز پنج‌شنبه زنان تهران خبرگزاری پارس گزارش داد که عده‌ای از گارد انقلابی برای پراکنده ساختن حدود ۱۵ هزار زن که در بیرون دفتر مهدی پازرگان

خبرهای گوناگون

فقر فمینیزه می‌شود

بنا به آمار سازمان ملل ۷۰ درصد بی‌چیزان جهان زن هستند. ۵۵ میلیون زن در کشورهای مختلف زیر خط فقر زندگی می‌کنند. از دهه هفتاد به بعد تعداد زنان فقیر به دو برابر افزایش یافت. در همین مدت رشد فقر بین مردان ۳۰ درصد بوده است. «فمینیزه» شدن فقر از اواخر دهه ۷۰ در مجامع بین‌المللی مطرح شد. در حقیقت فقر از نظر جنسی خشن نیست. اما چرا زنان بیشتر در معرض آن قرار می‌گیرند.

نایلا کبیر جامعه شناس بنگلادشی می‌گوید: مردان و زنان فقر را به اشکال مختلف تجربه می‌کنند. دو عامل مهم در تشدید فقر زنان تاثیر دارد: زنان در اغلب فرهنگ‌های سنتی مورد تبعیض واقع می‌شوند و بازندگان توسعه مدرن هستند. تقسیم کار در جامعه و قدرت سیاسی، اشتغال و تملک بر زمین، امکان دست‌یابی به خدمات اجتماعی و وام بانکی، تقسیم ثروت بین دو جنس زن و مرد همه به شکلی عمل می‌کنند که زنان را به فقر بیشتر سوق می‌دهد.

وضعیت زنان در شرق اروپا

در کنفرانس شبکه‌های زنان شرق - غرب سال ۲۰۰۰ اعلام شد، شرایط زندگی زنان کشورهای شرق اروپا از زمان فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم به میزان زیادی وخیم شده است. خصوصی سازی سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی جدید که در اکثر موارد سخت و نامناسب بوده است اقتضای آسیب‌پذیر جامعه از جمله زنان را با مشکل مواجه کرده است. زن - کارگر کمک‌های رفاهی کمتری دریافت می‌کند و زنان اروپای مرکزی به طور متوسط ۲۵ درصد کمتر از مردان از شرایط کاری مساوی برخوردارند.

۵۰ درصد وزیران سوئد زن هستند

فعالیت سیاسی زنان در کشورهای اسکاندیناوی بیش از سایر کشورهای اروپایی است. بر اساس آمار که هفته‌نامه اقتصادی، اکونومیست چاپ لندن منتشر کرده، ۴۱ درصد نمایندگان پارلمان و ۵۰ درصد وزیران سوئد زن هستند. پس از سوئد، زنان نروژی بیشترین فعالیت را در امور سیاسی دارند و به ترتیب ۳۹ و ۴۲ درصد نمایندگان پارلمان و وزیران این کشور را تشکیل می‌دهند. در فنلاند و دانمارک فعالیت سیاسی زنان بسیار گسترده است و ۳۴ درصد نمایندگان پارلمان و حدود ۳۸ درصد سمت‌های وزارت‌خانه‌های این دو کشور را زنان بر عهده دارند.

چچن: حجاب اسلامی اجباری است

معاون رئیس جمهوری چچن طی بیانیه‌ای اعلام کرد: تمام زنان این جمهوری باید بر اساس احکام اسلامی لباس بپوشند و از کارفرمایان خواستار دقت لازم در مورد پوشش کارکنانشان شده تا مراعات سنتهای اسلامی را نمایند.

شرکتهای ژاپنی: مردان ارچ هستند

سازمان برنامه‌ریزی ژاپن اعلام کرد: زنان این کشور هنوز برای انجام کار در بیرون از خانه از موقعیت مناسبی برخوردار نیستند و گرایش شرکت‌های ژاپنی به استخدام مردان بیشتر از زنان است. این سازمان معتقد است که کاهش میزان حقوق زنان به علت استفاده از مرخصی زایمان از دیگر موانع پیشرفت زنان کارمند در این کشور است. کافی نبودن امکانات نگهداری از

به‌خود، به‌خصوص در رابطه با تعلیم و تربیت خویش‌اهمیت قائل است، سوای آن که از علائق روشنفکرانه خود به‌شکل حرفه‌ای استفاده بکند. او هم‌چنین می‌داند که چه لذتی در اندیشیدن وجود دارد. او در ضمن می‌داند که طرف‌داران بینش پدر سالارانه معتقدند این نوع لذت مناسب او نیست. یک زن احتیاج به دکتری فلسفه ندارد تا بفهمد که به‌خاطر علائق و توجه‌اش به مسائل فکری به او برچسب خانم معلم خشک زده می‌شود.

توجه من به سیمون دبووار فقط به خاطر این نیست که او به نوعی نماد زن روشنفکر شده است. او در رابطه با بحث‌های فکری مطرح در زمان خود، مواضع خاصی داشت و به‌همین دلیل مهم‌ترین زن فمینیست ثنوری‌گر صد سال اخیر گشت. او خیلی پیش از اوج جنبش زنان در کتاب «نیمه‌دیگر» خود، به مسائلی می‌پردازد که هم‌اکنون نیز زنان فمینیست در پی حل آنها هستند. این کتاب زندگی هزاران زن را تغییر داد. من کتاب دیگری را در قرن بیستم نمی‌شناسم که تاثیر مشابهی داشته باشد. اگر تاریخی نگاه کنم، تاثیرات «نیمه‌دیگر» مرا به یاد «کلبه عمو توم» اثر هاریت میچر استو و در معنایی دیگر کتاب «کلاریسا» اثر ساموئل ریچاردسون می‌اندازد.

اگر راجع به دبووار بدون توجه به کتاب «نیمه‌دیگر» سخن بگوئیم، به معنای آن است که او را به عنوان یک زن فیلسوف فمینیست روشنفکر نفی کنیم. سیمون دبووار، دیگر اکنون متعلق به نسل گذشته است. ولی مبارزات و فعالیت‌های او کمک کرد تا امروز زن به عنوان انسان روشنفکر و به عنوان زن مطرح باشد. او و هم‌چنان در آستانه ورود به قرن بیست و یکم به ما کمک می‌کند بدون در نظر گرفتن قراردادهای پدرسالارانه و مطابق بدن خود، زندگی کنیم.

از زمانی که من به پیچیدگی‌ها و تناقضات زندگی دبووار آگاه شدم، برای او ارزش بیشتری قائل شده‌ام. تلاش‌های صبورانه و پایدارانه او برای استقلال، برای این که به عنوان یک نویسنده مطرح شود، و برای این که بتواند بنویسد، گواه بر شجاعت و ایستادگی او هستند. پایداری مصممانه او در مقابل پیش‌داوری‌های پدر سالارانه، برای دفاع از حقوق پدیدمی احساسی و جنسی خود و برای رسیدن به خوشبختی سرمشقی است برای دیگران. البته نمی‌توان انتظار داشت که او به همه این‌ها بدون دیدن آسیب‌های روحی رسیده باشد و اصلاً جای تعجب ندارد که او هم مانند ما در یک جامعه پدر سالار دچار تناقض و چند پارگی شخصیتی شود.

زمانی که سرنوشته‌ها را به قلم خود می‌خوانم، نیرو، انرژی، سرزندگی و اما در همان جا بی‌پناهی و شکنندگی او مرا تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدفکر فرو می‌روم که چقدر برای او دشوار بوده به احساس استقلال و عدم وابستگی برسد و آن گاه او برایم بارزتر می‌شود. البته این ارزش‌گذاری به‌معنای بت کردن او نیست. او به ما می‌آموزد که حتماً نباید به کمال رسیده باشیم اما هرگز نباید از تلاش دست بکشیم.

- ۱- هاریت میچر استو، متولد ۱۸۱۱، وفات ۱۸۸۶. نویسنده آمریکایی که برای الفای بردگی سیاهان در ایالات جنوبی مبارزه می‌کرد. رمان «کلبه عمو توم» را در سال ۱۸۵۲ نوشته است. این رمان از نظر سیاسی از موثرترین کتاب‌های ادبی آمریکای شمالی است.
- ۲- ساموئل ریچاردسون، متولد ۱۶۸۹، وفات ۱۷۶۱، نویسنده انگلیسی.

برگردان: مینا تارین

مرد معتقد بود که شوهرش با زنان دیگری رابطه دارد که دادگاه آن را نادرست خواند و حکم به محکومیت زن داد که تا نیمه‌شب بیرون بوده است. در اسرائیل پیمان زناشویی و جدایی نه در دادگاههای مدنی بلکه در دادگاههای مذهبی صورت می‌گیرد حتی اگر مراجعین خود مذهبی نباشند.

عربستان: خروج از خانه فقط با نقاب

خبرگزاری رویتر طی گزارشی می‌نویسد: وزارت تبلیغات سعودی در اطلاعیه‌ای از زنان این کشور خواست که بدون نقاب و پوشش کامل از خانه خارج نشوند. در این اطلاعیه گفته شده: شوهران و قیم‌ها مسئولیت مراقبت از خانواده‌های خود را به عهده‌دارند و آنها نباید به زنان اجازه دهند که بدون نقاب از خانه خارج شوند.

نام کفش‌های ورزشی NIKE را شنیده‌اید؟...

آن سوی یک قانون ظاهر فریب

مینا تارین

مطلب زیر از یکی از نشریات زنان آلمانی در مورد «قانون کار» و قانون «مرخصی نگهداری از فرزند» برگرفته شده است. به نظر مترجم موضوعاتی که در این مقاله مطرح شده است، برای ما زنان ایران نیز حائز اهمیت است. دیده می‌شود که از طرف گروه‌های زنان و یا به نام آنها خواسته‌هایی در سطح جامعه مطرح می‌شود - از جمله خواست سه سال مرخصی برای نگهداری فرزند - که در ظاهر بانهف مادر هستند ولی در واقعیت باعث دوری او از محیط کار و اجتماع می‌گردد. این دوری حداقل در دو شکل صورت می‌گیرد. اول این که پس از سه سال شانس برگشت به محیط کار به شدت تضعیف می‌شود. دوم کارفرمایان با وجود این قوانین حاضر به استخدام زنان نیستند. این تجربه زنان آلمان که بخصوص در طی ۱۰ سال اجرای قانون مرخصی نگهداری از فرزند، نتایج عملی خود را کاملاً نشان داده است، برای زنان ایران نیز آموزنده است

در ژانویه ۱۹۹۶ قانونی در آلمان ۱۰ ساله شد که وضعیت زنان جوان را در بازار کار به‌طور شدیدی خراب‌تر کرد. نام این قانون، قانون فدرال کمک مالی برای تربیت فرزند (BEZGG) است. این قانون در زمان شروع اجرای آن از طرف گروه‌های فمینیست و زنان سیاستمدار با مقاومت روبرو گشت. علت آن بود که این گروه‌ها و افراد معتقد بودند، با اجرای این قانون، مادران دوباره از بازار کار رانده شده و به شوهرانشان وابسته خواهند گشت.

قانون مزبور می‌گوید: «مادران پس از تولد فرزندشان می‌توانند به مدت ۲ سال از کمک مالی به مقدار ۶۰۰ مارک در ماه برخوردار شوند، به شرط آن که در این مدت کار نکنند و یا فقط هفته‌ای ۱۹ ساعت کار کنند.»

زنان شاغل ظاهراً این امکان را به دست می‌آورند که به مدت سه سال از مرخصی زایمان استفاده کنند. فقط در سال ۱۹۹۴، ۴۲۳۵۷۰ مادر برای این کمک مالی درخواست دادند. فقط از هر ۳ نفر، یک نفر از امکان ۱۹ ساعت کار در هفته استفاده می‌کند و بقیه به خاطر این پول توجیبی از شغل خود صرف‌نظر می‌کنند.

پدران نیز می‌توانند درخواست استفاده از این مرخصی، همراه با کمک مالی آن را بدهند ولی عملاً در سال ۱۹۹۴ فقط ۶۹۹ مرد تقاضای استفاده از مرخصی نگهداری فرزند را دادند. علت نیز نه درآمد بالای مردان، - زیرا در مواردی که درآمد زن مساوی و یا بالاتر بوده است، باز هم این مردان نیستند که تقاضا داده‌اند - بلکه بدین دلیل بوده که مردان نگران آن بوده‌اند که آینده شغلی‌شان به خطر بیفتد. در عوض ۹۵ درصد زنانی که این کمک شامل آنها می‌شود، از آن استفاده می‌کنند. و این موضوع هم در قسمت غربی و هم در قسمت شرقی آلمان صادق است. در واقع یک نسل از زنان اجازه می‌دهند، آنها را در مهم‌ترین سال‌های اشتغالشان با تعجیل و تعریف، از بازار کار برانند و این در حالی است و شاید اصلاً به همین دلیل است که آنها کیفیت بالاتر از مادران و مادرزیرگان خود پیدا کرده‌اند و رقبای جدی مردان در محیط کار هستند.

مادر پس از فرزند اول سه سال و اگر صاحب ۲ فرزند شود، شش سال از زندگی کاری خارج خواهد شد و عملاً امکان به دست آوردن موقعیت‌های مهم کاری را از دست خواهد داد. این درست مقطعی از زندگی است که پایه‌های زندگی شغلی گذاشته می‌شود. در همین زمان، مردان با استفاده از تمام امکانات، خود را به پست‌ها و موقعیت‌های مهم می‌رسانند و یا حداقل موقعیت شغلی خود را تثبیت می‌کنند. در چنین وضعیتی تمام برنامه‌های خیرخواهانه نیز قادر به جبران این فاصله نیستند. نتیجه دیگر این وضعیت، این است که مردها در محیط کار از شر این رقبای زن خلاص گشته، بهتر با سایر مردان و باقیمانده زنان رقابت می‌کنند، به‌خصوص که حالا زنی در خانه دارند که به همه کارهای خانه می‌رسد.

نه تنها این قانون، بلکه سایر قوانین حمایت کاری از زنان نیز در واقع باعث جلوگیری از کار زنان هستند، از جمله ممنوعیت کار شب برای زنان. بیشتر این قوانین در زمان نازی‌ها تصویب شده‌اند و حتی تا ۵ سال بعد از فرو ریختن دیوار، هنوز اعتبار داشتند. در آلمان شرقی این قوانین دیگر وجود نداشت و زنان آلمان شرقی پس از وحدت دو قسمت، حاضر به پذیرش این قوانین نبودند. به کمک زنان آلمان شرقی و همچنین اعتراضات ۲۰ ساله زنان فمینیست، سرانجام در سال ۱۹۹۴ دولت فدرال وادار به تصویب قوانین جدید کار گردید. در قانون جدید محدودیت‌های کار برای زنان، به استثنای قانون سال ۱۸۷۳، حذف شده‌اند.

در اوایل سال‌های ۸۰، زنان جوانی که از آموزش بالاتری برخوردار بودند، به بازار کار هجوم آوردند و با مردان جوان به رقابت پرداختند. هدف این مرخصی دست و دل بازانه، متوقف کردن این روند بود. وزیر سابق خانواده، «گایسلر» و وزیر کار «پلوم» به این موضوع اقرار کرده‌اند. آنها می‌گویند که مرخصی برای نگهداری فرزند، مشاغل را آزاد می‌کند (البته برای مردان). این اولین بار نیست که زنان از محیط کار رانده می‌شوند، زیرا کمبود کار وجود دارد. این داستان دیگر دارد صد ساله می‌شود.



می‌دانید که کفش‌های مرغوب ورزشی NIKE چگونه تولید می‌شود؟ جان زنان جوان و بی‌حقوق کشورهای عقب مانده تار و پود این کفش‌ها را شکل داده است. NIKE تنها نیست! مقاله زیر استعمار وحشیانه زنان کشورهای عقب مانده را در سال‌های پایانی قرن بیست به تصویر کشیده است.

در بازار جهانی کنونی، هر کشور و منطقه‌ای می‌کوشد مزایای استفاده از سرمایه گذاری در کشورهای عقب مانده را برای شرکت‌های خود تضمین کند. شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران کشورهای صنعتی در جستجوی مناسب‌ترین شرایط سرمایه‌گذاری با پایین‌ترین هزینه‌ها هستند. آنها سفارشات خود را به شرکت‌های کوچک تری می‌دهند که عمدتاً تولید خود را در کشورهای بی‌مزد کارگر بسیار پائین است، تمرکز می‌دهند. این شرکت‌های کوچک تر قراردادها را با قیمت‌های بسیار کمی که به شرکت‌های بزرگ پیشنهاد می‌کنند، به دست می‌آورند و از طریق فشار بر کارکنان، آن را جبران می‌کنند.

اتحادیه جهانی سندیکاهای آزاد اخیراً در مورد این کشورها اعلام کرده است: حقوق کار زیر پا گذاشته می‌شود، شرایط سلامتی نادیده گرفته می‌شود، به حفظ محیط زیست بی‌توجهی می‌شود و حقوق‌ها پائین نگه داشته می‌شوند، شدت کار بالاست و سازماندهی سندیکایی ممنوع است.

در جنوب و جنوب شرقی آسیا نیروی کار ارزان زنان، یکی از مزایای انتخاب محل سرمایه‌گذاری برای شرکت‌ها می‌باشد. بدون آنان، جهش اقتصادی این مناطق قابل تصور نبود. آنها کارگرانی هستند که در مواقع احتیاج به کار گرفته می‌شوند و به راحتی کنار گذاشته می‌شوند. محل کارشان می‌تواند خانه‌شان یا کارخانه باشد.

علی‌رغم این که زنها در رده اول شاغلین جدید قرار دارند ولی تعداد کمی از آنان جزو بهره‌مندان واقعی از توسعه بازار جهانی کار هستند.

کارخانه «سام یونگ» متعلق به یک شرکت کردی است که در ویتنام کفش ورزشی تولید می‌کند. این کارخانه به فاصله کمی از شهر هوشی مین قرار دارد. آن روز که مدیر کردی کارخانه مقداری از مواد تولیدی را در سطل زباله یافت، از خشم منفجر شد، کارگران را، که زنان ویتنامی هستند، فرا خواند، یک کفش نیمه‌کاره را برداشت و بر سر کارگران کوبید و به آنان دشنام داد. رفتار به شدت توهین آمیز این مدیر خارجی، موجی از اعتراض را دامن زد، هزاران کارگر به عنوان اعتراض، کار را بر زمین گذارشتند. موج اعتراض به آمریکا نیز کشید. کارخانه «سام یونگ» برای مارک معروف NIKE که سالانه شش و نیم میلیارد دلار فروش دارد، کفش تولید می‌کند. این شرکت، از سال‌ها پیش مورد اتهام بوده است که شرایط کاری بسیار نامانسی در محل تولید به وجود آورده است. «NIKE» جزو آن گروه از شرکت‌هایی است که خود کارخانه‌ای ندارد و پس از طراحی تولیدات، سفارشات خود را به شرکت‌های کوچک تر می‌دهد و برای اجناس ورزشی تولید شده توسط آنها بازاریابی می‌کند. چهار پنجم محصولات NIKE در آسیا و بیش از همه در چین، اندونزی و ویتنام تولید می‌شود.

اعتراض به کتک زدن کارگران، سرانجام به آن منجر شد که یک هیئت بررسی، در مارس گذشته از کارخانجات وابسته به NIKE بازدید کند. آن گونه که کارگران زن وضعیت خود را توصیف کردند، این کارخانه به یک اردوگاه کار با اعمال شاقه شباهت بیشتری داشت. در طول ۸ ساعت کار، آنها فقط اجازه داشتند که دوبار آب بنوشند و یکبار به توالت بروند. در صورت انجام «اعمال خلاف» بایستی در گرمای ظهر، هنگامی که زنان خود را به حالت خمیده نگه داشته‌اند، دور کارخانه بدوند یا زیر آفتاب بایستند. اگر زیاد صحبت می‌کردند، بر لپ‌هایشان زده می‌شد.

بنا به وجود شرایط غیر شرافتمندانه کاری، از آنجا که دستمزد زنان، هزینه مسکن و سه وعده غذا و اولیه‌ترین نیازها را تأمین نمی‌کرد، آنها ناچار بودند به اضافه کاری بپردازند.

سختگوی مطبوعاتی «NIKE» می‌گوید: «NIKE» بسیار متأسف است که چنین اتفاقاتی می‌افتد، ولی مسئولیت آن نه

با شرکت سفارش دهنده در آمریکا، بلکه با مدیریت شرکت تولید کننده در محل است. این کنسرن بزرگ که در سال ۱۹۹۲ تحت فشار افکار عمومی یک «منشور رفتار» تصویب کرده بود تا شرایط کاری را در صنایع وابسته تولید کفش در کشورهای آسیایی بهبود بخشد، ادعا می‌کند که در این وقایع تصویری متوجه او نیست.

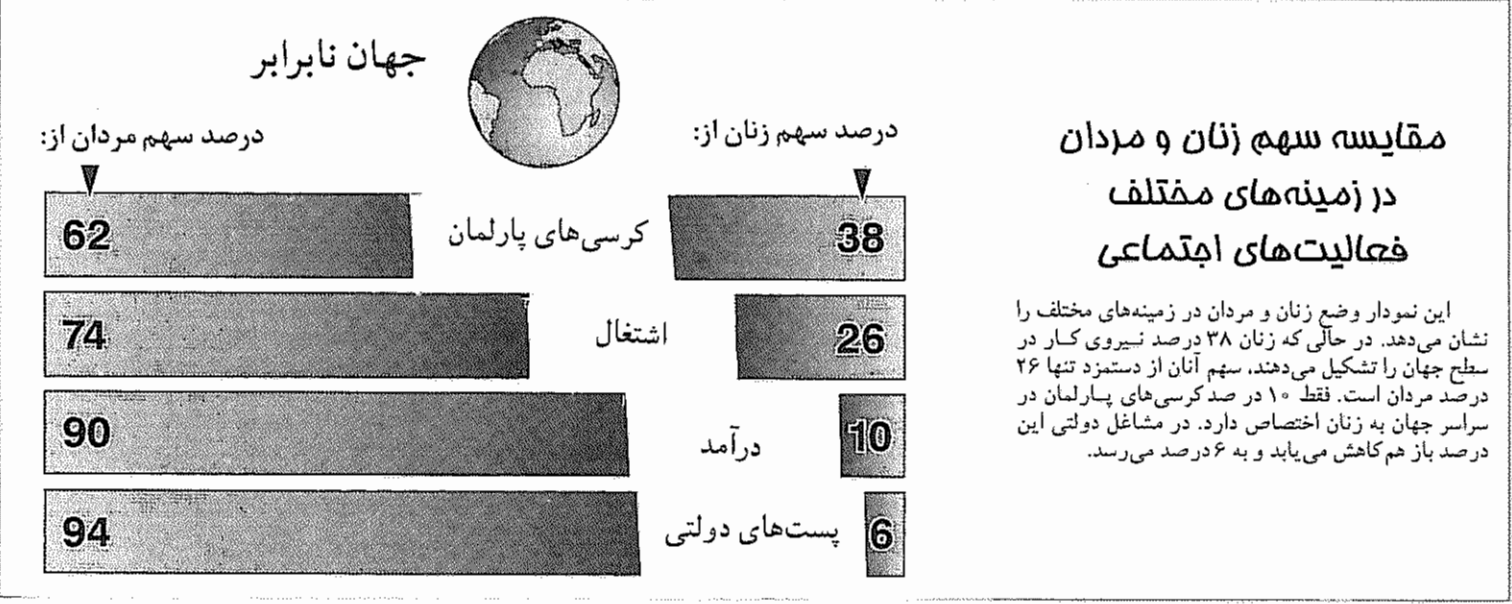
«هوئی تانگ»، زن کارگر عضو سندیکا، که در کارخانه «سام یانگ» کار می‌کند، می‌گوید که یک سال پس از اتفاق مذکور، هنوز وضع کارگران تغییر جدی نکرده و با کارگران زن هیچ‌گونه پیمان کاری بسته نشده است. سرکارگران کردی هم‌چنان کارگران را می‌پایند. او می‌گوید: «ما اغلب به آنها شکایت می‌کنیم که ما انسانیم نه ماشین».

یک جفت کفش ورزشی مورد نظر در بازارهای اروپایی ۱۳۰ مارک فروخته می‌شود. مزد زنان کارگر در آسیا در ازای آن، ۳/۹ درصد می‌باشد. نیمی از قیمت کفش به جیب تاجر عرضه کننده می‌رود. مصرف کنندگان در اروپا و آمریکا فشار خود را بر تولید کنندگان کفش به منظور تأمین شرایط کاری مناسب در آسیا، افزایش می‌دهند. در فرانسه محاسبه کرده‌اند: «چنانچه NIKE هزینه تبلیغات خود را ۳/۵ درصد پائین بیاورد، می‌تواند حقوق تمامی زنان کارگر در چین و اندونزی را به دو برابر افزایش دهد».

داستان صنعت کفش در ویتنام شبیه صنایع نساجی در دیگر نقاط آسیا است. فاز اول: در دهه هفتاد تولیدات در کره جنوبی، تایوان و هنگ کنگ تمرکز یافت. فاز دوم: انتقال تولید به نقاط دیگر یعنی فیلیپین، تایلند و اندونزی گسترش یافت. فاز سوم: انتقال تولید به چین و ویتنام صورت می‌گیرد و هم‌زمان اشتغال شکل دیگری به خود می‌گیرد، از حالت کار رسمی با ساعت کار مشخص در می‌آید. در فیلیپین اغلب کارگران پیمانی برای زمان مشخصی کار می‌کنند. در ویتنام کارخانه‌ها سفارشات کوچک تر به کارگاه‌ها می‌دهند و سرانجام این زنجیره به کار خانگی منتهی می‌شود. در ویتنام تقریباً تمام کارخانه‌ها به شرکت‌های کراهی و یا تایوانی تعلق دارند.

بانوکک - در کارخانه «اون» که کار آن تولید لباس‌های زنانه و صدور آن به اروپا و آمریکا می‌باشد - در سال ۱۹۸۶ زنی به نام «دان سه» شروع به کار می‌کند. شرایط کاری بسیار بد است و دستمزدها پائین. ۵ سال بعد او همراه با برخی دیگر از زنان کارگر، سندیکای کارخانه را بنیاد می‌گذارد. پس از تأسیس سندیکا، مدیریت کارخانه با شیوه‌های مختلف به مقابله با این جمع ۴۵۰ نفری می‌پردازد. ابتدا فعالین سندیکا را داتسا در قسمت‌های

برگردان: شهلا فرید



جهان نابرابر



درصد سهم مردان از:

درصد سهم زنان از:

62

کرسی‌های پارلمان

38

74

اشتغال

26

90

درآمد

10

94

پست‌های دولتی

6

جنگ با فمینیسم با نام خدا جنسیت و اسلام بنیادگرا

ژانت آفاری

می‌خواهند که از زیر بار تعهدات سنتی خود در قبال خانواده شانه خالی نکنند.

بوطینا شعبان، فمینیست سوری که زندگی شخصی زنان لبنانی، فلسطینی، الجزایری و سوری را مورد مطالعه قرار داده است، به گونه‌ی بسیار مؤثری بنیادگرایی اسلامی را برای زنان مجرد طبقات پایین‌تر از متوسط به معرض نمایش می‌گذارد. شعبان نشان می‌دهد که چگونه قبول به حجاب اسلامی، برای زنان جوان در جوامعی که طبق سنت زن و مرد از هم جدا بوده‌اند، فضای تازه‌ای در زندگی جمعی می‌گشاید.

یکی از این موارد به زینب، زن مجردی از یک خانواده کارگری مربوط می‌شود که دارای تحصیلات دانشگاهی است. او به سازمان بنیادگرا و شیعی اهل در جنوب لبنان پیوسته است. این زن شرح می‌دهد که چگونه فعالیت در گروه اهل و پذیرفتن پوشش تجویز شده از جانب این گروه به نام الشاری، وی را در حفظ و حمایت قرار داده و بر آزادی عمل او افزوده است. او خود را مصون از هر مزاحمتی می‌داند و احساس می‌کند که با کمک فراهم آوردن غذا و سرپناه برای فقرا به یک عضو ثمربخش جامعه تبدیل شده است. مهم‌تر از هر چیز دیگر این‌که او احترام، قدرت و اعتبار بیش‌تری نیز به دست آورده است. زینب می‌گوید: «پدرم که در گذشته تنها فرمان‌روای منزل بود، اکنون هیچ تصمیمی را در ارتباط با خانواده بدون مشورت قبلی با من نمی‌گیرد».

لاما ابوعوده، فمینیست اردنی، در باره مسئله آزار جنسی و مشکلاتی که زنان خاورمیانه‌ای، بعد از این‌که در سال‌های آغازین قرن بیستم حجاب را به یک سو نهند و آن روبرو شدند، نوشته است رتف و امید که در خیابان‌ها، استفاده از وسایط نقلیه عمومی و کارکردن در کنار مردان در ادارات و کارخانه‌ها، از آن هنگام برای زنان بی‌حجاب به صورت شکنجه‌ای درآمد. آن‌ها دریافتند که بدنشان به‌طور دائم زیر نگاه‌های مردان مزاحم قرار دارد.

در جامعه‌ای که آزار جنسی و ملامت شیونانی‌زنان (دست‌مالی، نوازش، تعقیب، متلک‌پرانی) به شکل رایجی در خیابان‌ها، اتوبوس‌ها و کارگاه‌ها جریان دارد، زنان بی‌حجاب هیچ اتکالی به قانون و به حمایت مقامات بالاتر نمی‌توانند داشته باشند. از این بدتر آن‌که خود آن‌ها مسئول آزارهایی که می‌بینند می‌بینند شناخته می‌شوند. در چنین اوضاع و احوالی، حجاب برای زنان نوعی حفاظ جسمانی به وجود می‌آورد. یک زن حجاب‌دار به ندرت در ملاءعام در معرض مزاحمت قرار می‌گیرد و اگر هم چنین مزاحمتی برای او پیش‌آید، می‌تواند با صدای بلند، غیرت و احساسات مذهبی مردان پیرامون خود را به مدد بطلید و در این‌که آن‌ها به یاری وی خواهند شافت، تقریباً هیچ شکی وجود ندارد. زینب می‌تواند تا ساعت ۱۱ شب در بیرون بماند و به کارهای سازمانی مشغول باشد، بدون آن‌که پدر و مادرش از او مؤاخذه‌ای بکنند. بدین‌گونه او در جامعه‌ای که حتی مادرپزگها از ترس این‌که همسایگان چه خواهند گفت نمی‌توانند دیر به خانه برگردند، از آزادی عمل محدودی برخوردار است.

لیلا احمد پس از تحقیقی که بر روی ۴۰۰ زن دانش‌جو در دانشگاه قاهره انجام داده به این نتیجه رسیده که بین حجاب و موقعیت اقتصادی خانواده‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد. به این معنی که زنان متعلق به طبقات پایین‌تر برای پذیرفتن حجاب آمادگی بیش‌تری دارند. او حجاب را یک نوآوری اجتماعی تلقی نمی‌کند بلکه آن را نشانه‌ای از تطبیق زنان با طبقه اجتماعی که از آن برخاسته‌اند می‌داند. او ضمن اذعان داشتن به محدودیت‌های وسیعی که با قدرت یافتن بنیادگرایان در بعضی از دولت‌ها برای زنان به وجود آمده، معتقد است که حجاب وسیله‌ی جدیدی است که زنان طبقات پایین در گذار از یک مرحله‌ی انتقالی از آن استفاده می‌کنند. این پژوهنده هم‌چنین یادآوری می‌کند که تعدادی از هدف‌هایی که زنان غیرمذهبی متعلق به طبقات ممتاز مصر به دنبال آن‌ها بودند، مانند ورود به دانشگاه و اشتغال به کار در خارج از خانه اکنون توسط همین زنان اسلام‌گرای طبقات پایین‌تر دنبال می‌شود.

بسیاری از پرسش‌ها در چنین تحلیل‌هایی بی‌جواب می‌مانند. آیا سرکردن حجاب تا چه اندازه به دختران محصل و دانشجویان و زنان شاغل قدرت و اختیار می‌بخشد؟ نظامی که در آن زن همسرش را خود انتخاب می‌کند ولی حق طلاق، حضانت فرزندان، یا تملک در دارایی مشترک خود و همسرش را ندارد؟ جامعه‌ای که در آن زن به دانشگاه می‌رود و رشته‌ی تحصیلی و شغلی خود را انتخاب می‌کند ولی همسرش به‌راحتی می‌تواند از کارکردن او جلوگیری کند؟ برخلاف آن‌چه که بنیادگرایان ادعا می‌کنند پذیرش حجاب به معنای آن است که زن در درجه‌ی اول یک وسیله‌ی ارضاء شهوت جنسی تلقی می‌شود. اگرچه آن‌چنان پوشاندن او چه مفهومی دارد؟ در چنین نظامی آیا یک زن مجبیه چه‌قدر استقلال‌طلبانه و خلاقیت پیدا کند ولی این کار را به هیچ‌وجه مردان موجوداتی بی‌فکری و بی‌اراده تلقی می‌شوند که کوچک‌ترین کنترلی بر خواسته‌های جنسی خود ندارند و مسئولیت جلوگیری از آزار جنسی نه بر مرد بلکه بر زن نهاده می‌شود آیا می‌توان از روابط احترام‌انگیز بین زن و مرد سخن گفت؟ و بالاخره اجتماعی که در آن آزار و کشتن هم‌جنس‌گرایان مطابق قانون رواست آیا هرگز می‌تواند محیطی انسانی و بدون رعب و وحشت باشد؟

در پاسخ به این قبیل نظرات که حجاب را یک نهاد مقاومت تلقی می‌کند باید گفت که هر چند یک زن جوان و مجرد ممکن است با پناه بردن به حجاب موقتاً از آزار جنسی یا برخی دیگر از مسائل که در جوامع امروزی زنان مبتلا به آن‌ها هستند فراتر پیدا کند ولی این کار را به هیچ‌وجه نمی‌توان یک گام جدی در رفع واقعی این مسائل و مشکلات دانست. در این سال‌های پایانی قرن بیستم آزادی زن به معنای اختیار او بر جسم و اندیشه خویش، پایان دادن به سنت‌هایی که انتخاب زنان را محدود می‌کند و توانایی برگزینش شیوه‌های جایگزینی دیگر برای زندگی است. تا هنگامی که به زن، به خاطر ویژگی‌های جسمانی او به عنوان موجودی پایین‌تر از «مرد» نگریسته می‌شود، نمی‌توان از آزادی زنان سخن گفت.

خانواده‌ها هرچه بیش‌تر می‌افزاید. در این شرایط پیام بنیادگرایان که به نمادی بالاتر از روسای موسسات و شرکت‌ها یعنی پیام‌بران و به پروردگار متوسل می‌شوند، به‌ویژه در میان زنانی که در بازار کار سرمایه‌داری مشاغل پایینی دارند و بار مسئولیت مراقبت از کودکان و سالمندان را نیز به‌دوش می‌کشند.

دنیز کاندیوتی، Deniz Kandiyoti، آهیوا اونگ Ahiva Ong، اریکا فریدل Erika Friedl، مری هگلند Mary Hegland، دانش‌مندان مردم‌شناس و سینیاتولو Cynthia Entloc، پژوهش‌گر علوم سیاسی، در مطالعاتی که هر یک در رشته‌های تخصصی خود انجام داده‌اند بر این نکته تأکید می‌ورزند که جابه‌جا شدن نقش زن و مرد آثار مختل کننده‌ای در جوامع در حال پیش‌رفت داشته و به‌ویژه موجب دگرگونی‌هایی در خانواده‌های مناطق خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی شده است. آن‌ها چنین اظهارنظر می‌کنند که بازگشت به یک فرهنگ سنتی‌تر و احیای نظام به ظاهر مطمئن پدرسالاری گذشته، ممکن است با اقبال روز افزون زنان و مردان در این مناطق مواجه شود.

۳- حجاب به عنوان یک وسیله‌ی قدرت جویی

گروه سوم از پژوهش‌گران فمینیست چنین استدلال کرده‌اند که تنها انگیزه‌ی زنانی که به جنبش‌های بنیادگرا

کشورهای تولیدکننده نفت مانند ایران و عربستان سعودی و بعضی حامیان ثروت‌مند، کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای در اختیار نهادهای بنیادگرا می‌گذارند. این نهادها پیام‌های سیاسی خود را ضمن ارائه خدمات اجتماعی به گوش زنان می‌رسانند. هدفی که در این پیام‌ها دنبال می‌شود، مقابله با دیدگاه‌های تجدیدطلبانه‌ی غربی است.

برخلاف آن‌چه که بنیادگرایان ادعا می‌کنند پذیرش حجاب به معنای آن است که زن در درجه‌ی اول یک وسیله‌ی ارضاء شهوت جنسی تلقی می‌شود، اگرچه آن‌چنان پوشاندن او چه مفهومی دارد؟

می‌پویندند مزایای اقتصادی حاصل از این کار و یا پیام‌های این جنبش‌ها به‌طورفداری از کانون خانواده نیست، بلکه قدرت سیاسی و اختیاراتی که آنان به این وسیله کسب می‌کنند نیز در این حرکت مؤثر است. دختری از یک طبقه پایین‌تر از متوسط با به سرکردن چادر ممکن است پاره‌ای از آزادی‌های فردی خود را از دست بدهد ولی در برابر آن، راه دست‌یابی به مکان‌های عمومی و کار و اشتغال بر روش گنوده می‌شود و به صورت عضوی مقتدر و ارزشمند در یک سازمان سیاسی در می‌آید که تبلیغ افکار اسلام‌گرایان را هدف خود قرار داده است. حجاب با ممکن است محدودیت‌هایی برای او ایجاد کند ولی در عین حال متضمن مزایایی هم هست که از آن جمله می‌توان به راحت شدن از آزارهای جنسی، به دست آوردن حق ادامه تحصیل از اولیای خود، حتی تا مرحله ورود به دانشگاه، اشتغال خارج از منزل، معاشرت با هم مسلمانان و امکان انتخاب همسر آینده خود در میان آن‌ها، به جای گردن نیاوردن به انتخاب خانواده در این مورد اشاره کرد. در پناه حجاب او خود به یکی از پاس‌داران اخلاقیات در معابر و مکان‌های عمومی تبدیل می‌شود و می‌تواند زنان متعلق به طبقات بالا را به بیانه‌ی بدحجابی توقیف کند و مورد آزار قرار دهد. مردم به این ترتیب به‌سختی از قدرت او حساب خواهند برد. لاما ابوعوده Bouthaina Lama و بوتیناشعبان Shaaban Bouthaina دو زن فمینیست، از اردن و سوریه، در این زمینه مطالعات و تحقیقات جالب توجهی در احوال زنان خاورمیانه و برخی از کشورهای شمال آفریقا مانند الجزایر انجام داده‌اند.

آیه‌وانگ Aihwa Ong پیرامون علل جذب بسیاری از زنان طبقه متوسط مالزی به جنبش اسلام‌گرای این کشور تحقیق می‌کند. بنا بر استدلالی که از طرف وی ارائه می‌شود، جریان تجدد، تا آن‌جا که موضوع به زنان مربوط می‌شود تأثیر بیانیسی داشته است. این جریان از یک‌سو برای زنان آزادی اقتصادی و شخصی بیش‌تری به ارمغان آورده است. برای آنان اشتغال هم‌راه با دست‌مزد، پول خرجی، و قدرتی که با آن ملازمه دارد را تأمین کرده است اما از سوی دیگر سبب شده است که مردان به تعهدات مرسوم در قبال خانواده پشت پا بزنند. با توجه به بی‌ثباتی نهفته در ذات اقتصاد سرمایه‌داری و تداوم استثمار غرب، هم‌راه با رکودهای اقتصادی دو دهه گذشته که به‌ویژه بر بسیاری از کشورهای جهان سوم تأثیر بسیار ناگوار داشته است زنان (که سابقه کار کم‌تری دارند) غالباً در مشاغل کم درآمد مشغول به کار می‌شوند و در عین حال از حمایت سنتی خانواده‌های پر وسعت و جامعه نیز محرومند. اونگ در این زمینه می‌نویسد: «کم‌بود زمین، شیوع مزدبگیری نزد زنان و جدا شدن از قیود مذهب، در بسیاری از موارد از احساس تعهد معمول و مرسوم مردان در حمایت از خانواده‌های خود کاسته است». همان‌گونه که سنتینا آتلو استدلال می‌کند، هیچ مسلم نیست که به عهده گرفتن یک نقش انتقال دهنده و پیش‌گام فرهنگی و یا پشت کردن به حمایت مردان، امنیت روزم‌روی زنان را بهبود بخشد و از زحمات و دردهای آن‌ها بکاهد. در چنین وضعی بازگشت به ارزش‌های سنتی و مذهبی ممکن است برای زنان پرکار خانه‌دار، زنان کارگر و مادرانی که امیدوارند شوهران‌شان و یا جامعه سهم بیش‌تری در کاستن از بارهایی که به دوش آن‌ها نهاده شده به عهده گیرند، جاذبه بیش‌تری پیدا کند. این‌گونه زنان به احتمال زیاد برای دریافت کمک به بنیادهای مذهبی و شبکه‌های مددکاری اجتماعی روی می‌آورند. این نهادها نقشی را که به‌طور مرسوم در ایران گروهای پندر ساله آیفنا می‌شود به عهده دارند. آن‌ها هم‌چنین به عنوان مشاوران خانوادگی عمل می‌کنند و زنان را به اطاعت بیش‌تری از شوهران خود فرا می‌خوانند و در همان حال از مردان نیز

رقابت شدید برای ورود به دانشگاه‌ها و خدمات دولتی بر طبقات متوسط تأثیر گذاشت و دولت‌های منطقه چه در مصر تحت رهبری انورسادات و چه در ایران زیر هدایت محمدرضا شاه پهلوی، برای تسکین بخشیدن به خشم نسل جوان و هم‌چنین متزلزل ساختن پایگاه گروه‌های چپ‌گرا و مارکسیست نه تنها به گروه‌های اسلامی اجازه‌ی فعالیت دادند بلکه گاه فعالیت آن‌ها را تشویق هم کردند.

فاطمه مرینی Mernissy توجه خود را بر مسائل اقتصادی و سیاسی که به رشد بنیادگرایی در شمال آفریقا مدد رسانده متمرکز ساخته است. او گسترش بنیادگرایی را طی دو قرن اخیر حاصل ناکامی‌های سیاسی و اقتصادی حکومت‌های غیرمذهبی و اقتدارگرایی بعد از رفع استثمار می‌داند. این حکومت‌ها همه‌گی در محدوده‌ی قوانین و ضوابط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی فعالیت می‌کنند و بر وفق منافع قدرت‌های امپریالیستی گام بر می‌دارند.

افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده و شاغل، رقابت شدیدی را میان زن و مرد دامن زده است. زنان به سبب استقلال مالی اکنون از قدرت بیش‌تری در خانواده‌ها برخوردارند. آن‌ها ازدواج خود را تا سنین بیست و بالاتر از آن به تعویق می‌اندازند و اختیار بیش‌تری در مسائل مانند باردار شدن اعمال می‌کنند. تعداد طلاق‌ها افزایش یافته است. همه این عوامل موجب یک دگرگونی عمیق در روابط

کشورهای تولیدکننده نفت مانند ایران و عربستان سعودی و بعضی حامیان ثروت‌مند، کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای در اختیار نهادهای بنیادگرا می‌گذارند. این نهادها پیام‌های سیاسی خود را ضمن ارائه خدمات اجتماعی به گوش زنان می‌رسانند. هدفی که در این پیام‌ها دنبال می‌شود، مقابله با دیدگاه‌های تجدیدطلبانه‌ی غربی است.

زن و مرد شده است. مشکلات اقتصادی مانند بی‌کاری به تنش‌های موجود در جوامع شمال آفریقا شدت بخشیده و وضع انفجارآمیزی به وجود آورده است. مردانی که هویت پیشین خود را به عنوان رئیس خانواده و پدرسالار از دست داده‌اند، به‌ویژه پیام سیاست‌مداران مذهبی و روحانیون مسلمان را پر جاذبه می‌یابند. مرینی از حجاب نه به‌عنوان «یک تکه پارچه» بلکه به منزله‌ی «موهبتی آسمانی» برای سیاست‌مداران دست به گریبان با بحران یاد می‌کند و می‌نویسد «هر کشور اسلامی می‌تواند با توسل به شریعت، به معنای سنت‌های استبدادی دوران خلفا، تعداد بی‌کاران خود را به نصف تقلیل دهد». به اعتقاد او بنیادگرایی را نباید به حرکات یک مشت عناصر اخلاک‌گر که در خیابان‌ها دست به تظاهرات می‌زنند محدود ساخت بلکه باید آن را در چهارچوب مسائل منطقه‌ای و اقتصاد جهانی و در ارتباط با ثروت نفت و نظم نوین جهانی که غرب ارائه کننده آن است مورد بررسی قرارداد.

ساندرا هیل Sandra Hale در تحقیق خود پیرامون جبهه ملی اسلامی (که واقعیت قدرت را پشت سر دولت نظامی سوردان در دست دارد) تحلیل مشابهی به‌دست می‌دهد. به نوشته‌ی وی اصرار دولت سوردان در خانه‌نشین کردن زنان و محدود ساختن نقش آن‌ها به مراقبت از شوهران و فرزندان، کوششی در جهت خارج کردن زنان از بازار کار و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردان طبقات پایین‌تر از متوسط، کارمندان دولت، و مدرّسین دانشگاه‌ها، در حوزه‌هایی است که زنان در آن‌ها به پیشرفت‌های چشم‌گیری نائل شده‌اند. مزایای اقتصادی مذهبی بودن چندین نویسنده دیگر نیز به فرصت و مزایای اقتصادی که توسط نهادهای بنیادگرا برای معتقدان به مذهب فراهم می‌آید و به مدد آن زنان کم‌درآمد و اعضای خانواده آن‌ها به این نهادها جلب می‌شوند اشاره کرده‌اند. کشورهای تولیدکننده نفت مانند ایران و عربستان سعودی و بعضی حامیان ثروت‌مند، کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای در اختیار این نهادها می‌گذارند. این نهادها پیام‌های سیاسی خود را ضمن ارائه خدمات اجتماعی به گوش زنان می‌رسانند. هدفی که در این پیام‌ها دنبال می‌شود، مقابله با دیدگاه‌های تجدیدطلبانه‌ی غربی است. برخی نظرگاه‌های فمینیستی بانتیجه‌گیری‌های متفاوت به این زنان ارائه می‌شود. به عنوان مثال فمینیست‌های غربی کار زن را در خانه به عنوان یک خدمت بی‌مزد توصیف می‌کنند. بنیادگرایان همین نظر را تأیید می‌کنند ولی نتیجه می‌گیرند که زنان با کار در خانه سهم خود را به اجتماع می‌پردازند و دیگر نیازی به کار کردن آن‌ها در خارج از خانه وجود ندارد. بنیادگرایان علاوه بر ارائه خدمات اجتماعی، برخی از کالاهای مورد نیاز مانند غذا و لباس را به قیمت نازل عرضه می‌کنند و هم‌چنین برنامه‌های منظم آموزشی، مشتمل بر تعلیمات دینی و جلسات تدریس بعد از مدرسه ترتیب می‌دهند.

۲- توجیه فرهنگی: تجدد و خانواده

بحث دیگری که در نوشته‌های فمینیست‌ها در زمینه بنیادگرایی مطرح است، نقش زنان در این‌گونه جنبش‌هاست. به عقیده جولی ایگرسول Julie Igersol و هلن‌هارداکر Helen Hardaker علت اصلی جذب زنان به سازمان‌های بنیادگرا، اولویتی است که این سازمان‌ها برای خانواده و موضوع تربیت فرزندان به زنان و مردان توصیه می‌کنند. توسعه‌ی اقتصاد سرمایه‌داری مستلزم کار تمام وقت زن و مرد است. این وضع سبب شده که مراقبت از کودکان سخت دست‌خوش غفلت قرار گیرد. در این نظام، از دست دادن مداوم اشتغال و جابه‌جا شدن‌های متعدد، به اختلالات درون

خانم دکتر ژانت آفاری عضو هیئت عملی دانشگاه پوردو در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. از این تاریخ‌شناس ایرانی کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» اخیراً به فارسی ترجمه شده است. وی در مقاله زیر که از نشریه «مه‌گران» برگرفته و تلخیص شده، علل روی‌آوری زنان در کشورهای اسلامی را به بنیادگرایی اسلامی مورد بررسی قرار داده است.

با بررسی طرز تفکر و جهان‌بینی جنبش‌های بنیادگرا در زمینه جنسیت، این نتیجه به‌دست می‌آید که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای، همانندی‌های چشم‌گیری در طرز تلقی این جنبش‌ها از مسئله جنسیت وجود دارد. در برنامه این جنبش‌ها آن‌چه که با جنسیت ارتباط پیدا می‌کند جنبه‌ی فرعی و حاشیه‌ای ندارد. در این مقوله، نقطه‌ی قوت بنیادگرایی در ایجاد این توهم نهفته است که بازگشت به مناسبات سنتی، تنها پاسخ به دشواری‌هایی است که امروز، در عصر سلطه‌ی سرمایه‌دای، گریبان‌گیر جوامع غربی و غیرغربی است. شماری از فمینیست‌ها کوشیده‌اند تا عامل جاذبه‌ای را که بنیادگرایی برای طبقات متوسط و پایین‌تر از متوسط در جوامع مسلمان خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب شرقی آسیا پیدا کرده‌است تشریح کنند. باوجود تنوع منطقه‌ای در مطالعات انجام شده، این مطالعات را می‌توان در سه گروه طبقه بندی کرد: نخست مطالعاتی که در آن‌ها مسائل اقتصادی و سیاسی مؤثر در اوج گرفتن جنبش‌های بنیادگرا در کانون توجه قرار دارند. دوم پژوهش‌هایی که به بررسی آثار مختل‌کننده تجدد در خانواده‌ها اختصاص دارند و سوم مطالعاتی که نشان می‌دهند سازمان‌های مبارز جدی اسلامی در بعضی زمینه‌ها به زنان دانشجو و نیز زنان صاحب حرفه و تخصص معدود قدرت‌هایی بخشیده‌اند، اگرچه در زمینه‌های دیگر آنان را محدودتر ساخته‌اند. با تحلیل انتقادی این سه طرز برخورد، می‌توان به یک توضیح کلی و مستدل در باره‌ی علل جذب مردان و زنان به چنان جهان‌بینی‌های تحکم‌آمیزی رسید.

نبرد بر سر اصلاحات

پژوهش‌گران مسائل خاورمیانه و موضوعات مربوط به مذهب، بر سر این‌که اطلاق اصطلاح «بنیادگرا» و «اسلام‌گرا» به تعدادی از جنبش‌های سیاسی و فرهنگی در خاورمیانه، شمال آفریقا و بخش‌هایی از جنوب شرقی آسیا تا چه حد درست است با یک‌دیگر اختلاف نظر دارند. برخی مانند مارتین‌تی. مارتی Martin E. Marty و آر. اسکات اپلپی R. Skott Appleby به اصطلاح بنیادگرایی دامنه‌ای نوآگرمی می‌دهند و آن‌را نه تنها در محدوده‌ی خاورمیانه بلکه در یک بعد جهانی در نظر می‌گیرند و جهان‌بینی‌های مشابه را در آئین‌های مسیحی، یهودی، هندو، بودایی و کنفوسیوسی نیز مشمول آن می‌کنند. در باور اینان بنیادگرایی پدیده‌ای است که در سال‌های پایانی قرن بیستم به عنوان پاسخی در برابر رنگ باختن هویت‌ها در جهان متجدد و غیرمذهبی ظهور کرده‌است. این جهان‌بینی پیکارگر، پیشرفت‌ها و نوآوری‌های غرب را می‌پذیرد ولی بسیاری از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه نوین امروز را (خصوصاً در ارتباط با خانواده) رد می‌کند. بنیادگرایان برای احیای یک دنیای آرمانی و تخیلی که گویا در گذشته دور وجود داشته مبارزه می‌کنند. اما در عین حال این گذشته را به دل‌خواه و تصور خود بازسازی و ارائه می‌کنند. بنیادگرایان خود را مجری اراده‌ی خداوند می‌دانند و تاب تحمل دگراندیشی را، چه در درون و چه در بیرون جامعه‌ی مومنان ندارند.

دیگران چون جان اسپوزیتو John Esposito و ادوارد سعید بی‌تامل بر کاربرد بنیادگرایی خرده می‌گیرند. به اعتقاد سعید، غرب از طریق مترادف ساختن «بنیادگرایی» با «تروریسم» می‌خواهد مدعی «اعتدال و عقل‌گرایی» شود و تعقل و اعتدال را به عنوان ویژگی‌های اخلاقی غربی جا بزند. با این حال هر دو گروه در این نکته اتفاق نظر دارند که وجود گونه‌گونه‌ی چشم‌گیر سیاسی و فرهنگی، اسلام‌گرایان یا بنیادگرایان همه‌گی خواستار بازگشت به موازین سنتی‌تر برای زنان، تأکید بر نقش زنان در امر تولد و تناسل، رعایت آداب حجاب توسط آنان و گردن نهادنشان به ارزش‌های مردسالارانه هستند.

نوشته‌های فمینیستی

در ریشه‌یابی بنیادگرایی

با تأثیرگذاری روزافزون استدلال‌های محافظه‌کارانه‌ی اسلامی بر بحث‌های سیاسی در خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب شرقی آسیا شماری از اندیش‌مندان و نویسندگان فمینیست، با هدف پی‌بردن به علل رشد بنیادگرایی، به بررسی تضادهای موجود در جوامع این مناطق برخاسته‌اند. این بررسی‌ها را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد.

۱- توجیه سیاسی و اقتصادی

والستین مقدم، جامعه‌شناس ایرانی یکی از پژوهش‌گرانی است که دگرگونی‌های سریع اقتصادی را بعد از جنگ دوم جهانی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تحت نظارت دولت‌های غیر مذهبی و اقتدارطلب مورد مطالعه قرار داده است. وی پس از اشاره به تغییر بافت جمعیتی منطقه به دنبال پیش‌رفت‌های بهداشتی و جوان شدن روز افزون نفوس آن، بحران نفتی دهه ۱۹۷۰، افزایش بی‌کاری و وسیع‌تر شدن شکاف میان طبقات بالا و طبقات متوسط و پایین‌تر از متوسط را پیش می‌کشد. به اعتقاد وی این وضع به یک بحران مشروعیت سیاسی دامن زد و سبب شد تا حکومت‌های غیر مذهبی به خاطر فساد، سرسپردگی در برابر قدرت‌های غربی و به‌ویژه رواج آن‌چه که به ارزش‌ها و نهادهای تجدیدگرای غیراخلاقی تعبیر می‌شود. در معرض حمله قرار گیرند. گسترش آموزش در میان زنان و ورود آنان به بازار کار هم بر دامنه‌ی نزاع بر سر موضوع اخیر افزود.

بنیان‌گذاران جنبش فدائیان خلق (گروه ۲)

گروه پیشاهنگ احمدزاده - پویان - مفتاحی بخش پایانی

۲۷ سال پیش سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از به هم پیوستن دو گروه تشکیل شد: گروه جزئی - ظریفی (گروه جزئی) و گروه احمدزاده - پویان - مفتاحی (گروه احمدزاده - پویان). در سازمان این دو گروه به ترتیب به نام‌های گروه ۱ و گروه ۲ نیز شناخته شده‌اند.

به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان بر آن شدیم که به گروه دو بنیان‌گذار سازمان، به گروه احمدزاده - پویان - مفتاحی بپردازیم. جامع‌ترین نوشته در باره این گروه هنوز نیز آن است که رهبر چنان‌باخته سازمان، فدایی خلق بیژن جزئی در «تاریخچه چریک‌های فدائی خلق» در باره این گروه نوشته است. آن چه در زیر می‌آید، بخش سوم و پایانی خلاصه و برگرفته‌ای از این نوشته است.

رفیق بیژن، خود در مقدمه این نوشته گفته است «به دلیل نداشتن دسترسی به کلیه وقایعی که می‌توانند در تدوین این تاریخچه صاحب‌نظر باشند، این نوشته خالی از نارسایی نخواهد بود.»

حمله به کلاتری ۵ تیریز؛ هسته مرکزی شاخه تبریز رأساً

تصمیم گرفت مسلسل یوزی پاسدار جلوگیلاتری ۵ تبریز را مصادره کند. هدف این عمل در درجه نخست تهی‌ساختن بود. طراحان عملیات اصرار داشتند که حتی‌المقدور در این عمل کسی کشته نشود، به همین دلیل چکش مخصوصی برای وارد آوردن ضربه بر سر پاسبان ساخته شده بود. فرماندهی این عملیات بر عهده مناف فلکی بود.

اولین مسئله غیر قابل توجه در این عملیات انتخاب سه تن از سمپازان‌های گروه برای اجرای طرح بود. عرب هریسی، تقی‌زاده و اردبیل‌چی هنوز به عضویت رسمی گروه در نیامده بودند و هیچ گونه سابقه عملیات نظامی و تجربه چریکی نیز نداشتند. شاخه تبریز عناصر باتجرب‌تر و مطمئن‌تری در اختیار داشت.

در روز چهاردهم بهمن ۴۹ عملیات انجام گرفت. اردبیل‌چی از چکش یاد شده استفاده کرد، ولی پیش‌بینی درست در نیامد و پاسبان بی‌پوش بود. در این هنگام تقی‌زاده مسلح از او دست پاسبان بیرون می‌کشید و می‌گریزد. پاسبان او را دنبال می‌کند. مناف با شلیک گلوله‌ای پاسبان را مجروح کرده، از تعقیب بازمی‌دارد. مناف به سرعت مسلسل را به پهلوی دهقانی که با تقی افشانی در نزدیکی محل متوقف بودند، رساند. سپس متوجه موقعیت خطرناک بقیه رفقای خود شد. اردبیل‌چی از دیگران جدا مانده بود و پاسبانی او را دنبال کرده و به او دست یافته بود. اردبیل‌چی با این که مسلح بود، به اسارت پلیس گشت درآمده بود. مناف مسیر رفته را بازگشت و به پلیس را که بالای سر اردبیل‌چی ایستاده بودند، با گلوله زد. پلیس کشته شد و اردبیل‌چی به کمک مناف از مهلکه فرار کرد.

پس از این عملیات اردبیل‌چی که سمپازان مناف بود، روحیه خود را از دست داد و از هم‌کاری با گروه خودداری کرد. با این حال او نیز در سال ۵۰ بازداشت شد و به شهادت رسید.

اگر این عملیات برای اردبیل‌چی عامل بازدارنده‌ای بود، برای عرب هریسی و محمد تقی‌زاده ارتقا دهنده بود. این دو رفیق از این پس به شدت رشد کردند و به خصوص عرب هریسی چهره درخشانی در گروه شد.

قوت و ضعف‌های عمده این حرکت به شرح زیر بود:

الف) تصمیم مستقل هسته تبریز بدون توجه جدی به موقعیت کلی گروه خطرناک بود. این تصمیم می‌توانست به قیمت نابودی گروه کاً آمادگی مقابله با تهاجم پلیس را نداشت. تمام شود.

ب) انتخاب سمپازان‌ها نادرست بود و با ضوابط گروه سیاسی - نظامی و تجارب مبارزاتی مغایرت داشت.

ج) اصرار در به کار بردن چکش دلیل بر عدم درک اصولی مبارزه چریکی و حل نشدن مسئله مرگ برای گروه بود.

د) قاطعیت مناف در حمله به گارکلاتری و بازگشتن و کشتن پاسبان گشت و نجات دادن اردبیل‌چی چشمگیر و قابل ستایش بود. مسلسل مصادره شده به تهران تحویل داده شد. این عمل به سهم خود در بالا بردن روحیه نظامی گروه موثر بود.

حمله به کلاتری قلهک در فروردین سال ۵۰؛ پس از

رستاخیز سیاهکل و اعدام سیزده تن چریک‌های کوه و شهر در ۲۶ اسفندماه ۴۹، هسته مرکزی تصمیم گرفت برای تقویت ادامه عملیات چریکی و خشتی کردن اثر این اعدام دسته‌جمعی در روحیه مردم، ضربه‌ای به رژیم وارد آورد. حمله به کلاتری قلهک و مصادره مسلسل گارد جلوی جبهه‌کلاتری مورد تصویب هسته مرکزی قرار گرفت.

برای عملیات یک تیم پنج نفری انتخاب شد. فرماندهی عملیات بر عهده مسعود احمدزاده گذاشته شد. بقیه اعضای تیم عبارت بودند از: مناف فلکی، مجید احمدزاده، حسن نوروزی و علی سلماسی‌نژاد. تیم بهلاخ کمری و چند کوکتل مولوتف مجهز بود. در این موقع مسئله مرگ و کشتن و کشته دادن برای گروه حل شده بود. صبح زود روز ۱۴ فروردین طرح به اجرا گذاشته شد. گارکلاتری بلافاصله کشته و بر پرتاب چند کوکتل حیاط و دکلاتری به آتش کشیده شد. فرمانده تیم در میان آتش شلیک می‌کرد تا مانع حرکت ماموران دیگر شود. عملیات که با ساعت تغییر پست‌ها مقارن شده بود، با بازگشت عده‌ای پلیس از سر پست به خطر افتاده بود، ولی پلیس‌ها روحیه خود را باخته و از ترس فلج شده، دخالتی در عملیات نکردند.

در جریان عملیات یکی از رفقا از داخل اتومبیل شلیک کرد که موجب خرد شدن شیشه جلوی اتومبیل شده، دست مناف فلکی نیز در اثر تماس گلوله یکی از رفقا زخمی شد. بر اثر ریختن خون دست مناف در اتومبیل، پلیس تصور کرد کسی مجروح شده است و به همین دلیل مراکز درمانی و پزشکی را کنترل کرد. یکی دو نفر از رفقای که می‌بایست از مواضع خود عملیات را پاسداری کنند، پست خود را ترک کرده، در عملیات دخالت کردند. عملیات با موفقیت انجام شد.

با توجه به نقش مناف در جریاگیلاتری تبریز، او انتظار داشت فرماندهی این عملیات به او واگذار شود و از این نظر ناراحت شده بود. این خصومت مناف به طور جدی مورد انتقاد قرار گرفت. فدایی که گروه از این عمل داشت، به خوبی برآورد شد. رژیم که

کار چریک‌ها را خاتمه باقتضای کرده بود، بلغامیه‌هایی که پس از این واقعه و پس از اعدام فریسو منتشر کرد، خود ادامه جنبش مسلحانه را تایید کرد. این آخرین و مهم‌ترین عمل گروه پیش از تشکیل چریک‌های فدایی خلق بود.

برخورد با پلیس و بازداشت‌ها

اعضای موثر گروه در دوره قبل از تشکیل گروه به ندرت با پلیس برخوردی داشتند. در دوره اول گروه با پلیس برخوردی پیدا نکرد. این مسئله باعث شد که به پلیس و امکانات او کم بها داده شود.

سیستم سیاسی - نظامی در گروه پیدا نشده بود و اصول پنهان‌کاری سیاسی - نظامی، یعنی حیرق‌های شدن کادرها، تهیه خانه‌های امن، استفاده از کوپل در تماس‌ها، شناسایی و تعقیب و عملیات ضدتعقیب به کار برده نمی‌شد. اغلب افراد یک‌دیگر را با نام واقعی می‌شناختند. به این ترتیب گروه قادر نبود تهاجم همه‌جانبه پلیس را دفع کند. این که گروه طی سال‌های ۴۶ تا ۹ با پلیس برخوردی نداشت، عمدتاً به خاطر این بود که فعالیت آن محدود به درون گروه بود.

اولین برخورد گروه با پلیس پس از مصادره بانک ونک، جریان لو رفتن احمد فرهودی بود. فرهودی با مخفی شدن در خانه و سپس اعزام او به جنگل تا قبل از اسارت، به دست پلیس نیفتاد. از سوی دیگر باید توجه داشت که پلیس در زمستان سال ۴۹ با ردهایی که از گروه یک به دست آورده بود، تصور می‌کرد که مصادره بانک ونک و عملیات دیگر مربوط به گروه یک است. این تصور پلیس با اسیر شدن فرهودی در تیم جنگل مسلح شده بود. این خود وسیله‌ای شد برای مصونیت موثق گروه در از تعقیب و تهاجم پلیس.

ب) جنبش مسلحانه طی سال‌های ۴۶ تا ۴۹ در منطقه رشد یافته بود و روی جریان‌های داخلی اثر زیادی می‌گذاشت. این جنبش‌ها به جنبش‌های انقلابی مسلح دیگر بخش‌های جهان، مثل ویتنام و آمریکای لاتین اضافه شده و به نحو ملموس‌تری در ایران انعکاس می‌یافت. در حقیقت این دو عامل یعنی سیر جنبش در داخل و خصصت قهرآمیز جنبش‌های منطقه و جهان، زمینه رشت‌سماایلات مسلحانه در گروه‌های مخفی مبارز بود.

ب) جنبش مسلحانه طی سال‌های ۴۶ تا ۴۹ در منطقه رشد یافته بود و روی جریان‌های داخلی اثر زیادی می‌گذاشت. این جنبش‌ها به جنبش‌های انقلابی مسلح دیگر بخش‌های جهان، مثل ویتنام و آمریکای لاتین اضافه شده و به نحو ملموس‌تری در ایران انعکاس می‌یافت. در حقیقت این دو عامل یعنی سیر جنبش در داخل و خصصت قهرآمیز جنبش‌های منطقه و جهان، زمینه رشت‌سماایلات مسلحانه در گروه‌های مخفی مبارز بود.

ج) گروه و اعضای موثر آن دارای سوابق کار در جریان‌های قبلی جنبش کارگری و وابستگی رسمی به سازمان‌های جنبش‌های ردهایی پیش نبودند. فقدان این سوابق دارای دو جنبه مثبت و منفی است. جنبه منفی آن عدم دسترسی مستقیم به تجارب ایدئولوژیک و پراتیک مبارزات گذشته است. گرچه این تجارب در سطح کل جنبش اثر گذاشته، ولی تماس ملموس داشتن با این پرسوسه‌ها به تداوم مبارزه کمک می‌کنند. این کمبود در برنامه گروه در دوره اول (۴۶ تا ۴۸) نمود می‌یابد. تجارب مستقیم جنبش کارگری و جنبش ردهایی‌بخش مغایر چنان آغازی برای گروه در اواخر سال ۴۶ بود. نمود دیگر این پدیده در کم بها دادن به تحلیل مبارزات گذشته ظهور می‌کند. گروه امکان جدی برای تحلیل سه دهه گذشته خود را نداشت. این کمبود در برابر توجه گروه به آنازقلابی خارجی محسوس‌تر می‌گردد.

با این حال نباید روی این جنبه منفی زیاد تاکید کرد، چرا که بر چند دوره از جنبش کارگری ایدئولوژیک غلبه داشته و بدآموزی‌ها و انحراف‌های ناشی از تسلط طولانی ایدئولوژیک در گروه‌ها و جریان‌هایی که از گذشته متشا گرفته‌اند، مبارزه جدی و پی‌گیر در درون گروه را ایجاد می‌کرد.

جنبه مثبت نداشتن وابستگی به گذشته این بود که اولاً گروه ناچار نبود پیشگسکلات و موانع فردی و جمعی ناشی از این بدآموزی‌ها مبارزه کند، ثانیاً گروه میراث این مبارزات را مستقیماً نبرده و بار اشتباه‌های گذشته را بر دوش نداشت. ثالثاً جوانی گروه به آن تحرک و فعالیت لازم را برای کسب تجربه در مدتی کوتاه و جسارت لازم را برای برخورد جدی با رسالت خود بخشیده بود.

د) حالت مخفی گروه، مناسبات آزاد با یک‌دیگر و رابطه دائمی هسته مرکزی با توده گروه به نوبه خود عاملی بود که در رشد فکری گروه موثر بود. در گروه از تمام استعدادها در جهت شناخت شرایط و تعیین مشن استفاده شد.

عوامل باعث شد گروه به خصلت‌های محوری زیر دست یابند:

یک) گروه از رشد کمری برخوردار شد. طی سه سال از یک محفل به یک گروه مبارز مارکسیست - لنینیست مبدل شد. در این مدت گروه دچار گدگمانی نشد.

برخورد گروه با مسائل ایدئولوژیک جدی، قاطع و توأم با خلاقیت پویشمالات پروچینی برای گروه تبدیل به دگم نشد و نتیجه‌گیری‌های نادرست در زمینه مشی به سرعت جای خود را به برداشت‌خلاق از شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه و موقعیت جنبش داد. رشد کمی و کیفی گروه و خلاقیت آن در زمینه مسائل تئوریک در چنین مدت کوتاهی از ویژگی‌های چشم‌گیر گروه است.

دو) ویژگی عمده دیگر گروه صدانقلابی آن است. افراد موثر و رهبران گروه به آن چه می‌گفتند، به راستی معتقد بودند و به به منزله راهنمای پراتیک بود. گروه تا آن جاکه تجربه و توانایی داشت به کار می‌پرداخت. تئوری هیچ‌گاه در گروه برای توجیه بی‌عملی و سرپوشی برای چسبیدن به خصلت‌های خودبهوروزی و زندگی عادی نبود.

کمبودها و نارسایی‌های عمده گروه عبارت بودند از:

الف) علیرغم پیش‌رفت سریع در مسائل تئوریک و دست یافتن به «برداشت‌های اصولی از ایدئولوژی طبقه کارگر»، گروه در این مدت کوتاه فرصت کافی برای تربیت ایدئولوژیک افراد خود پیدا نکرد. تربیت ایدئولوژیک حاصل پرسوسه طولانی مبارزه است. آموزش تئوریک تنها بخشی از این تربیت را تشکیل می‌دهد. کمبود پراتیک در بخش عمده حیات گروه (۴۶ تا ۴۸) و به طور کلی کوتاه بود.

سیستم سیاسی - نظامی در گروه پیدا نشده بود و اصول پنهان‌کاری سیاسی - نظامی، یعنی حیرق‌های شدن کادرها، تهیه خانه‌های امن، استفاده از کوپل در تماس‌ها، شناسایی و تعقیب و عملیات ضدتعقیب به کار برده نمی‌شد. اغلب افراد یک‌دیگر را با نام واقعی می‌شناختند. به این ترتیب گروه قادر نبود تهاجم همه‌جانبه پلیس را دفع کند. این که گروه طی سال‌های ۴۶ تا ۹ با پلیس برخوردی نداشت، عمدتاً به خاطر این بود که فعالیت آن محدود به درون گروه بود.

اولین برخورد گروه با پلیس پس از مصادره بانک ونک، جریان لو رفتن احمد فرهودی بود. فرهودی با مخفی شدن در خانه و سپس اعزام او به جنگل تا قبل از اسارت، به دست پلیس نیفتاد. از سوی دیگر باید توجه داشت که پلیس در زمستان سال ۴۹ با ردهایی که از گروه یک به دست آورده بود، تصور می‌کرد که مصادره بانک ونک و عملیات دیگر مربوط به گروه یک است. این تصور پلیس با اسیر شدن فرهودی در تیم جنگل مسلح شده بود. این خود وسیله‌ای شد برای مصونیت موثق گروه در از تعقیب و تهاجم پلیس.

ب) جنبش مسلحانه طی سال‌های ۴۶ تا ۴۹ در منطقه رشد یافته بود و روی جریان‌های داخلی اثر زیادی می‌گذاشت. این جنبش‌ها به جنبش‌های انقلابی مسلح دیگر بخش‌های جهان، مثل ویتنام و آمریکای لاتین اضافه شده و به نحو ملموس‌تری در ایران انعکاس می‌یافت. در حقیقت این دو عامل یعنی سیر جنبش در داخل و خصصت قهرآمیز جنبش‌های منطقه و جهان، زمینه رشت‌سماایلات مسلحانه در گروه‌های مخفی مبارز بود.

ب) جنبش مسلحانه طی سال‌های ۴۶ تا ۴۹ در منطقه رشد یافته بود و روی جریان‌های داخلی اثر زیادی می‌گذاشت. این جنبش‌ها به جنبش‌های انقلابی مسلح دیگر بخش‌های جهان، مثل ویتنام و آمریکای لاتین اضافه شده و به نحو ملموس‌تری در ایران انعکاس می‌یافت. در حقیقت این دو عامل یعنی سیر جنبش در داخل و خصصت قهرآمیز جنبش‌های منطقه و جهان، زمینه رشت‌سماایلات مسلحانه در گروه‌های مخفی مبارز بود.

ج) گروه و اعضای موثر آن دارای سوابق کار در جریان‌های قبلی جنبش کارگری و وابستگی رسمی به سازمان‌های جنبش‌های ردهایی پیش نبودند. فقدان این سوابق دارای دو جنبه مثبت و منفی است. جنبه منفی آن عدم دسترسی مستقیم به تجارب ایدئولوژیک و پراتیک مبارزات گذشته است. گرچه این تجارب در سطح کل جنبش اثر گذاشته، ولی تماس ملموس داشتن با این پرسوسه‌ها به تداوم مبارزه کمک می‌کنند. این کمبود در برنامه گروه در دوره اول (۴۶ تا ۴۸) نمود می‌یابد. تجارب مستقیم جنبش کارگری و جنبش ردهایی‌بخش مغایر چنان آغازی برای گروه در اواخر سال ۴۶ بود. نمود دیگر این پدیده در کم بها دادن به تحلیل مبارزات گذشته ظهور می‌کند. گروه امکان جدی برای تحلیل سه دهه گذشته خود را نداشت. این کمبود در برابر توجه گروه به آنازقلابی خارجی محسوس‌تر می‌گردد.

با این حال نباید روی این جنبه منفی زیاد تاکید کرد، چرا که بر چند دوره از جنبش کارگری ایدئولوژیک غلبه داشته و بدآموزی‌ها و انحراف‌های ناشی از تسلط طولانی ایدئولوژیک در گروه‌ها و جریان‌هایی که از گذشته متشا گرفته‌اند، مبارزه جدی و پی‌گیر در درون گروه را ایجاد می‌کرد.

جنبه مثبت نداشتن وابستگی به گذشته این بود که اولاً گروه ناچار نبود پیشگسکلات و موانع فردی و جمعی ناشی از این بدآموزی‌ها مبارزه کند، ثانیاً گروه میراث این مبارزات را مستقیماً نبرده و بار اشتباه‌های گذشته را بر دوش نداشت. ثالثاً جوانی گروه به آن تحرک و فعالیت لازم را برای کسب تجربه در مدتی کوتاه و جسارت لازم را برای برخورد جدی با رسالت خود بخشیده بود.

د) حالت مخفی گروه، مناسبات آزاد با یک‌دیگر و رابطه دائمی هسته مرکزی با توده گروه به نوبه خود عاملی بود که در رشد فکری گروه موثر بود. در گروه از تمام استعدادها در جهت شناخت شرایط و تعیین مشن استفاده شد.

عوامل باعث شد گروه به خصلت‌های محوری زیر دست یابند:

یک) گروه از رشد کمری برخوردار شد. طی سه سال از یک محفل به یک گروه مبارز مارکسیست - لنینیست مبدل شد. در این مدت گروه دچار گدگمانی نشد.

برخورد گروه با مسائل ایدئولوژیک جدی، قاطع و توأم با خلاقیت پویشمالات پروچینی برای گروه تبدیل به دگم نشد و نتیجه‌گیری‌های نادرست در زمینه مشی به سرعت جای خود را به برداشت‌خلاق از شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه و موقعیت جنبش داد. رشد کمی و کیفی گروه و خلاقیت آن در زمینه مسائل تئوریک در چنین مدت کوتاهی از ویژگی‌های چشم‌گیر گروه است.

دو) ویژگی عمده دیگر گروه صدانقلابی آن است. افراد موثر و رهبران گروه به آن چه می‌گفتند، به راستی معتقد بودند و به به منزله راهنمای پراتیک بود. گروه تا آن جاکه تجربه و توانایی داشت به کار می‌پرداخت. تئوری هیچ‌گاه در گروه برای توجیه بی‌عملی و سرپوشی برای چسبیدن به خصلت‌های خودبهوروزی و زندگی عادی نبود.

کمبودها و نارسایی‌های عمده گروه عبارت بودند از:

الف) علیرغم پیش‌رفت سریع در مسائل تئوریک و دست یافتن به «برداشت‌های اصولی از ایدئولوژی طبقه کارگر»، گروه در این مدت کوتاه فرصت کافی برای تربیت ایدئولوژیک افراد خود پیدا نکرد. تربیت ایدئولوژیک حاصل پرسوسه طولانی مبارزه است. آموزش تئوریک تنها بخشی از این تربیت را تشکیل می‌دهد. کمبود پراتیک در بخش عمده حیات گروه (۴۶ تا ۴۸) و به طور کلی کوتاه بود.

سیستم سیاسی - نظامی در گروه پیدا نشده بود و اصول پنهان‌کاری سیاسی - نظامی، یعنی حیرق‌های شدن کادرها، تهیه خانه‌های امن، استفاده از کوپل در تماس‌ها، شناسایی و تعقیب و عملیات ضدتعقیب به کار برده نمی‌شد. اغلب افراد یک‌دیگر را با نام واقعی می‌شناختند. به این ترتیب گروه قادر نبود تهاجم همه‌جانبه پلیس را دفع کند. این که گروه طی سال‌های ۴۶ تا ۹ با پلیس برخوردی نداشت، عمدتاً به خاطر این بود که فعالیت آن محدود به درون گروه بود.

اولین برخورد گروه با پلیس پس از مصادره بانک ونک، جریان لو رفتن احمد فرهودی بود. فرهودی با مخفی شدن در خانه و سپس اعزام او به جنگل تا قبل از اسارت، به دست پلیس نیفتاد. از سوی دیگر باید توجه داشت که پلیس در زمستان سال ۴۹ با ردهایی که از گروه یک به دست آورده بود، تصور می‌کرد که مصادره بانک ونک و عملیات دیگر مربوط به گروه یک است. این تصور پلیس با اسیر شدن فرهودی در تیم جنگل مسلح شده بود. این خود وسیله‌ای شد برای مصونیت موثق گروه در از تعقیب و تهاجم پلیس.

فرهاد فرجاد: باید برای حاکمیت قانون مبارزه کنیم

فرهاد فرجاد عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران نخستین سخنران جلسه بود و در مورد ضرورت مبارزه قانونی سخنرانی کرد. او با اشاره به تناقضات قانون اساسی جمهوری اسلامی، از جمله گفت: از یک طرف همین قانون امکان داده که مردم بتوانند با شرکت خودشان، با تمام تضمیناتی که شده و انتخاب در انتصاب شده در این انتخابات، مهر خودشان را بزنند و رای بدهند که موافق و مخالف در سراسر ایران مشترک که مردم رای «نه»، بعضی می‌گویند به حاکمیت جمهوری اسلامی و بعضی می‌گویند به دیکتاتوری، دادند. وجه دیگر این قانون ولایت فقیه است که آن هم تاثیر خودش را دارد و مساله اساسی برای اپوزیسیون دموکرات این است که خوب حالا چه باید کرد؟

فرهاد فرجاد افزود: ما باید از حاکمیت قانون دفاع کنیم، دفاع از حاکمیت قانون امروزه به نفع دموکراسی و علیه گروه‌های فاشیست مآب و سرکوب‌گر است. وی ضمن اشاره به نابرابری‌ها در برابر قانون ادامه داد:

شرکت میلیونی مردم، همین امکانات نابرابر قانون را به وجهی علیه همان دیکتاتوری بدل کرده است به طوری که آن‌ها هستند که مجبورند قانون را که آن همه امکانات به آن‌ها می‌دهد زیر پا بگذارند. فرجاد گفت: دفاع از حاکمیت قانون به این معنا نیست که شما مدافع همه مواد قانون باشید. می‌توان قانونا برای تغییر قانون مبارزه کرد، می‌توان قانونی با ولایت فقیه مبارزه کرد، امروز بهترین شرایط است که به مردم نشان داد چقدر این قانون غیر دموکراتیک است.

عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران افزود: وظیفه اپوزیسیون دموکرات است که روی حل تضاد قانون به نفع وجه جمهوری تبلیغ کند، این را از آقای خاتمی نمی‌توان خواست، او در این مورد تعهد نداده که دموکراسی بدون ولایت فقیه. گفته حاکمیت قانون را می‌خواهم و ما باید بخواهیم همان را که قول داده و رای گرفته عمل کند. ما باید وجه ضد دموکراتیک قانون را نشان دهیم و برای تغییر آن مبارزه کنیم.

آقای فرجاد در پایان به اهمیت متشکل ساختن مردم اشاره کرد و گفت: بهترین شکلی که از گزند تیغ‌های همین حکومتیان به در امان است، انتخابات شوراهای محلی است چون تنها تشکلی است که منتخبینش نباید از طرف شورای نگهبان تعیین شوند. اپوزیسیون دموکرات باید مشترکا روی این بکوبد که این قانون اجرا شده و زمینه خوبی شود برای مبارزه مردم در مرحله‌های بعدی.

اکبر رحیمی: با وجود ولایت فقیه هیچ اصلاحی امکان پذیر نیست

اکبر رحیمی، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، سخنران بعدی جلسه بود. وی ضمن اشاره به برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران در ماه گذشته، گفت که کنگره حزب به دو هدف مهم رسید. یکی این که باید این سد را شکست، سدی که مبارزین راه آزادی را از هم جدا می‌کند. آقای رحیمی در مورد موضوع دوم گفت:

مسایلی که در ایران می‌گذرد گاه آن قدر پیچیده و بفرنج به نظر می‌رسد که می‌تواند ما را دچار اشتفگی کند. کنگره آخرین روی داده‌های جامعه ما را مورد بررسی قرار داد. ما به طور اصولی پافشاری می‌کنیم روی این نکته که تا زمانی که ولایت فقیه در ایران حاکم است، تغییر اساسی صورت نخواهد گرفت و امید به چیزهای واهی نخواهیم بست. رئیس جمهور تا زمانی که در چارچوب ولایت فقیه عمل می‌کند، قادر نخواهد بود، حتی اگر بخواهد، هیچ تغییری در ایران بدهد. تا زمانی که رژیم ولایت فقیه چارچوب خودش را حتی با سرکوب خودی‌ها محکم محافظت می‌کند، هیچ رفرمی صورت نخواهد گرفت. این را به این خاطر رویش تاکید می‌کنیم که در بین برخی نیروهای اپوزیسیون این توهم پیش آمده و بخشی از جامعه ما ممکن است این طور فکر کند که نجات به دست خاتمی و خاتمی‌ها خواهد بود. ما این را درست نمی‌دانیم.

حسین علوی: دوران تشکیل احزاب سیاسی جدید فرا رسیده است

حسین علوی از طرف نشریه «پیام فردا» پیرامون مساله تحزب و تشکیل احزاب سیاسی جدید در ایران سخنرانی کرد. وی ضمن اشاره به تاریخ احزاب سیاسی در ایران مساله مرکزی همه این احزاب را کسب قدرت یا سهم شدن در آن دانست و این موضوع را به تداوم استبداد سیاسی در ایران مربوط نمود. علوی گفت:

تا پیش از انقلاب بهمن سیاست در انحصار یک الیت روشنفکری بود که این الیت روشنفکری بسته به شرایط و موقعیت‌های تاریخی، از توده مردم و به میدان آمدن آن‌ها برای تغییر قدرت سیاسی استفاده کردند. ولی به لحاظ عوامل تاریخی و فرهنگی متعددی، بعد از گذشت یک دوره مردم از عرصه سیاسی کنار رفتند و باز سیاست در انحصار آن الیت روشنفکری باقی ماند. حسین علوی افزود: با انقلاب بهمن مردم به طور دایم وارد سیاست شده‌اند و همین ویژگی است که شکل‌گیری احزاب سیاسی جدید را ضرور می‌سازد. احزابی که در سال‌های آینده به وجود خواهند آمد احزابی هستند که فقط قدرت سیاسی در مرکز

بحث و گفتگو

پیرامون مسایل سیاسی روز

میزگرد سیاسی به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فداییان در شهر بن آلمان روز شنبه دوم اسفند ماه، برگزار شد. از سخنرانان میهمان، نماینده جمهوری خواهان ملی ایران موفقی به حضور در این مراسم نشد. رفقا فریدون احمدی، بهروز خلیق و فرخ نگهدار به علت «تعدد سخنرانان و کمبود وقت» از سخنرانی صرف‌نظر کرده و تنها در قسمت پاسخ به پرسش‌ها شرکت کردند. سخنرانی‌ها توسط «کار» خلاصه و کوتاه شده و مورد بازبینی مجدد سخنرانان قرار نگرفته است. انتخاب تیتراها نیز از سوی «کار» است.

او گفت:

برنامه‌ای که ما تصویب کردیم، اساسا در این خلاصه می‌شود که ما برای کشورمان تامین دموکراسی و عدالت اجتماعی را هدف قرار داده‌ایم. عدالت اجتماعی را ما یک روند طولانی می‌بینیم که بر همین سطح از اقتصاد موجود کشور ما می‌تواند آغاز شود، اما طبیعی است که در پرتو یک برنامه عقلایی ادامه باید و تعمیق پیدا کند. نقطه عزیمت این روند واقعیت‌های عمومی (واقع‌گرایسی) است و از سوی دیگر همراه با یک چشم‌انداز است. این چشم‌انداز همان جامعه انسانی است. وی افزود: بنا بر این ما فقط آرمان‌گرا نیستیم و نیز ما فقط واقع‌گرا هم نیستیم. ما این دو را با هم هستیم. بهزاد کریمی گفت: آن چه ما برای کشورمان پیشنهاد می‌کنیم، تامین زندگی بهتر برای همه است. وی سپس به لزوم پایان دادن به شکاف‌های طبقاتی، فقر آشکار و پنهان، توزیع عادلانه، افزایش ثروت و تقسیم عادلانه آن، مقابله با گرانی و تورم، تامین اشتغال، اصلاح سیستم آموزشی و همگانی کردن آموزش، بهداشت و درمان رایگان برای همه، کنترل سود سرمایه و جلوگیری از تمرکز فوق‌العاده ثروت در دست گروهی معدود، شرکت کارگران و کارمندان در روند تولید و مالکیت تولید به عنوان اهداف اساسی برنامه فداییان اشاره کرد و این برنامه را در جهت حمایت از توده‌های مردم و به ویژه اقشار زحمتکش دانست.

بهزاد کریمی در بخش دیگر سخنان خود بر اهمیت اجرای این برنامه با نیروی خود مردم تاکید کرد و گفت:

در برنامه، روی این نکته تاکید می‌شود که آیا اگر این برنامه مردمی بخواهد پیاده شود آیا می‌تواند جز با نیروی مردم، با نیرو و اراده دیگری پیاده شود؟ سخنران به این سوال پاسخ منفی داد و افزود: این فقط در شرایط استقرار یک حاکمیت دموکراتیک شدن است و بنا بر این هر تحول اقتصادی همه جانبه و مداوم مستلزم تغییر ساختاری در قدرت سیاسی است. حکومت دموکراتیک یعنی این که همه نهادهای قدرت، مرکزی و محلی، باید منتخب مردم باشند و با رای مستقیم مردم انتخاب شوند. بهزاد کریمی در تشریح ویژگی‌های حکومت دموکراتیک مورد نظر فداییان پایاان دادن به تقارها و تفاهات، توجه به واقعیت چند فرهنگی و چند ملیتی و قومی در کشور، به‌کارگیری سیستم عدم تمرکز نظیر فدرالیسم، خودمختاری و اشکال دیگر، تامین برابر حقوقی بین زن و مرد، آزادی پیروان همه ادیان، احترام به همه مذاهب، جدایی دین از حکومت و سیستم آموزشی را برشمرده و گفت: ما ساختار چنین حکومت دموکراتیکی را جمهوری می‌شناسیم که شکل پارلمانی دارد و از این نظر رابطه خود را با حکومت کنونی به طور صریح تعریف می‌کنیم. هم حکومتی‌ها و هم غیر حکومتی‌ها یک بار برای همیشه باید دقیق ببینند. ما خواهان استقرار یک حکومت دموکراتیک در شکل جمهوری در کشورمان هستیم و از این نظر با جمهوری اسلامی و هر رژیم ضد دموکرات مخالفیم و می‌کشیم چنین حکومت‌هایی نباشند و سرکار نیابند. بهزاد کریمی سپس به تشریح تاکتیک‌های فداییان پرداخت و گفت: حرکت ما در خلا نخواهد بود و مستکی بر واقعیات موجود است. برای ما هر تغییر و تحول سیاسی در کشور، چه در حکومت و چه در خارج از حکومت، به طور جدی مطرح است و ما یک تماشاجی نیستیم و خودمان در آن مشارکت فعال می‌کنیم و می‌کشیم که آن چه را در حکومت نشانه واپس‌گرایی است عقب بنشانیم. هر کجا عنصر استبداد ستیزی، انحصارطلبی ستیزی، عنصر نزدیکی به جامعه مدنی بروز کند، هر اندازه کوچک، ما می‌کشیم آن را تقویت کنیم.

عضو شورای مرکزی سازمان در تحلیل حادثه دوم خرداد به روندهای انقلاب و تضادی که بین خواسته مردم برای آزادی و جمهوری و خواسته رهبران برای ولایت فقیه شکل گرفت اشاره کرد و دوم خرداد را برآمد تازه و نیرومندی از این تناقض نامید. بهزاد کریمی با برشمردن عقب نشینی‌های ولایت فقیه در زمینه‌های گوناگون از جمله حقوق زنان و سیاست خارجی نتیجه گرفت: ولایت فقیه شکست خورده و اکنون به گونه‌ای است که برای نیروهای اسلامی که ولایت فقیه را قبول دارند هم این اندیشه به وجود می‌آید که او فقط سلطنت کند نه حکومت، فقط فقاقت کند نه حکومت. دیروز این صدا خفه بود، امروز از نغمه بیشتر است و فردا تحت شرایطی می‌تواند به فریاد تبدیل شود.

بهزاد کریمی در پایان سخنان خود گفت: خط مشی سیاسی ما بر مردم متکی است. بدون زور و فشار و مقابله، هیچ رژیمی از جمله این رژیم، عقب نخواهد نشست. رژیم را باید به عقب نشاند و هر چه رژیم بیشتر عقب نشاند، نیروی ترقی، دموکراسی، پیشرفت، مدنیت و وفادار به قانون قوی تر می‌شود و ما یک قدم به هدف خود نزدیک تر می‌شویم.

برنامه‌اشان نیست و مسایل پای‌بندی تری از جمله ایجاد جامعه مدنی را مد نظر قرار خواهند داد. وی رابطه این احزاب سیاسی جدید را با احزاب سیاسی تاریخی شکل گرفته دارای اهمیت اساسی خواند و گفت:

متاسفانه دو عامل، یکی فاصله افتادن یکی دو نسل بین عمل‌کرد و پیروسی سیاسی این احزاب با جامعه به خاطر مهاجرت و تداوم استبداد باعث تضعیف این پیوند شده و یکی مساله مجموعه توان و تولید فکری است که اگر تا قبل از انقلاب به دلایل و شرایط ویژه تاریخی، اتوریته فکری در خارج از جامعه وزنه زیاد و حتی تعیین کننده‌ای داشت، در دوره کنونی اندیشگی و اتوریته فکری به عکس است. این دو ویژگی رابطه احزاب سیاسی در مهاجرت را با مسیر طبیعی تکامل در ایران ضعیف کرده است.

آقای علوی در پایان افزود: من نظرم این نیست که احزاب قدیم به سرعت از بین می‌روند و احزاب جدید تشکیل می‌شوند. این یک پروسه طولانی خواهد بود. احزاب تاریخی شکل گرفته دارای رسالت و نقش هستند. مهم این است که این احزاب بتوانند هر چه زودتر خودشان را نسبت به مسایلی که در جامعه می‌گذرد آماده ایفای نقش کنند. من سطح فعالیت در شرایط کنونی را کافی نمی‌دانم.

ابوبکر کریمی: جمهوری اسلامی نه خاصیت تحول دارد و نه استعداد تکامل

آقای ابوبکر کریمی نماینده کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران آخرین سخنران میهمان بود. او سخنرانی خود را به توضیح مواضع حزب دموکرات کردستان ایران نسبت به تحولات کشور اختصاص داد و گفت:

ما همیشه اعلام کرده‌ایم و باز هم اعلام می‌کنیم که رژیم جمهوری اسلامی نه خاصیت تحول دارد و نه استعداد تکامل، همین است که هست. این به آن معنا نیست که چون رژیم اسلامی این هست پس هر شرایطی هم که ممکن بود بشود به طریق دیگری مبارزه کرد و کنار بگذاریم. معتقدیم هر نوع مبارزه‌ای که امکانش هست باید انجام داد، اما اعتقاد نداریم که تسلیم به معنای اثرگذاری است. وی افزود: ما معتقدیم که بعد از رفتن رفسنجانی و آمدن خاتمی، عده‌ای که رفسنجانی کنار گذاشته بود، فرصتی پیدا کرده‌اند برای به میدان آمدن. اگر نسیمی وزیده است، به یک اعتبار نسیمی است که وزیده به پرچم این‌ها. اگر جدلی هست جدل سلیقه است و نه عقیده. آن‌ها اپوزیسیون به معنای آن که نوع دیگری متفاوت از آن چه هست بخواهند به وجود بیاورند، نیستند. البته به هیچ وجه نفی نمی‌کنیم شرایطی به وجود آمده که ایرانی‌ها می‌توانند در آن مانور بدهند که ساتوره‌های بسیاری سبب‌های ما داده‌اند. بنا بر این ما معتقدیم که نه تماشاجی جریان باید باشیم نه طرف‌دار یکی و نه قاضی‌اشان. ما معتقدیم این رژیم نمی‌تواند آن چه را ما می‌خواهیم حتی حداقلش را هم به ما بدهد.

نماینده کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران در ادامه سخنان خود گفت: ما می‌خواهیم که مخالفین رژیم بتوانند سر نکاتی چند توافقاتی بکنند و به صورت جمعی با رژیم روبرو بشوند و نه به صورت فردی. وی سپس افزود: جدل اصلی بین استبداد است و آزادی، این را باید ابتدا حل کرد که ما به آن می‌گوییم خودمختاری و هیچ علاقه‌ای هم نداریم که تاریخ مملکت‌های دیگری را به جای مملکت خودمان بگذاریم و روی آن بنا درست کنیم.

ابوبکر کریمی این احتمال که جمهوری اسلامی سرنوشتی مثل کشورهای بالکان و یا آفریقای جنوبی را داشته باشد، رد کرد و گفت: بهترین کار این است که ما ایرانی‌ها دور هم جمع شویم و روی نکات اساسی توافق کنیم و با این رژیم به صورت دسته‌جمعی برخورد کنیم. اگر روزی جمهوری اسلامی حاضر شد به طریق مسالمت‌آمیز کنار بیاید، نخواهیم گفت که نمی‌خواهیم و صلح چیز بدی است. حزب دموکرات با خون خیلی از عزیزترین کسانش این را اثبات کرده است که حاضر است به هر نوع اگر ممکن باشد کار مسالمت‌آمیز باشد ولی ما تجربه‌اش را دیده‌ایم.

بهزاد کریمی: برنامه ما تامین زندگی بهتر برای مردم است

بهزاد کریمی عضو شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در سخنرانی خود که طولانی‌ترین سخنرانی این گردهم‌آیی بود، به بررسی برنامه و سیاست‌های تاکتیکی فداییان، مصوب کنگره پنجم، پرداخت.

ف. تابان: اگر ملاک را جنبش توده مردم بگیریم، جای امیدواری فراوان است

آخرین سخنران این گردهمایی ف. تابان، عضو شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بود که پیرامون ضرورت فعالیت آزادانه در کشور سخنرانی کرد. وی در آغاز گفت: شاید به لحاظی ما در همان شرایطی قرار داشته باشیم که بنیان‌گذاران سازمان ما قرار داشتند. هدف آن‌ها تاسیس یک جنبش چپ نوین بود و ما اکنون با مساله احیای دوباره این جنبش در ایران مواجه هستیم. ف. تابان با اشاره به اوضاع متحول و حساس سیاسی در کشور گفت: در برخی از شرایط اگر احزاب سیاسی به موقع حرکت نکنند، به موقع شعارهای درست را طرح نکنند و با سرعت تحولات جامعه هماهنگ نباشند، می‌توانند سال‌ها و گام‌ها از سیر حوادث عقب بمانند. ما الان در چنین شرایطی قرار داریم. ایران ما دوباره بیدار شده است، توده‌های مردم به مبارزه روی آورده‌اند. مشخصه اساسی این وضعیت، بیش از آن که تحولات درون حکومت باشد، که به جای خود بسیار مهم است، تحرکی است که امروز در جامعه و در مردم به وجود آمده است. ما شاهدیم که چطور توده مردم، دانشجویان و کارگران و زنان و جوانان تلاش می‌کنند که مداخله کنند و تاثیر بگذارند و در این فضا جای یک چیز خالی است، جای یک نیروی چپ فعال و تاثیرگذار خالی است. ف. تابان افزود: در این شرایط ما وظیفه داریم که جنبش چپ در ایران را دوباره احیا کنیم و این فکری که مدتی است در سازمان ما طرح شده است بر این است که چگونه می‌توانیم این خلا را از بین ببریم.

سخنران سپس به انتقاداتی که به این سیاست عنوان شده است پرداخت و ادامه داد: آیا فعالیت آزادانه احزاب و به ویژه احزاب چپ در ایران امروز واقعی است و می‌توان امیدوار بود که این سیاست نتیجه‌ای بدهد؟ اگر مبنا را حکومت جمهوری اسلامی بدانیم، نمی‌توانیم خوش‌بین باشیم. در چشم‌انداز فعلی نمی‌توان امیدوار بود که در سیاست‌های حکومت در این جهت تغییر جدی به وجود آید. اما اگر ملاک را جامعه ایران و تحولاتی که در آن می‌گذرد بدانیم، جای امیدواری وجود دارد. تابان گفت: امروز این خواسته در ایران همان بازتابی را ندارد که یک سال پیش داشت و نیروهای وسیع‌تری را می‌تواند بسیج کند. این تنها خواست ما نیست و موج‌وار نیرو می‌گیرد. دانشجویان وقتی اعتصاب می‌کنند شورا می‌خواهند، کارگران وقتی اعتصاب می‌کنند سندیکا می‌خواهند. به همان نسبت که ما بتوانیم خواسته خود را در جامعه طرح بکنیم و به گوش مردم برسانیم که فداییان می‌خواهند در کنار مردم باشند و برای همان خواسته‌هایی که مردم می‌خواهند در کشور خودشان فعالیت کنیم که می‌خواهیم در این شرایط حساس در کنار آن‌ها باشیم و اگر موفق نمی‌شویم این به تقصیر استبداد حاکم است. ف. تابان سپس به رابطه این خواسته با پذیرش فعالیت قانونی پرداخت و گفت: آیا می‌توان مخالف یک حکومت بود و خواهان فعالیت آزادانه در کشور خود نیز بود؟ آری، می‌توان مخالف حکومت بود و حق داشت که آزادانه در کشور فعالیت کرد و این مخالفت را ابراز نمود. ما همان‌گونه که تا امروز بارها اعلام کرده‌ایم، قانون اساسی جمهوری اسلامی را نمی‌پذیریم زیرا این قانون بر پایه نفی حاکمیت مردم قرار دارد و اختیاراتی مافوق قدرت مردم به ولی فقیه داده است. سخنران تاکید کرد: قانون اساسی جمهوری اسلامی باید تغییر کند تا راه فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در ایران هموار شود.

ف. تابان در پایان سخنان خود گفت: ما الان در دورانی هستیم که دوران تدارک تصمیم‌گیری‌های بزرگ برای آینده ایران است و شایسته نیست که در این شرایط جای چپ در ایران خالی باشد. ما باید سهم خود و وظیفه خود را انجام دهیم و امیدوارم که سازمان ما، سایر نیروهای چپ و سایر نیروهای دموکرات در جهت تحمیل این خواسته به استبداد، در جهت متقاعد کردن بیشتر توده مردم به این که برای آزادی احزاب سیاسی در ایران باید مبارزه کرد و این را از استبداد خواست، سیاست هماهنگ و فعالی را در پیش بگیرند.

با پایان سخنرانی‌ها، وقتی برای پاسخ به سوالات در نظر گرفته شد.

بهروز خلیق: کنگره پنجم موفقیت بزرگی برای سازمان ماست

بهروز خلیق، عضو شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مورد دلایل آرای بالایی که به اسناد مصوب در کنگره پنجم داده شد و حدود تاثیر شرایط سیاسی در نزدیکی بیشتر تفکرات در فداییان گفت: حرکت مردم در نزدیکی فکرها در سازمان هم نقش داشته و هم نداشته است. تصویب سند «آماج‌ها و دیدگاه‌ها» مستقیما در ارتباط با حرکات مردم نبوده است، بر اساس بحث‌هایی بوده است که در جنبش چپ و در سازمان جاری است و به نتیجه‌های معنی رسیده و توانسته نیروهای سازمان را حول یک سری افکار و اندیشه‌ها به هم نزدیک کند. وی سپس افزود: در رابطه با خط مشی سیاسی، این فکر که باید هدف فعلی و برنامه‌ای که پایان دادن به جمهوری است را از هم تفکک کنیم و مشخص کنیم که سمت اصلی ضربه امروز در کدام سوست، با کدام نیروها متحد هستیم و

جشن مرکزی بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق؛

جشن ۲۷ سال پیکار در راه صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

«بخوان به نام گل سرخ، در صحاری شب

که باغ‌ها همه بیدار و بارور گردند»



روز شنبه ۲ اسفند ۱۳۷۶ (۲۱ فوریه ۱۹۹۸) و به رسم هرساله جشن مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت بزرگداشت سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق در تالاری در شهر بن آلمان برگزار شد. چند صد تن از فدائیان خلق و دوستان و دوست‌داران سازمان گرد آمده بودند تا بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق را ارج گذارند.

برای بخش نخست برنامه‌های این سال، سخنرانی پنج رفیق عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و میهمانی از هر یک از پنج گروه حزب توده ایران، حزب توده ایران (پلاتفرم دموکراتیک)، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان جمهوری خواهان ملی ایران پیش‌بینی شده بود. از سوی سازمان، فدائیان خلق فریدون احمدی، ف. تابان، بهروز خلیق، بهزاد کریمی و فرخ نگهدار و از طرف گروه‌های میهمان به ترتیب رفقا اکبر رحیمی، حسین علوی، ابوبکر کریمی و فرهاد فرجاد در این بخش از برنامه شرکت داشتند.

با پایان بخش نخست برنامه‌های بزرگداشت سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق، آهنگ ترانه‌های خاطره‌انگیز در فضای تالار جشن پراکنده شد.

پس از کوتاهی، در طنین کوبنده سرود «بین الملل»، پرده‌های صحنه آرام آرام به کناری رفتند و الوان نور صحنه را روشن بخشید.

تا «انترناتیونال» تمام شد، گوینده به سخن در آمد «رفقا، دوستان، میهمانان گرامی!

به جشن بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق خوش آمده‌اید!

آن‌گاه سرود عشق با صدای خانم بهرخ و هم‌نوازی پیانوی آقای عارف ابراهیم‌زاده در تالار جاری شد.

«قسم خوردم بر تو من ای عشق، که جان بازم در رهت ای عشق، که ناپارزد جان در رهسی والا که ناچیز است هدیه‌ای ای عشق.» با پایان سرود، گوینده سخن خود پی گرفت.

«۲۷ سال از بنیان‌گذاری جنبش ما می‌گذرد. این سال‌های پیکار، برای ما سال‌های از دست دادن بی‌شماری از عزیزانمان نیز بوده است. در این سال‌ها، بسیاری از فدائیان خلق در میدان‌های گوناگون پیکار، در راه آرمان‌های انسانی‌شان شیردلانه رزمید و جان در راه پیمان خود با مردم نهاده‌اند.

مادران و پدران فدایی بسیاری که سال‌های مبارزه مخفی، سال‌های شکنجه، روزهای اعدام، سال‌های در به در و دوری از یار و دیار را با پای یاران خود، دختران و پسران خود سرفراز و به سختی و رنج پشت سر گذاشته بودند، در سال‌های پیش، دیده از جهان فرو بسته و ما را در اندوه خود سوگوار کرده‌اند.

«سرود پیوستن» سروده خسرو گلبرخی آغازگر جشن ۲۷مین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق ایران در استکهلم بود که در تاریخ ۲۱ فوریه ۹۸ به دعوت فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد برگزار شد.

پس از خوش‌آمدگویی، حاضرین به یک دقیقه سکوت به احترام جانباختگان جنبش آزادیخواهی میهمان به پا خاستند. سپس بخش‌هایی از پیام شورای مرکزی سازمان به مناسبت ۱۹ بهمن قرائت گردید. «وارطان» اثر شاعر

بحث و گفتگو پیرامون پیرامون مسایل سیاسی روز

ادامه از صفحه ۱۰

سیاست ما نسبت به نیروهای مختلف چیست، در پذیرش این افکار، حرکات اخیر مردم تأثیرات معینی داشته و در جهت تدقیق و تکمیل سند ما عمل کرده است. خلیق تأکید کرد آرای بالایی که به اسناد مصوب کنگره داده شد، برای سازمان موفقیت بزرگی بوده است.

فرخ نگهدار: تصمیمات کنگره پنجم منطبق با واقعیات جامعه ماست

فرخ نگهدار عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در توضیح نظرات خود نسبت به تصمیمات کنگره گفت: من در سال‌های اخیر منتقد سیاست کنگره‌های سابق بوده‌ام زیرا آن سیاست‌ها را در انطباق با وضعیت کشور نمی‌دانستم. دو نکته مهم در آن سیاست‌ها وجود داشت. شعار پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی به مثابه سیاست روز و ساختن یک آنترناتیو حکومتی برای جایگزینی آن رژیم. سیاستی که من پیشنهاد می‌کردم این بود که در مرحله فعلی سمت اصلی وارد آوردن ضربه متوجه ولایت فقیه، ولایت خامنه‌ای شود. من به مصوبات کنگره اخیر رای دادم. در این کنگره اشاره‌ای به پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی نیست و سمت اصلی سیاست متوجه کوتاه کردن دست جناح خامنه‌ای از قدرت است.

فرخ نگهدار سپس ادامه داد: اختلاف در سازمان ما هیچ وقت این نبوده است که ما کدام رژیم را برای ایران مطلوب می‌شناسیم، این موضوع امروز هم مورد اتفاق نظر است. ما از زمانی به این وحدت نظر رسیدیم که اندیشه دیکتاتوری پروتاریا و حکومت طبقاتی به آن شکل را کنار گذاشتیم. وی تأکید کرد: من امیدوارم که اراده واحد در جهت درست، در جهت امیدهایی که در جامعه ما جوانه زده به کار گرفته شود.

فریدون احمدی: در برابر تقید خاتمی به ولایت فقیه مبارزه می‌کنیم

فریدون احمدی عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پاسخ به سؤالی پیرامون مواضع نشریه کار در قبال روی‌دادهای اخیر گفت: من به عنوان مسئول تاکنونی نشریه کار، از مواضع این نشریه دفاع می‌کنم. ما تلاش کردیم سیاستی روشن داشته باشیم که هر کسی بفهمد ارگان فدائیان نسبت به جناح‌های مختلف حکومت و دعوائی که بین آنان هست چه سیاستی را پیش می‌برد. در چارچوب سیاست‌ها و مواضع‌گیری‌ها، برخی مسایل به منش‌ها و روش‌ها مربوط می‌شود. «کار» مخالف نوشتن نامه به خامنه‌ای بود و کنگره سازمان بر این تأیید گذاشت. فریدون احمدی گفت: ما در برابر خاتمی سیاست افشاگری نداشتیم، اما از سیاست اتحاد و انتقاد هم پیروی نکردیم. راستای کلی حرکت ما در جهت اهدانی بود که کنگره تأیید کرد. هر آن‌جا که تقید خاتمی به ولایت فقیه را دیدیم، آن را به طور آشکار بیان کردیم و من فکر می‌کنم این طور برای تضعیف این تقید نیرو ایجاد می‌شود.

● بسیاری از سؤالات بدون پاسخ ماند و شنوندگان به علت کمبود وقت نتوانستند در این میزگرد شرکت حداقلی هم داشته باشند. این موارد باعث نارضایتی گروهی از شرکت‌کنندگان در گردمایی شد. توجه و حساسیت بسیار بالا و علاقه‌مندی که برای ادامه میزگرد وجود داشت آشکارا با امکانات و وقتی که برای آن در نظر گرفته شده بود، ناهم‌خوان بود و این خود نشانه این است که تا چه اندازه در اوضاع کنونی برگزاری چنین میزگردهای سیاسی به شرط تدارک لازم می‌تواند مورد استقبال قرار گیرد و به شرط داشتن کیفیت مناسب مفید واقع شود.

را بر روی شبکه اینترنت بخوانید

نشریه کار از طریق شبکه جهانی اینترنت نیز در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند علاوه بر آخرین اعلامیه‌های سازمان و مهم‌ترین خبرهای مربوط به کشور، صفحات آخرین شماره‌های نشریه، مقالات برگزیده، شماره‌های پیشین، کار، اسناد کنگره‌های سازمان را به چند زبان بین‌المللی، زیر آدرس: <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902> مشاهده کنند. مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گوردوسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم. آدرس پست الکترونیکی: fadai.aksariyat@magnet.at واحد سوئد سازمان نیز صفحه‌ای را در اینترنت برای مراجعه‌ی شما از طریق آدرس: <http://hem1.passagen.se/aksariyat> تهیه کرده است.

منتشر شد

مصوبات، قرارها، پیام‌ها و گزارش کامل پنجمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتشر شد. این کتاب شامل همه اسنادی است که در کنگره سازمان به تصویب رسیده است و همچنین گزارش کاملی از مباحثات، روند تصمیم‌گیری‌ها و سیمای آماری کنگره می‌باشد. کتاب در ۵۴ صفحه منتشر شده و بهای آن معادل ۳ مارک آلمان است.

چندی پیش زلزله‌ای جان‌گزا خاک افغانستان را لرزاند. همسایگان هم‌زبان و هم‌پویند ما که خاک میهن‌شان سال‌هاست در آتش جنگی خانمان‌سوز ویران است، این بار آسیب قهر طبیعت را بر جان چشیده‌اند. زلزله از بسیاری از خانواده‌های افغان، عزیزان چندی را نیز که از شکنجه و کشتار جنگ جان سالم به در برده بودند، برده است. در جشن، هم‌دردی فدائیان خلق با دوستان و رفقای اندوهمند افغانی خود به زبان آمد.

خانم وجهه، هنرمند نامی افغان نیز که میهمان این سال جشن مرکزی سازمان بود، در این زلزله تعداد کثیری از بستگان خود را از دست داده است و آوار این درد به او مجال آن را نداد که شادبختی جشن اسامال ما باشد.

سپس خانم بهرخ به هنرنمایی پرداخت و با اجرای ترانه‌سرودها و ترانه‌ها بر گرمای جشن افزود. پس از تنفسی کوتاه گروه بهار به ارائه رقص‌های گوناگون ایرانی پرداخت. نوجوانان هنرمند این گروه با چسب‌ریزی و اجرای زیبای رقص‌ها حاضرین را شیفته خود کردند.

در پی رقص، هنرمند محبوب، اسکندر بر صحنه پدیدار شد. ۲ اسفند، روز اسامیل برگزاری جشن مرکزی بزرگداشت بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فدائیان خلق مصادف بود با روز اعلام کشتار رهبران خلق ترکمن، فدائیان خلق توماج، مختوم، واحدی و جرجانی به دست مرتجعین حاکم بر کشور در سال ۱۳۵۸. به این مناسبت اسکندر برنامه خود را، نیز با ترانه‌ای در باره این رفقای جان‌باخته آغاز کرد.

در پایان برنامه‌ها، ترانه «سپیده»، با صدای استاد محمدرضا شجریان بدرقه راه حاضرین جشن بزرگداشت ۲۷ سال پیکار در راه صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم شد. «ایران، ای سرای امید بر بسامت سپیده دمید».

اجرای ترانه سرود «بهار» به همراهی هنرمندان نوازنده فضای سالن را منقلب ساخت. پس از شنیدن چندین ترانه فارسی و محلی با صدای گرم و دلنشین «نادر» که میهمانان را به رقص و پایکوبی واداشت، هنرمندان افغانی دوباره به صحنه آمدند و با ترانه‌های دیرآشنای خود به جشن شور و حالی دیگر بخشیدند. پایان بخش جشن بزرگداشت بنیان‌گذاری جنبش فدائیان برای اینبار اجرای ترانه‌های دیگر توسط «نادر» و همراهانش بود که میهمانان را تا نیمه شب ۲ اسفند همراهی کرد.

برنشانند. درود بر یکایک یاران رفته‌ای که به گناه پای‌بندی به آرمان‌های‌شان از آغوش ایران ربوده شدند، یارانی که عطر مهتاب وجودشان از جان شما می‌تراود و در فضای جشن امشب ما موج می‌زند.

و درود بر یارانی که، به گناه انسان بودن، به خاطر ایمان‌شان به حرمت انسان، ایمان‌شان به هستی، به زمین، به خاطر عشق‌شان به عشق، به خرد، به زیبایی، به زندگی، گل‌های رنگارنگ وجودشان به دست خفاشان شب‌پرست، و چه بی‌رحمانه و پلید با این خیال خام پرپر شد تا رنگین کمان رفیع و رنگارنگ اندیشه برآمده از پی طوفان انقلاب بهمن و بال گسترده چادر به دلکش بهار آزادی، را به زیر چادر و مقنعه کوردلان سیه سازند و بمرانند.

اما لاله‌لله شادی و طراوت سیمای صدهزاران دختران و پسرانی که بر افسون شب می‌خندند، لوله‌ای که بیش و دانش و دلیری صدهزاران جوانی که صدای زندگی را، صدای شادی و عشق را، که حرمت هستی را، که انسانیت را، که آزادی و عدالت را در چارگوشه این میهن ترانه کرده‌اند و یک صدا به ولایت شب - و چه پر شکوه - «نه» می‌گویند، دل‌های ما درهوان این ره ۲۷ ساله را تکانی تازه داده و جانی تازه بخشیده است.

جشن اسامال ما، جشن زدایش غبار غم، غبار یاس، گرد ترس از چهره دل‌ها و اندیشه‌هاست. جشن امشب ما جشن طبعه دیدار هلال ماه، جشن پیروزی امید است. به جشن امید خوش آمده‌اید.

در این بخش از برنامه، فیلمی کوتاه به تماشا گذاشته شد که بازتاب‌دهنده مهم‌ترین روی‌دادهای ایران و در رابطه با آن، در بیست و هفتمین سال زندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و در باره مهم‌ترین سیاست‌های اتخاذ شده از سوی سازمان در این سال بود.

همه این بوسه‌ها و لبخندها، همه این شادی و پایکوبی، همه لذت دیدار گوارای وجودتان. و این صدهزاران گره عشق هم توشه راهتان، هم مفرش راهتان.

و درود، هزار درود بر آن یاران رفته، بر آن دلاورانی که نخستین گره‌های عشق را در دل شب‌های سرد و سیاه سیاهکل بر دل‌های عاشقان

بزرگ شاملو و پخش چند ترانه ایرانی فرصت داد تا «رساد» آوازخوان افغانی به همراه دو نوازنده دیگر، پس را برای اجرای برنامه آماده کنند. پس از اجرای دو ترانه آرام افغانی، نماینده حزب چپ سوئد، پیام تبریک خود را به مناسبت ۱۹ بهمن قرائت نمود و در پی آن اسامی دیگر احزاب و سازمانهای پیام دهنده به این مناسبت

به پا خیزیم و به پاس نام و یاد همه این گرامیان لحظاتی را به سکوت بگذرانیم.»

پس از سکوت، گوینده دیگر به سخن آغازین، پشت میکروفون ایستاد «سلام و هزار سلام بر شما. سلامی چوبوی خوش آشنایی، سلامی به گرمی مهر، به بلندای آفتاب. به شما که - در این سالیان دراز، در این ۲۷ سال - گاه بر حریر خیال در ژرفای این آبی آرام، آرزوهای نیک را بلند پرواز و گاه آن‌ها را در هنگامه پیروزی، در گلخند عاشقان آواز داده‌اید.

سلام بر شما که در درازنای این ۲۷ سال، در هر دامگه حادثه، چون دُرده‌های در شمت، آرزوهای نیک را از گزند ابلهان به در برده و در نهان خانه دل از آن‌ها تیمار کرده‌اید.

سلام بر شما که امشب را از دیارهای دور، آن آرزوهای نیک را از صدف دل برون آورده و در این جشن، آن‌ها را گردن‌آویز آوای دل‌ها تان کرده‌اید. زبینه باد بر شما مروارید آرزو، گوارا باد بر شما طعم نوازش نگاه یاران. مبارک باد بر شما این جشن و این سرورتان، این آئین و این سنت پرشکوه‌تان.

در این محفل ما امشب، زیر این سقف، صد هزاران بوسه و خنده و آغوش‌گشائی و نشاط دیدار، این صدای رقص و آواز، صدهزاران گره فرشی است که راه بیست و هفتمین سال را مفرش است. همان راهی که ۲۷ سال پیش در چنین روزهایی از ره پاریک‌های سخت گذر در دل سیاهی ره آغاز کرد.

همه این بوسه‌ها و لبخندها، همه این شادی و پایکوبی، همه لذت دیدار گوارای وجودتان. و این صدهزاران گره عشق هم توشه راهتان، هم مفرش راهتان.

و درود، هزار درود بر آن یاران رفته، بر آن دلاورانی که نخستین گره‌های عشق را در دل شب‌های سرد و سیاه سیاهکل بر دل‌های عاشقان

بزرگ شاملو و پخش چند ترانه ایرانی فرصت داد تا «رساد» آوازخوان افغانی به همراه دو نوازنده دیگر، پس را برای اجرای برنامه آماده کنند. پس از اجرای دو ترانه آرام افغانی، نماینده حزب چپ سوئد، پیام تبریک خود را به مناسبت ۱۹ بهمن قرائت نمود و در پی آن اسامی دیگر احزاب و سازمانهای پیام دهنده به این مناسبت

علیرغم موفقیت دیپلماتیک کوفی عنان در بحران عراق

نیروهای نظامی آمریکا همچنان در منطقه باقی مانده‌اند

● طبق توافق دبیرکل سازمان ملل و رژیم عراق، بازرسی کاخ‌های صدام حسین توسط یک هیأت منتخب کوفی عنان صورت گیرد

● سازمان ملل متعهد شده است بعد از تکمیل گزارش نهایی در مورد سلاح‌های نابودی جمعی عراق، روند لغو تحریم‌ها علیه عراق آغاز شود.

دولت آمریکا به مناسبت‌های مختلف گفته‌اند تا هنگامی که صدام حسین بر سر کار است، از موافقت با لغو تحریم‌ها سر باز خواهند زد. سفر عنان به بغداد در حالی صورت گرفت که آمریکا و انگلیس سرگرم آخرین تدارکات برای انجام

هفته گذشته کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد، در سفر خود به بغداد موفق شد رژیم عراق را به پذیرش بازرسی فرستادگان سازمان ملل از هشت کاخ صدام حسین در منطقه بغداد جلب کند. بدین ترتیب، فعلاً خطر حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق برطرف شده است. اما علیرغم این موفقیت دیپلماتیک، که همه کشورهای جهان از آن استقبال کردند، آمریکا همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد. بر خلاف سه عضو دائمی شورای امنیت، یعنی روسیه، فرانسه و چین، دولت آمریکا اصرار دارد که این شورا در قطعنامه‌ای تصویب کند که اگر صدام حسین به توافق‌هایش با کوفی عنان عمل نکند، آمریکا مجاز است بدون اینکه منتظر تصمیم دیگری از سوی شورای امنیت شود، دست به حمله به عراق بزند. روسیه، فرانسه و چین، در مقابل می‌گویند حتی اگر صدام حسین، توافقاتی اخیر را نقض نماید، شورای امنیت باید قبل از توسل یکی از اعضای سازمان ملل به راه حل نظامی، در این باره تصمیم گرفته باشد. اختلاف نظر در این مورد، در طول هفته گذشته مانع توافقاتی حول متن قطعنامه‌ای شد که قرار است شورای امنیت در تأیید نتایج مذاکرات دبیرکل سازمان ملل در عراق صادر کند.

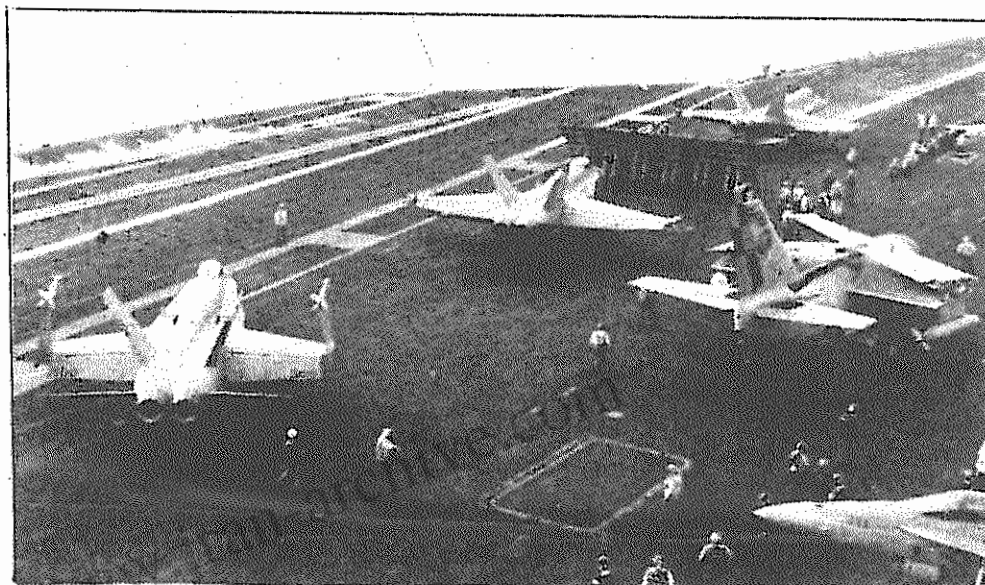
اصل این نتایج را هیچ یک از اعضای شورای امنیت زیر سؤال نمی‌برند. حتی آمریکا نیز که با بی‌میلی به سفر عنان به عراق تن داد و حتی پس از اعلام توافق سازمان ملل و عراق، تا مدتی از استقبال صریح از آن خودداری و نسبت به سودمندی آن ابراز تردید کرد. عاقبت تصمیم گرفت موفقیت دبیرکل سازمان ملل را به حساب خود بگذارد و مدعی شد تنها حضور نظامی آمریکا در منطقه و مصمم بودن آن در حمله به عراق، باعث شد که صدام حسین در برابر خواست‌های عنان عقب‌نشینی کند. طبق توافق دبیرکل سازمان ملل و رژیم عراق، قرار است بازرسی از هشت کاخی که عراق تا کنون مانع ورود فرستادگان سازمان ملل به محوطه آنها شده بود، توسط یک هیأت منتخب کوفی عنان صورت گیرد و در این هیأت، دیپلمات‌ها حضور داشته باشند. نکته مهم‌تری که در توافق بغداد آمده است و کمتر مورد اشاره رسانه‌های غربی قرار می‌گیرد، این است که سازمان ملل متعهد می‌شود در صورتی که بازرسی‌های لازم برای تکمیل گزارش نهایی در مورد سلاح‌های نابودی جمعی عراق به اتمام برسد، روند لغو تحریم‌ها علیه عراق آغاز خواهد شد. این در حالی است که مقامات

تنها ۹ درصد بمب‌ها را سلاح‌های «هوشمند» اینچنین تشکیل می‌دادند، قرار بود در حمله هفته پیش به عراق، ۴۰ درصد ضربات، با این بمب‌ها صورت گیرد.

در مقابل تلاش‌های جنگ‌افروزان آمریکا، در هفته‌های اخیر جبهه مخالف نیرومندی شکل گرفت. در شورای امنیت، روسیه و فرانسه و چین با قاطعیت در برابر منشی ایالات متحده ایستادند. حتی پاریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه که ناگزیر است احساسات

انجام عملیات علیه عراق از خاک خود، اجتناب کرد.

علاوه بر دولت‌ها، در بسیاری از کشورهای جهان مخالفت انکار عمومی و مردم با لشکرکشی آمریکا جلوه‌های بارزی یافت. در ترکیه، علیرغم سرکوب خشن پلیس، تظاهرات گسترده‌ای علیه جنگ‌افروزی آمریکا برگزار شد. در مصر، هزاران دانشجو دست به اعتراض به نقشه‌های جنگی آمریکا زدند. در خود آمریکا میدان جلوی کاخ سفید صحنه تظاهرات ضد جنگ بود. طبق نتایج یک



نظرسنجی که دو هفته پیش، یعنی در آستانه سفر کوفی عنان به عراق انجام گرفت، ۶۹ درصد مردم آمریکا راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دادند و تنها ۲۵ درصد با حملات هوایی به عراق موافق بودند.

وزرای خارجه و دفاع کابینه کلینتون در جلسه‌ای عمومی که برای توضیح مواضع دولت خود تشکیل داده بودند، با مخالفت و اعتراض شدید جمعی از فعالین ضدجنگ مواجه شدند. در کنگره آمریکا نیز گروهی از نمایندگان، از دولت خواستند قبل از حمله به عراق، هدف این حمله را اعلام کند. در حالی که پاسخ رسمی دولت آمریکا به این سؤال، که در یک مقاله مادلن آلبرایت وزیر خارجه این کشور در هفته‌نامه نیوزویک، این بود که آمریکا می‌خواهد سلاح‌های نابودی جمعی عراق را نابود کند و قصد سرنگونی صدام حسین را ندارد، اظهارات ژنرال شلتون بالاترین مقام نظامی آمریکا ثابت کرد که حتی این نیز نمی‌تواند هدف اصلی آمریکا باشد. قدرت‌نمایی نظامی در منطقه خاورمیانه و کل جهان، مهم‌ترین هدف آمریکا در لشکرکشی به خلیج فارس بود. توافقاتی دیپلماتیک نمی‌تواند آمریکا را از اینکه این هدف را کاملاً دنبال کند، باز دارد.

ضد آمریکایی در کشورش را در برخی موضعگیری‌های خود بازتاب دهد، سخن از خطر جنگ جهانی سوم در صورت حمله نظامی آمریکا به عراق پر زبان راند. کوشن وزیر دفاع آمریکا در سفر خود به مسکو نتوانست نظر موافق روسیه را با طرح‌های نظامی واشنگتن جلب کند. فرانسه در تدارک سفر عنان به بغداد، نقش فعالی بر عهده گرفت. کوفی عنان هم بر سر راه خود از نیویورک به بغداد و هم در بازگشت از عراق، در پاریس توقف کرد تا با مقامات فرانسوی دیدار کند. پس از دیدار عنان با ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه که قبل از سفر عنان به عراق در اوج تحریکات نظامی آمریکا صورت گرفت، وزیر مشاور در امور خارجی فرانسه در حالی که هنوز نتیجه سفر دبیرکل سازمان ملل به بغداد معلوم نبود، گفت پس از این سفر، حمله‌ای به عراق صورت نخواهد گرفت.

در منطقه خاورمیانه نیز آمریکا در جلب موافقت متحدان خود با حمله مجدد به عراق دچار مشکلات جدی شد. تنها کویت، به همان میزان سال ۱۳۶۹ به آمریکا مجال تدارکات نظامی در خاک خود را داد. عربستان سعودی، مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه خلیج فارس، از صدور اجازه

تحریم اقتصادی عراق باید لغو شود

بحران اخیر در خلیج فارس، بار دیگر اوضاع عراق را در مرکز توجه افکار عمومی جهان قرار داد. پس از مدتی فراموشی، همه به یاد آوردند، که ملتی در آن گوشه جهان وجود دارد که بیش از هفت سال است مصائب ناشی از تحریم اقتصادی بین‌المللی را اضافه بر مصیبت حکمرانی یک رژیم سفاک و دیکتاتور، تحمل می‌کند. صحنه‌های دلخراشی از کودکان عراقی که بر اثر نرسیدن دارو، با یک بیماری ساده جان می‌دهند، گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از فقر و فلاکت بی‌کران مردم عراق که از آب لوله‌کشی هم محروم شده‌اند و ناچارند آب کثیف دجله را به بهای مبتلا شدن به انواع و اقسام بیماری‌های عفونی بنوشند، به یاد همه ما آورد که دیکتاتور عراق از تحمیل کل بار ناشی از تحریم اقتصادی بر دوش مردم کشورش، هیچ ابایی ندارد. برخی رسانه‌های غربی کوشیدند با نشان دادن صحنه‌های از بسمارن شیمیایی حلبچه، رنج و مصیبت مردم عراق را در برابر رنج و مصیبت مردم عرب عراق قرار دهند. اما علیرغم هدف این تلاش، صحنه‌های دلخراش حلبچه (که در هنگام وقوع آن جنایت هولناک، هیچ گونه اعتراض مؤثر دولت‌های غربی را برنمی‌انگیخت) درست همانند صحنه‌های درد و محرومیت مردم بغداد، نشان داد که بی‌تفاوت ماندن در قبال این همه سیاه‌روزی کل یک ملت، در شأن بشریت نیست.

اکنون دبیرکل سازمان ملل متحد به عراق قول داده است در صورتی که بازرسی‌های مورد نظر شورای امنیت پایان یابد، لغو تحریم‌ها علیه عراق در دستور کار این شورا قرار خواهد گرفت. همه رسانه‌های غربی در بازتاب دادن این نگرانی که مبادا صدام حسین قول‌هایی را که به کوفی عنان داده است نقض کند، فعال‌اند. اما کسی نیست بپرسد که اگر طرف مقابل، یعنی آمریکا، به قول‌هایی که کوفی عنان داده است عمل نکند و اجازه لغو تحریم‌ها را نداد، تکلیف چیست؟ پاسخ رسمی سازمان ملل به این سؤال، برنامه نفت در برابر غذا و دارو است. اما همه می‌دانند که بسیاری کالاهای ضروری دیگر که برای پایان دادن به رنج و مصیبت مردم عراق ضروری است، مانند لوازم پزشکی برای بسیاری از تأسیسات، مشمول این برنامه نمی‌شود. انسان برای ادامه حیات، تنها به مواد غذایی و دارو احتیاج ندارد بلکه باید از آب پاکیزه و بهداشتی، امکانات رفت و آمد، پوشاک و ... بهره‌مند شود. تازه در این نیز تردید است که عراق در صورت صدور اجازه افزایش سهمیه فروش نفت خود، در شرایط تحریم اقتصادی که به فلج تأسیسات نفتی عراق انجامیده است، بتواند از این سهمیه استفاده کند.

زمان آن فرا رسیده است که جامعه بین‌المللی به مجازات مردم عراق از بابت جنایات صدام حسین پایان دهد. این خواست بشردوستانه، ممکن است در نگرشی ساده‌انگارانه، همسویی با رژیم عراق نامیده شود. اما واقعیت این است که اپوزیسیون عراق نیز مخالف تحریم اقتصادی این کشور است. به جای آنکه مخالفین تحریم ناچار باشند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه باید مطمئن شد لغو تحریم‌ها به سود صدام حسین تمام نخواهد شد، این موافقان تحریم‌اند که باید بگویند در این هفت سال، چه نشانه‌ای به دست آمده است از اینکه این تحریم‌ها، پایه‌های حکومت صدام حسین را به لرزه افکنده است؟

در توجیه تحریم‌ها، برخی به تجربه موفق تحریم اقتصادی آفریقای جنوبی در دهه هشتاد اشاره می‌کنند. اما پای این مقایسه می‌لنگد. رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی به اقلیت سفیدپوست این کشور می‌گفت اگر سیاهپوستان را محروم از حقوق انسانی نگه داریم، رفاه و ثروت ما تداوم خواهد یافت. به محض اینکه دولت‌های غربی زیر فشار افکار عمومی جهان و از جمله نیروهای دمکراتیک در غرب، پناه‌استند مانند سابق به معاملات آشکار و پنهان با آفریقای جنوبی ادامه دهند، تنها رفاه و سودی که سفیدپوستان آفریقای جنوبی از رژیم آپارتاید می‌بردند، به لرزه افتاد. موقعیت، در کشوری مانند عراق کاملاً متفاوت است. رژیم‌هایی مانند رژیم صدام حسین کاملاً آمادگی دارند که با شعارهای ایدئولوژیک و زیر پرچم امت عربی و امت اسلامی، هر بدبختی و فلاکتی را به مردم خود تحمیل کنند. این تاکتیک که با افزودن بر سیاه‌روزی مردم، باید آنها را به شورش علیه حکومت و داشت، هسته‌ای عمیقاً ضدانسانی دارد.

علاوه بر رنج و مصیبتی که تحریم اقتصادی عراق به مردم این کشور تحمیل می‌کند، تداوم این تحریم‌ها این اثر منفی را نیز دارد که به صدام حسین، فرصت مظلوم‌نمایی می‌دهد. دولت عراق همه فلاکتی را که برای مردم کشورش به بار آورده، به حساب تحریم‌ها می‌گذارد و هر از چندی، با اقدامات ماجراجویانه، مانند هفته‌های گذشته به آمریکا پنهان می‌دهد تا منطقه را به آستانه جنگ خانمان‌سوز دیگری بکشاند. تا وقتی تحریم‌ها پابرجاست، این کانون بحران همچنان داغ خواهد بود.

مخالفت اصلی با لغو تحریم‌ها، از سوی دولت آمریکا صورت می‌گیرد. پافشاری آمریکا بر تداوم مجازات اقتصادی عراق، در چارچوب استراتژی جهانی واشنگتن قابل بررسی است که تحریم‌های اقتصادی را به مثابه بخشی از زرادخانه خود برای قدرت‌نمایی سیاسی و نظامی در جهان به کار می‌گیرد. تحریم‌های آمریکا، طیف بسیار متنوع و ناهمگونی از کشورها را در بر می‌گیرد. تنها وجه مشترک آنها این است که آمریکا تشخیص داده است اعمال فشار بر آنها در خدمت هژمونی طلبی جهانی و امپریالیستی خود او است. در مورد عراق نیز همه بهانه‌هایی که آمریکا برای توجیه حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی عنوان کرده است، طی هفت سال گذشته تنها بهانه‌هایی برای قدرت‌نمایی صرف از کار درآمده‌اند. مقامات آمریکایی در مقاطع مختلف، توجیه‌های رسمی مختلف برای تداوم تحریم‌ها عنوان کرده‌اند، از سرنگونی صدام گرفته تا محو تمامی بیولوژیک و شیمیایی او. هیچ کس به اندازه خود دولت آمریکا آگاه نیست که همه این توجیه‌های رسمی، بهانه‌هایی پوچ است. نه قدرت صدام از تحریم‌ها به لرزه افتاده و نه جهان با این تحریم‌ها از خطر سلاح‌های اتمی و بیولوژیک و شیمیایی نجات داده شده است. وقت آن است که به این دروغ‌های بزرگ پایان داده شود.

جهان سوم در چنگال کنسرن‌ها؟

محمود صالحی

از عملیات اقتصادی کنسرن‌ها، نمی‌باشند. بنا به گفته سخنگوی نمایندگان کشورهای عضو «OECD»، قرارداد چندجانبه سرمایه‌گذاری خارجی «بهترین راه برای توسعه کشورهای جهان سوم می‌باشد». این قرارداد به منظور مقابله با «بی‌عدالتی‌هایی که از طرف کشورهای جهان سوم در حق

کار و مواد خام طبیعی کشور میزبان می‌بود، طبق این قرارداد اجبار کنسرن‌ها به رعایت حق کشور میزبان در این زمینه ممنوع می‌گردد. ۵-کنسرن‌ها ملزم به رعایت تعرفه‌های کار و حفاظت از محیط زیست نمی‌باشند. همچنین کشورهای جهان سوم دیگر مجاز به اعمال اجبار در زمینه سرمایه‌گذاری مجدد سود حاصله

نه تنها در عرصه سرمایه‌گذاری صنعتی و تولیدی بلکه در بازار بورس و خرید سهام در کشورهای میزبان، ۲- جلوگیری از محدود کردن اختیارات و محدود عمل کنسرن‌ها و حقوق برابر آنان با شرکت‌ها و موسسات کشور میزبان، ۳- کنسرن‌ها می‌توانند منبع از کشورها شکایت و ادعای خسارت نمایند، ۴- اگر تاکنون از اهداف کلاسیک توسعه اقتصادی از راه همکاری اقتصادی یعنی سرمایه‌گذاری خارجی، صدور تکنولوژی، استفاده از نیروی

مذاکرات نمایندگان ۲۹ کشور عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه «OECD» در مورد (قرارداد چند جانبه سرمایه‌گذاری خارجی) «MAI» در پاریس وارد مهم‌ترین فاز خود شده و این قرارداد در ماه آوریل امسال به امضا خواهد رسید. این مذاکرات در ماه سپتامبر ۱۹۹۵ بصورت محرمانه آغاز شد و گروه‌های غیر دولتی فعال در امر توسعه «NGOS»، تصادفاً در سال ۱۹۹۷ از وجود آن باخبر شدند. مهمترین مفاد این قرارداد عبارتند از ۱- بازکردن محدوده عمل کنسرن‌ها

جانبه بین‌المللی عضو «OECD» بالطبع بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز با وجود همه شرایط ذلت‌بار این قرارداد از ترس عدم سرمایه‌گذاری کنسرن‌ها به آن پیوندند. نخستین اعتراضات از سوی اتحادیه بین‌المللی سندیکاهای گروه‌های محافظ محیط زیست در مقابل پایمال نمودن حقوق کارگران و عدم رعایت حفاظت از محیط زیست از جانب کنسرن‌ها صورت گرفته است. آنان معتقدند با این قرارداد «کلید طلایی» جهان سوم تقدیم کنسرن‌های فرامیلتی می‌گردد.

کنسرن‌ها روا می‌گردد» تهیه شده است. قابل ذکر است کشورهای که در مورد آنان این تصامیم اتخاذ می‌گردد حق حضور در نشست‌ها و جلسات سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه را ندارند. در عرف بین‌المللی این گونه تصامیم و قانون‌گذاری‌های در سازمان جهانی تجارت «WTO» اتخاذ می‌گردد. البته به نظر می‌رسد این عدم دعوت از کشورهای جهان سوم در این مذاکرات، قرار دادن آنان در مقابل عمل انجام شده است. به نظر می‌رسد با عقد قرارداد چند